

فصلنامه علمی-پژوهشی

انظر الموعود

سال بیست و یکم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۷۵

تحلیل ساختاری تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، با تأکید بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور
هادی کریمی عقدا - محمد مهدی دهقانی اشکذری

بررسی و تحلیل تاریخ‌گذاری روایات مهدوی نزد محققان شریعی (با تمرکز بر روایات حاکی از نام و
نسب امام مهدی عج)
زهیر دهقانی آراتی

انگوی تهجد سازمانی در باران امام مهدی عج
رضا بروش

معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه خطی انجبه، منسوب به نعمانی
کاظم استادی

بررسی تحلیلی حوادث معشوف بر ظهور در روایت عبدالاعلی حلی (با تأکید بر سبک ریخت شناسانه پراپ)
محسن خوشنفر - زهره مراد نجف آبادی

بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون
حسن رضایی مهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار موعود

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

بهریزی لک، غلامرضا

(استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع))

جباری، محمدرضا

(دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع))

خسروپناه، عبدالحسین

(استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

رضانژاد، عزالدین

(استاد جامعة المصطفی العالمية)

رضایی اصفهانی، محمدعلی

(استاد جامعة المصطفی العالمية)

زارعی متین، حسن

(استاد دانشگاه تهران)

شاکری زاردهی، روح الله

(دانشیار دانشگاه تهران)

صفری فروشانی، نعمت الله

(استاد جامعة المصطفی العالمية)

کلباسی، مجتبی

(استاد حوزه علمیه قم)

محمدرضایی، محمد

(استاد دانشگاه تهران)

با استاد به نامه شماره ۶۰۶۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۸ فصلنامه انتظار موعود از شماره ۵۰ به رتبه علمی - پژوهشی ارتقا یافت. براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

صاحب امتیاز:

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی

سرمدیر:

حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری زاردهی

مدیر داخلی و دبیر تحریریه:

محسن رحیمی جعفری

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

صفحه آرا:

مسعود سلیمانی

طراح جلد:

عباس فریدی

مترجم انگلیسی:

زینب فرجام فرد

مترجم عربی:

ضیاء الزهاوی

پایگاه‌های استنادی که این فصلنامه در آن‌ها نمایه شده است:

www.entzar.ir

پایگاه مجله انتظار موعود

www.isc.gov.ir (ISC)

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

پایگاه مجلات تخصصی نور



نشانی: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه آمار، مرکز تخصصی مهدویت، دفتر

فصلنامه انتظار موعود

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۸۴۱۶۶۱ - نمابر: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰

سایت فصلنامه: www.entzar.ir

پست الکترونیکی: Entzarmagg@gmail.com

قیمت: ۱,۳۰۰,۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

«فصلنامه انتظار موعود^ع» نشریه‌ای علمی - پژوهشی است که به صورت تخصصی در حوزه معارف مهدوی به منظور ارتقای علمی و ایجاد فضای نقد و بررسی بین محققان و اندیشمندان حوزه مهدویت به نشر مقالات علمی - پژوهشی می‌پردازد. مخاطبان اصلی نشریه، متخصصان و صاحب نظران معارف مهدوی بوده و فصلنامه تلاش دارد مقالاتی در این نشریه منتشر کند که به تأیید ارزیابان علمی مجله رسیده و دارای شرایط زیر باشد:

۱. مسئله محور و بر یک موضوع خاص تمرکز کرده باشد؛
۲. به منابع معتبر اسلامی و به ویژه معارف اهل بیت ^{علیهم‌السلام} مستند و دارای قدرت استدلال و تبیینی در عرصه مهدویت باشد؛ به طوری که با ارائه دیدگاه‌های جدید، یا روش جدید در حل مسائل، به توسعه علم بیفزاید؛ به گونه‌ای که از نظر اهل تحقیق، مقالات در حد مقالات پژوهشی باشد.
۳. علاوه بر نوآوری در عرصه مهدویت، به شبهات و مسائل علمی پیش‌روی جامعه اسلامی پاسخ دهد.

مقاله باید از نظر ساختاری دارای شرایط ذیل باشد:

- الف) مشخصات مقاله: در صفحه نخست باید عنوان دقیق مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی، تلفن و ایمیل درج شود؛
- ب) چکیده: حداکثر در ۱۵ تا ۱۷۰ کلمه که حاوی مسئله مقاله، روش تحقیق، نوآوری‌ها و سؤال اصلی مقاله باشد (چکیده عربی و انگلیسی، همراه مقاله ارائه گردد)؛
- ج) واژگان کلیدی: (کلمات اصلی و کلیدی مقاله جهت نمایه، حداقل ۳ و حداکثر ۷ واژه)؛
- د) مقدمه: به بیان مساله و ضرورت آن و همچنین به پیشینه پرداخته می‌شود.
- ه) نتیجه‌گیری مطالب در انتهای مقاله، در ۱۰ الی ۱۵ سطر ذکر شود؛
- و) شیوه ارجاع به منابع داخل متن و طبق الگوی زیر باشد: (عباسی، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۱۵)؛ در صورت تکراری بودن سال نشر: (حسینی، ۱۳۸۴: الف، ص ۱۲۴)؛
- ز) در پایان مقاله فهرست کامل منابع به شیوه زیر ذکر شود: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان (پر رنگ)، مترجم، محقق یا مصحح، مکان نشر، ناشر.
- ح) برگردان لاتین اسامی و مفاهیم مهم و همچنین توضیحات ضروری در پاورقی بیاید.

تذکرات:

۱. مقالات، از ۱۵ صفحه (حدود ۴۵۰۰ کلمه) کم‌تر و ۲۵ صفحه (حدود ۷۵۰۰ کلمه) بیش‌تر نباشد.
۲. مقالات ترجمه‌ای پذیرفته نمی‌شود.
۳. هر مقاله باید دارای موضوع مستقل باشد (مقالات مسلسل پذیرفته نمی‌شود).
۴. مقاله قبلاً در هیچ جای دیگر نباید چاپ شده باشد (از ارسال هم زمان مقاله به مجله دیگر جداً خودداری شود).
۵. در صورت درخواست نویسنده، دفتر فصلنامه گواهی پذیرش مقاله را صادر خواهد کرد.
 - دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله الزاماً دیدگاه فصلنامه نیست.
 - فصلنامه در ویرایش مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.
 - مقالات ارسالی، بعد از ارزیابی بازگردانده نمی‌شود.

فهرست مقالات

تحلیل ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، با تأکید بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور... ۵۰

هادی کریمی عقدا - محمد مهدی دهقانی اشکذری

بررسی و تحلیل تاریخ‌گذاری روایات مهدوی از سوی محققان غربی با تمرکز بر روایات حاکی از نام و نسب امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۵

زهیر دهقانی آرانی

الگوی تعهد سازمانی در یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۱

رضا ابروش

معرفی و بررسی کهن‌ترین نسخه خطی الغیبه، منسوب به نعمانی ۷۵

کاظم استادی

بررسی تحلیلی حوادث معطوف بر ظهور در روایت عبدالاعلی حلبی (با تأکید بر سبک ریخت شناسانه پراپ) ... ۱۱۱

محسن خوشفر - زهره مراد نجف آبادی

بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون ۱۴۱

مجید حیدری فر - حسن رضایی مهر

ترجمه چکیده مقالات عربی - انگلیسی ۱۶۷

تحلیل ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، با تأکید بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور

هادی کریمی عقدا^۱

محمد مهدی دهقانی اشکذری^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تحلیل و بررسی جایگاه توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های تربیتی مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت کشور؛ با استفاده از فهرست واری ملاحظه‌ساخته انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا و رویکرد حاکم بر آن بنیادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که با وجود حاکم بودن مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های تربیتی سند مذکور؛ توجه بیش‌تر به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز در ساحت‌های تربیت زیستی و بدنی و زیباشناختی و هنری ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به اهمیت مباحث مربوط به خودشناسی در فرایند تربیت و مباحث مربوط به حفظ محیط زیست، انتظار آن است که به مولفه‌های مربوط به ارتباط فرد با خود و ارتباط فرد با خلقت، در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی، به سند مذکور توجه بیش‌تری شود. **واژگان کلیدی:** مبانی نظری سند تحول بنیادین، ساحت‌های تربیتی، تربیت زمینه‌ساز ظهور، مهدویت.

مقدمه

با توجه به این که در اکثر جوامع و نظام‌های سیاسی، گروه وسیعی از مردم مخاطب برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی آن جوامع هستند؛ نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشورها می‌تواند به عنوان مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی، در انتقال ارزش‌ها و هدایت فکری نسل نو، نقش موثری داشته باشد (مرزوقی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۸). از دیدگاه بسیاری از جامعه‌شناسان، نظام آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین نهادهایی است که توانایی تربیت انسان‌های ایده آل را در تمام ابعاد اعتقادی، اخلاقی و جسمانی، بر اساس وضع مطلوب مورد نظر برنامه ریزان فرهنگی کشور داراست (شارع پور، ۱۳۹۸: ص ۲۷). وجود چنین کارکردهایی در نظام‌های آموزشی کشورها سبب شد متخصصان کشورهای مختلف با استفاده از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تربیتی مناسب از ظرفیت نظام تربیت رسمی عمومی در جهت شکل دهی به فرهنگ عمومی و سبک زندگی افراد جامعه استفاده کنند. البته یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده برای تحقق این مهم، تدوین و تصویب مبانی فلسفی متناسب با مبانی حکمرانی و سیاسی حاکم بر آن جوامع می‌باشد. و این، امری است که با توجه به نقد مقام معظم رهبری و بسیاری از متخصصان تربیت اسلامی بر نظام آموزش و پرورش کشور و لزوم توجه به تحول و طراحی مجدد در مبانی فلسفی آن (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ص ۸)؛ زمینه تلاش گسترده‌ای را فراهم آورد، و در نهایت، سندی با عنوان «مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» تهیه و تصویب شد. سند مذکور سه قسمت تربیت رسمی در جمهوری اسلامی ایران، تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران و رهنامه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. در قسمت مربوط به هدف‌گذاری سند مذکور که تحت عنوان چرایی تربیت در بخش‌های فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته، سعی شده است با نگاه به ساحت‌های تربیتی شش‌گانه، الگویی مناسب برای تدوین هدف برای نظام آموزشی کشور در نظر گرفته شود. بر همین اساس و با توجه به نقش تربیت در شکل دهی به فرهنگ عامه و همچنین جایگاه نظام آموزشی کشور در انتقال مباحث اخلاقی و اعتقادی به نسل نوجوان و جوان کشور که معمولاً در سن بلوغ و تکلیف شرعی مخاطبان نظام



آموزش و پرورش کشور هستند و می‌بایست در این دوران، با مباحث مربوط به معارف دین آشنا شوند و با ملاحظه جایگاه موضوع مهدویت و شناخت امام زمان به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به مباحث معارف اسلامی که جایگاه و کارکردهای اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بسیاری در شکل‌گیری حیات طیبه بر اساس نگاه تمدن‌گرایانه به اسلام و حکومت دینی دارد؛ در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل میزان توجه به مولفه‌های مهدویت و تربیت زمینه‌ساز ظهور در قسمت‌های مربوط به ساحت‌های تربیتی که مستقیماً با اهداف مطرح در سند تحول ارتباط دارند؛ می‌پردازیم.

مبانی نظری

۱. انتظار

واژه «انتظار» از ریشه نظر است که در باب افتعال به کار رفته و به معنای نگاه با تامل و دقت می‌باشد. این واژه در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» نیز به معنای نگاه با تامل و دقت در چیزی آمده است^۱ (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ص ۱۸۴). انتظار به مفهوم عالی آن، امری است فطری که با نهاد انسان سرشته شده و لازمه حیات انسانی است. در آموزه‌های اسلامی، همواره مفهوم انتظار مطرح بوده است. به عنوان مثال، ابوبصیر از امام صادق ع پرسید: فرج چه زمانی خواهد بود؟ آن حضرت فرمود: «تو هم از کسانی هستی که دنیا را طلب می‌کنند؟! آن کس که قیام امام را بشناسد، برای او به جهت انتظارش، فرج شده است»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۱) و امام سجاد ع نیز انتظار فرج را بزرگ‌ترین گشایش‌ها می‌داند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲).

در فرهنگ شیعی، واژه انتظار، همواره با پسوند «قیام»، «فرج» و «ظهور» همراه است و به ایمان استوار بر امامت و ولایت ولی عصر ع و چشم به راه بودن برای ظهور آخرین حجت

۱. «النظر تامل الشی بالعين و کذاک النظران و هو تامل الشی و معاينته».

۲. «یا ابابصیر و انت ممن یرید الدنیا؟ من عرف هذا الامر، فقد فرج عنه لانتظاره».

۳. «انتظار الفرج من اعظم الفرج».



معصوم الاهی و آمادگی برای برپایی حکومت صالحان در سراسر گیتی دلالت دارد. انتظار یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی به شمار می‌رود و از چنان اهمیتی برخوردار است که اعتقاد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ردیف وقوع قیامت و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۶۳).

۲. انتظار منفعل

«انتظار منفعل» به دیدگاه کسانی مربوط است که با برداشت سطحی و بدون توجه به قراین صدور، نسبت به مفاد برخی روایات (مبتنی بر نفی هر گونه قیام و حرکتی در عصر انتظار و بطلان و یا نافرجام بودن آن) توجه داشته‌اند؛ مانند پاسخ امام صادق علیه السلام به ابوبصیر که صاحب هر پرچمی را که قبل از قیام حضرت قائم بر افراشته شود، طاغوت دانسته و اطاعت آن فرد را همان خارج شدن از اطاعت خدا می‌داند. غافل از این که فرمایش امام، بر جلوگیری از سوء استفاده برخی عناصر شیعی و نیز گروه عباسیان، از نام «مهدی» مبتنی است تا اینان قیام خود علیه بنی امیه را قیام مهدی موعود قلمداد نکنند و به اغراض سیاسی خود دست نیابند. این گروه، پدیده ظهور را تنها معلول اراده و مشیت الاهی می‌دانند و برای عوامل انسانی و طبیعی، نقش چندانی قائل نیستند. به همین دلیل، در عصر غیبت نیز شیعیان را به زمینه سازی و تهیه مقدمات ظهور مکلف نمی‌دانند.

در این نگرش، هر اصلاحی محکوم است؛ زیرا هر اصلاح، حرکت روشنی به حساب می‌آید و تا زمانی که در صفحه اجتماع مؤلفه روشنی وجود دارد، دست غیب ظاهر نمی‌شود؛ بلکه برعکس، هر گناه، فساد، ظلم، تبعیض، حق کشی و هر پلیدی رواست؛ به حکم این که مقدمه اصلاح کلی بوده و فرج را نزدیک می‌کند؛ زیرا «الغایات تبرر المبادی»؛ هدف‌ها وسیله نامشروع را مشروع می‌کند. پس، ترویج و اشاعه فساد، بهترین کمک به تسریع ظهور و بهترین شکل انتظار است. البته چنین نگرشی نه تنها با محکمات قطعی احکام سیاسی اسلام، تضاد آشکار دارد، بلکه در آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، بر چنین برداشت نادرستی از انتظار، خط بطلان کشیده شده است؛ زیرا نه تنها در روایات انتظار از سنخ «عمل» عنوان شده است، بلکه روایات، آن را با عباراتی مانند بهترین عمل: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج»؛ بزرگ‌ترین عمل: «إنتظار الفرج من أعظم

الفرج» و محبوب‌ترین جهاد: «أفضل جهاد أمتي انتظار الفرج»؛ مورد توجه قرار داده‌اند. امام خمینی به‌عنوان یکی از مصلحان بزرگ شیعه و احیاگر اندیشه انتظار؛ در یک طبقه بندی جامع، طرفداران این نوع نگرش منفی را که در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدی شیوع یافته بود، به چند دسته انزواگرا، عافیت طلب و تکلیف گریز، تقسیم می‌کنند. و در نقد این گروه می‌گویند:

ای بی‌خردان! اسلامی که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه: ۳۶)؛ آیا می‌گوید بنشینید تا طعمه دیگران شوید؟ اسلامی که می‌فرماید: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» (بقره: ۱۹۱)؛ آیا می‌گوید دست روی دست بگذارید تا دیگران بر شما چیره شوند؟ اسلامی که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (بقره: ۱۹۰)؛ می‌گوید خود را تسلیم دیگران کنید؟ اسلامی که می‌فرماید: «الْحَيِّرْ كُلَّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَلَا يُقِيمُ النَّاسُ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْحَيَّةِ وَ النَّارِ» و «لِلْحَيَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ بَابُ الْمُجَاهِدِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ص ۲)؛ و صدها آیات و احادیث دیگر برای جنگ با اجانب و برای استقلال کشور؛ آیا مردم را از کوشش و جنگ باز می‌دارد؟! (امام خمینی، بی‌تا: ص ۲۳۱).

۳. انتظار زمینه‌ساز ظهور

«زمینه‌سازی» در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است (انوری، ۱۳۸۱: ج ۵، ص ۳۸۷۷). بر این اساس، زمینه سازی ظهور را می‌توان به معنای مقدمه چینی و آمادگی برای ظهور دانست (آیتی، ۱۳۹۰: ص ۲۳). محقق شدن جامعه مهدوی، زمینه و بستری می‌طلبد که باید متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی آن جامعه آماده گردد. در این نوع نگرش به انتظار که خوشبختانه نگرش غالب در میان پژوهشگران معاصر می‌باشد؛ نه تنها اراده، تلاش و خواست جمعی، نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای در تسریع ظهور دارند، بلکه اساساً انتظار بدون توجه به سازکارها و اقدامات زمینه ساز، امری نامعقول و بی‌معناست. در این نگرش که ارزیابی دقیق اوضاع گذشته و تلاش برای تغییر وضعیت موجود، جزو الزامات تفکر انتظار محسوب می‌شود، تکالیف فردی و اجتماعی شخص منتظر نیز تا حدی روشن می‌گردد.



این نوع انتظار با فرمایش امام صادق علیه السلام متناسب است که ایشان بر انتظار و تقوای منتظران تاکید دارند و حتی اجر و پاداش کسی که در دوران انتظار بر مبنای تقوای الهی عمل کرده است، همانند کسی عنوان می‌کنند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کرده است^۱ (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۲۰۰). این نوع انتظار تعهد آور، تحرک بخش و نیرو آفرین است و شناخت، تعهد و تلاش برای فراهم کردن مقدمات ظهور از راه ایجاد آمادگی‌های فکری، روحی و جسمی برای کسب ورع و پاکی، تلاش به منظور گسترش فضیلت‌های اخلاقی و زدودن مظاهر ظلم و پلیدی در جامعه جوهر اصلی آن است. هدیه ظهور چیزی نیست که خداوند آن را به رغم نبود امکانات و بسترهای لازم، بر جامعه بشری تحمیل کند، بلکه شرط این مهم، آن است که مردم با شعور و آگاهی و با میل و انتخاب خود، اهمیت و ضرورت ظهور حضرت حجت را درک کنند و با مجاهدت و برنامه ریزی، به انگیزه تحقق این رویکرد تلاش کنند تا خداوند آنان را از چنین نعمتی بهره‌مند کند و وعده الهی بر ظهور منجی موعود، محقق گردد.

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی، از جمله تغییرات اجتماعی است که سرچشمه‌ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از جنبه اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و باید فضایی مناسب برای آن موجود باشد. بنابراین، مهم‌ترین رکن زمینه سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خداوند، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر، از راه تربیت امکان پذیر است. نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری‌ترین عامل در زمینه سازی ظهور به شمار می‌رود. آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، به جلب نیرو و تربیت آن‌ها نیازمند است. کسانی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکتی صحیح داشته باشند که ضمن بهره‌مندی از تربیتی متناسب، بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه سازی داشته باشند.

۱. «من سر آن یكون من أصحاب القائم فلينتظر وليعمل بالورع ومحاسن الأخلاق وهو منتظر فإن مات وقام القائم بعده كان له من الأجر مثل أجر من أدركه فجداوا».

۴. تربیت زمینه‌ساز ظهور

اصطلاح «زمینه‌ساز»، برگرفته از مضمون احادیثی است که در آن‌ها از گروه‌هایی یاد شده که پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسترها و زمینه‌های لازم را برای قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می‌آورند. این اصطلاح، معادل فارسی کلمه «تمهید» و «توطیه» و «اعداد» در عربی است که به معنای مقدمه‌چینی، فراهم کردن، آماده کردن و بسترسازی است. کلمات «يُؤَطُّون» (قزوینی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۱۳۶۸) و «لَيُعِدَّنَّ» (نعمانی، ۱۳۷۶: ص ۳۲۰)؛ در احادیث، به همین معناست. با توجه به این معنا، تربیت زمینه‌ساز ظهور، یعنی فراهم کردن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور؛ به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ص ۲۰).

در این نظام تربیتی، بُعد ارتباط با پروردگار که مقتضای فطرت آدمی است؛ نقشی محوری و مرکزی دارد. اساس این نوع روابط، شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و پذیرش او به عنوان رب خویش و عملاً تن دادن به ربوبیت او و پرهیز از ربوبیت غیر است (باقری، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۶۱). بر همین اساس است که معرفت و ایمان به خدا و صفات او و نیز پذیرش نقش او در خلق و امر و اداره نظام هستی؛ از جمله خود و انسان‌ها و پرستش خاضعانه و خاشعانه وی، فرد را به کمالش هدایت می‌کند.

یکی دیگر از ابعادی که می‌تواند در تربیت زمینه‌ساز مورد توجه قرار گیرد، بر مبنای گرایش فطری به سوی کمال مطلق و انزجار و بیزارگی از نقص و کاستی است که زمینه ارتباط انسان را با خویشتن فراهم می‌کند (مساعد و منطقی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۸). با توجه به قدرت حب ذات در انسان و توانایی او در کسب بینش و انتخاب مسیر درست کمال و سعادت انسان می‌تواند در پرتو تربیت سالم با فراهم کردن عوامل سعادت و برطرف کردن موانع و آفات، به سیر و سلوک خویش ادامه دهد تا خود را به عالی‌ترین مراحل آن برساند و از خود طبیعی به سوی خود انسانی و سپس به مرحله خود اعلا - که مظهری از ذات حق است - تغییر جهت دهد و خلیفه‌الله و مظهر اسماء و صفات الهی گردد (اعرافی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۷۲).

دسته دیگری از جنبه‌های فطری آدمی که به صورت گرایش و توانمندی در هر فرد وجود



دارند، گرایش و توانمندی ارتباط با دیگران است و از این‌رو است که انسان «مدنی بالطبع» نامیده شده است. به فعلیت رساندن این توانمندی و عملیاتی کردن این گرایش در همهٔ مراحل زندگی و در چگونگی معاشرت آدمیان با یکدیگر، می‌تواند در تحولات تربیتی و ظهور توانمندی‌های بالقوه افراد، به صورت مطلوب و بالنده؛ و حتی بر درک بهتر خود و کشف ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود و دستیابی به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود موثر باشد (شریفی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۱).

در توضیح چهارمین بُعد نظام تربیت زمینه‌ساز، چنین می‌توان توضیح داد که آدمی در زندگی با دنیای اطراف خود در ارتباط است. زمین و آسمان، کوه و دشت، جنگل و بیابان، دریا و خشکی، حیوانات و تمام جلوه‌ها و مظاهر ریز و درشت طبیعت، نمودی از قدرت و عظمت خالق و آفریننده هستی هستند و بر دیدگاه انسان نسبت به زندگی اثری ژرف دارند. بنابراین، رابطهٔ انسان با هر موجود، بر اساس درک و آگاهی او نسبت به آن موجود است و اگر نسبت به موجودی درک و فهمی نداشته باشد، هیچ‌گاه به آن مایل نخواهد شد. علامه جعفری رابطهٔ انسان با جهان هستی را در سه اصل بیان کرده است: شناخت این جهان تا عالی‌ترین حد ممکن، جدی گرفتن قوانین تکوینی جهان و احساس ملکوتی نسبت به این جهان که یکی از نتایج مهم جدی گرفتن آن است (جعفری، ۱۳۷۶: ص ۳۵۰-۳۵۴).

با توجه به جایگاه و کارکرد نظام تربیتی در کادر سازی و تربیت افراد متعهد و معتقد به معارف اسلامی و مباحث مطرح در ابعاد انتظار زمینه‌ساز ظهور؛ به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ابزارهای کمک‌کننده به تربیت افرادی که بتوانند در مولفه‌های ارتباطی با خداوند، ارتباط با خودشان، ارتباط با خلق و ارتباط با خلقت همواره به ابعاد تربیت زمینه‌ساز ظهور توجه داشته باشند و سبک زندگی خود را بر آن استوار کنند؛ استفاده از ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت کشور است که مخاطبان اصلی آن، پسران و دختران، نوجوان و جوان جامعه هستند. البته با توجه به جایگاه اسناد بالا دستی و به خصوص سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور؛ در ادامه ضمن تبیین مباحث مربوط به ساحت‌های تربیت در سند مذکور و مشخص کردن ظرفیت‌های موجود در آن، در ادامه با استفاده از روش تحلیل محتوا به تحلیل رویکرد سند مذکور به مباحث مربوط به تربیت زمینه‌ساز ظهور می‌پردازیم.

۵. ساخت‌های تربیتی سند تحول بنیادین

تدوین سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور که در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب اسلامی رسید؛ یکی از اسناد مهم در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای نظام آموزش و پرورش کشور است. در بخشی‌هایی از سند مذکور، پس از آن که حیات طیبه را وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار الهی تعریف می‌کند؛ دستیابی به مراتبی از حیات طیبه در تمام ابعاد را به عنوان هدف اصلی فرایند تربیت در جمهوری اسلامی ایران، مطرح می‌کند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰: ص ۱۳۹). در ادامه سعی شده است در قسمت‌هایی با عنوان چرایی تربیت در جمهوری اسلامی ایران (همان، ص ۱۵۴-۱۵۷)؛ و چرایی تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران (همان، ص ۲۹۷-۳۱۲)؛ به اهداف تربیت در جمهوری اسلامی ایران و اهداف تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. مولفان سند تحول در این قسمت‌ها، بخش‌هایی را با توجه به شئون و جنبه‌های متعدد حیات طیبه در قالب ساخت‌های تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساخت تربیت زیستی و بدنی، ساخت تربیت زیبا شناختی و هنری، ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و ساخت تربیت علمی و فناوری مورد توجه قرار داده و بر اهمیت و کارکرد آن در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی فرایندهای تربیتی تأکید کرده‌اند (همان)؛ امری که سبب شد پژوهش حاضر تحلیل محتوای این بخش از سند را مورد توجه قرار دهد. البته با توجه به این که ساخت‌های مذکور در دو قسمت است: یکی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران (که به تربیت در معنای عام آن می‌پردازد و به تمام جنبه‌های زندگی عموم افراد جامعه توجه دارد) و دیگری فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی که بیش‌تر به فرایند تربیت در نظام آموزش و پرورش تأکید دارد که مخاطبان آن معلمان و دانش‌آموزان و والدین آن‌ها هستند؛ و با ملاحظه مؤلفه‌ها و اقتضائات مربوط به این دو نوع تربیت، در پژوهش حاضر سعی شد تحلیل محتوای ساخت‌های تربیتی مطرح در دو قسمت مورد نظر به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.



۶. سوابق پژوهش

هر چند پژوهش‌های متعددی با موضوع تربیت و مهدویت با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است؛ براساس تحقیقات انجام شده، در اکثر مطالعات صورت گرفته، به تحلیل محتوای کتاب‌های درسی با موضوعات و پایه‌های مختلف تحصیلی پرداخته شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پژوهش جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۲)، که با عنوان «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران» انجام پذیرفته؛ به بررسی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت در کتاب‌های دین و زندگی، ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و تاریخ انقلاب اسلامی دوره متوسطه پرداخته است.

جعفری هرنندی (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای دیگر که با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت» انجام داده؛ به این یافته نایل آمده است که کتاب‌های فارسی (با ۲۶۳ مورد) نسبت به کتاب‌های هدیه‌های آسمانی (با ۲۵۲ مورد) و تعلیمات اجتماعی (با ۹۲ مورد) توجه بیشتری را به مفاهیم مرتبط با مهدویت و محورها و مؤلفه‌های مفهومی آن داشته‌اند.

صمیمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «مهدویت و تربیت: عرصه‌های تأثیرگذاری اعتماد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث»، مهدویت را صرفاً مقوله‌ای اعتقادی نمی‌داند، بلکه آن را مفهومی آموزشی، تربیتی و اخلاقی می‌انگارد که آثار و نتایج ویژه خود را در قالب‌های ذیل نشان می‌دهد:

ابعاد فکری (رهایی از جهل و نادانی)؛ عاطفی (تسکین و آرامش روانی، امید به آینده، تحرک و پویایی، صبر و مقاومت در برابر مشکلات و آرمان‌خواهی)؛ اخلاقی (پارسایی، نظارت امام بر اعمال انسان و آمادگی مداوم فرد) و عملی (دین‌داری، روحیه ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر).

یافته‌های مرزوقی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس»، گویای آن است که توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا برای ترویج تفکر مهدویت، در منابع درسی دوره ابتدایی وجود ندارد.



روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش مورد استفاده، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌باشد. تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی، نوعی تحلیل محتوا است که ضمن شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین مورد نظر در متن، بر کشف معانی اصلی و یا مضامین آن تاکید دارد (کریمی عقدا و قادری مقدم، ۱۳۹۶: ص ۷۲). مقوله بندی و تعیین شاخص در این پژوهش، با استفاده از روش جعبه‌ای انجام گرفته است. همچنین واحد ثبت در پژوهش مضمون و روش شمارش نیز فراوانی بوده است.

ابزار اندازه‌گیری

ابتدا فهرست واری‌های تحلیل محتوای محقق ساخته، با توجه به آنچه در آموزه‌های اسلامی در خصوص شرایط و بستر ظهور آمده است؛ مطابق الگوی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در کتاب الفتاوی الواضحه و آیت الله مصباح یزدی در مباحث اخلاقی بر اساس ارتباط فرد با خداوند، با خودش، با خلق و با خلقت (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۱)؛ مطابق جدول شماره یک آماده شده است. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوا با توجه به ساحت‌های تربیتی مطرح در سند تحول بنیادی نظام تعلیم و تربیت کشور، در قالب شش بعد و چهار مولفه (جدول شماره ۲) طراحی گردید.

جدول ۱. فهرست واری‌های محقق ساخته با توجه به الگوی تعاملی چهارگانه

ابعاد / سطح	شناختی	عاطفی	عملکردی
ارتباط با خدا (الاهی)	معرفت عمیق به یکتایی، خالقیت، ربوبیت، الوهیت و عدالت خداوند	رضا و تسلیم، پذیرش احکام الاهی، خشوع، ایمان وثابت قدم بودن	تقوا، اخلاص، دعا، عبادت، پرداخت خمس، پرداخت زکات، اطاعت و شکر نعمت
ارتباط با خود (فردی)	خودشناسی و شناخت میزان وابستگی خود به خداوند	احساس حضور در محضر امام، خود ارزشمندی، سعادت خواهی و آرامش	محاسبه نفس، خویشتن داری، رعایت نظم و خودسازی
ارتباط با خلق	شناخت امام، بصیرت، شناخت	همدلی، صبر بر هجران،	دعا، عدالت، مهرورزی به



ابعاد / سطح	شناختی	عاطفی	عملکردی
(اجتماعی)	وظایف منتظر نسبت به امام، شناخت منتظران واقعی، شناخت زمینه‌های ظهور و ویژگی‌های حکومت امام	دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان امام، ولایت پذیری، امید به آینده، صلح و رحمت و وحدت و همبستگی، اشتیاق نسبت به دیدار امام و حمایت و احترام به امام	امام، اطاعت از امام، مهرورزی، امر به معروف و نهی از منکر، مجاهدت تا سر حد شهادت، انتظار فرج، موضع‌گیری نسبت به بدعت‌ها، بخشش مال، از خود گذشته‌گی و معرفی امام به دیگران
ارتباط با خلقت (زیست محیطی)	شناخت هستی، شناخت هدفمندی هستی، مخلوق بودن برای هستی و نعمت بودن طبیعت برای انسان	مسئولیت پذیری نسبت به مخلوقات خداوند و عدم دل بستگی و عدم وابستگی به دنیا	بهره‌مندی مناسب از طبیعت و کمک به آبادانی شهرها و روستاها

برای حصول اطمینان از وجود روایی پژوهش، از دیدگاه متخصصان استفاده شده است؛ به این ترتیب که فرم اولیه تحلیل محتوا به همراه احادیث و روایات مورد نظر در اختیار تعدادی از صاحب نظران حوزه علوم قرآن و حدیث قرار گرفت و بعد از بررسی دیدگاه‌های ایشان و اصلاحات مورد نظر، فهرست واری‌های تحلیل محتوا در اختیار گروهی دیگر از متخصصان تربیت اسلامی قرار گرفت که در نهایت پس از اعمال دیدگاه آن‌ها، نمایه‌ای از تحلیل محتوا در قالب چارچوب مفهومی مطابق جدول شماره یک پژوهش تهیه شد.

برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، از روش آزمون - آزمون مجدد استفاده شد. بدین صورت که ابتدا قسمت‌های مربوط به ساحت‌های تربیتی در مبانی نظری سند تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، با دقت مطالعه و مضامین مورد نظر مشخص و شمارش شد و سپس بعد از گذشت دو هفته، بار دوم همان قسمت مورد مطالعه و کدگذاری قرار گرفت که در نهایت، ضریب همبستگی ۹۰٪ بین فراوانی‌های شمارش شده حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج سوال اول پژوهش: در محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت در مبانی



نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، به چه میزان به ابعاد و مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است؟

در پاسخ به سوال پژوهش تحلیل محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوای مربوط به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مجموع		مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور				تعداد جملات	ساحت‌های تربیتی
		ارتباط با خلقت	ارتباط با خلق	ارتباط با خود	ارتباط با خدا		
درصد	فراوانی						
۹۲	۵۰	۲	۱۱	۱۴	۲۳	۵۴	تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی
۸۴	۵۳	۳	۲۲	۱۰	۱۸	۶۳	تربیت اجتماعی و سیاسی
۸۴	۲۱	۳	۴	۸	۶	۲۵	تربیت زیستی و بدنی
۷۷	۱۷	۳	۴	۵	۵	۲۲	تربیت زیبا شناسی و هنری
۸۶	۳۰	۲	۱۰	۸	۱۰	۳۵	تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
۸۶	۲۶	۳	۸	۶	۹	۳۰	تربیت علمی و فناوری
۸۵	۱۹۶	۱۶	۵۹	۵۱	۷۱	۲۲۹	مجموع

در ابتدا لازم است به این مهم اشاره شود که انتظار بود در جامعه دینی، تمامی اهداف تربیتی با جهت‌گیری الهی تدوین شوند و لذا تمام اهداف مطرح در ساحت‌های تربیتی اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، زیستی و بدنی، زیبا شناسی و هنری و ساحت تربیت علمی و فناوری بر مبنای اهداف ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی باشند؛ اما متأسفانه در مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت کشور، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در کنار سایر ساحت‌های تربیتی قرار گرفته و هدف‌گذاری سایر ساحت‌های تربیتی را تحت تاثیر قرار



داده است.

آنچه در تحلیل محتوای ساحت‌های تربیتی مطرح در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران به دست آمد (جدول شماره ۲). نشان می‌دهد که اساساً میزان توجه به مباحث مطرح در ساحت‌های تربیتی در این بخش از سند، به طرز معنا داری از مباحث مطرح در بخش فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران کم‌تر می‌باشد؛ به طوری که در بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ۲۲۹ جمله داشتیم که ۱۹۶ عدد از آن با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مرتبط بود؛ اما در بخش مربوط به فلسفه تربیت رسمی عمومی، با فراوانی ۷۰۷ جمله مواجه بودیم که ۵۹۰ مورد از آن در چارچوب مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور قرار داشت. در حالی که مخاطبان فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران که عموم افراد جامعه را با هر سن و تمایلات فرهنگی و اعتقادی در بر می‌گیرد؛ در مقایسه با مخاطبان فلسفه تربیت رسمی عمومی که به نظام آموزش و پرورش کشور مربوط است؛ بسیار گسترده‌تر و از لحاظ فرهنگی متنوع‌تر می‌باشد.

در خصوص وضعیت میزان توجه ساحت‌های مربوط به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز، شاهد ارتباط ۸۵ درصدی هستیم که نشان دهنده جهت‌گیری مبتنی بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز در سند مذکور می‌باشد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشخص است، بیش‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مربوط به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است که به علت ماهیت موضوعات مطرح در ساحت مورد نظر، این میزان از فراوانی مورد انتظار بود. کم‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور مربوط به ساحت زیبا شناختی و هنری می‌باشد که البته از هم‌پوشانی اهداف ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و تفکیک و قرار دادن آن در کنار ساحت‌های تربیتی دیگر می‌تواند به عنوان یکی از دلایل درصد پایین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت زیبا شناختی و هنری نام برد. در خصوص میزان توجه به مولفه‌های ارتباط چهارگانه فرد با خداوند، با خودش، با خلق و خلقت؛ شاهد نزدیک بودن میان فراوانی به دست آمده در مولفه ارتباطی فرد با خداوند، فرد با خودش و فرد با خلق هستیم و تنها در مولفه ارتباط فرد با خلقت، به طرز معناداری شاهد فراوانی کم‌تری هستیم که با توجه به مسائل مربوط به



تغییر اقلیم در کشور و لزوم توجه بیش تر به مباحث مربوط به حفظ محیط زیست، توجه بیش تر این مولفه ضروری به نظر می‌رسد.

۲. نتایج سوال دوم پژوهش: در محتوای مربوط به ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت رسمی عمومی مبانی نظری سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت کشور، به چه میزان به ابعاد و مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه شده است؟

یافته‌های مربوط به تحلیل محتوای بخش ساحت‌های تربیتی فلسفه تربیت رسمی عمومی مبانی نظری سند تحول بنیادین، در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. چهارچوب مفهومی تحلیل محتوای مربوط به فلسفه تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران

مجموع		مولفه‌های تربیت زمینه ساز ظهور				تعداد جملات	ساحت‌های تربیتی
		ارتباط با خلقت	ارتباط با خلق	ارتباط با خود	ارتباط با خدا		
۹۰	۲۰۹	۱۱	۳۶	۴۷	۱۱۵	۲۳۲	تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی
۸۷	۱۱۲	۷	۴۴	۲۶	۳۵	۱۲۸	تربیت اجتماعی و سیاسی
۶۰	۴۴	۳	۴	۱۶	۲۱	۷۳	تربیت زیستی و بدنی
۷۲	۵۱	۸	۱۲	۱۶	۱۵	۷۱	تربیت زیبا شناختی و هنری
۸۶	۹۱	۵	۳۷	۲۸	۲۱	۱۰۵	تربیت اقتصادی و حرفه‌ای
۸۵	۸۳	۶	۲۸	۲۶	۲۳	۹۸	تربیت علمی و فناوری
۸۱	۵۹۰	۴۰	۱۶۱	۱۵۹	۲۳۰	۷۰۷	مجموع



یافته‌های تحلیل محتوای ساحت‌های تربیتی مطرح در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی نشان می‌دهند که در این بخش شاهد فراوانی ۷۰۷ جمله مربوط به مباحث مربوط به ساحت‌های تربیتی هستیم که در مقایسه با ۲۲۹ جمله موجود در بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران؛ نشان دهنده توجه بیش‌تر و جامع‌تر این قسمت از سند به مباحث مربوط به ساحت‌های تربیتی می‌باشد. از لحاظ درصد فراوانی مطابقت مباحث مطرح شده در بخش ساحت‌های تربیتی با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور نیز شاهد فراوانی ۸۵٪ هستیم که نشان دهنده حاکم بودن رویکرد الهی و مبتنی بر تربیت زمینه‌ساز ظهور، در این بخش از سند می‌باشد. در میان ساحت‌های تربیتی مطرح در سند، کم‌ترین میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، به ساحت تربیت زیستی و بدنی با فراوانی ۶۰٪ و ساحت تربیت زیباشناختی و هنری با فراوانی ۷۲٪ مربوط می‌باشد، با توجه به ویژگی‌های مخاطبان این بخش از سند که نوجوانان و جوانان هستند و با توجه به گرایش فراوانی که به فعالیت‌های بدنی و درس تربیت بدنی دارند و علاقه وافر آنان به شرکت در مسابقات فرهنگی هنری؛ انتظار آن است که این ظرفیت در اسناد بالادستی مورد توجه قرار گیرد و از ظرفیت موجود در جهت توجه بیش‌تر به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور در ساحت‌های مذکور بیش‌تر استفاده شود. در مورد میزان توجه به مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، همانند آنچه در تحلیل محتوای بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی گفته شد؛ بیش‌ترین فراوانی به ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی و مولفه ارتباط فرد با خداوند مربوط می‌باشد که با توجه به ماهیت مباحث مطرح در این ساحت تربیتی، چنین فراوانی مورد انتظار بود. یکی دیگر از نتایج تحلیل محتوای قسمت مورد نظر از سند تحول که جای تامل دارد، توجه به این مهم است که با توجه به جایگاه و تاکید آموزه‌های اسلامی به مولفه خودشناسی و خودسازی و تاثیر این مهم بر سایر مولفه‌های ارتباطی، شایسته است در تدوین اسناد بالادستی برای نظام تعلیم و تربیت کشور، به ارتباط فرد با خودش توجه بیش‌تری شود. آخرین موضوعی که می‌بایست در تحلیل محتوا مورد توجه قرار گیرد، توجه بیش‌تر به مولفه ارتباطی فرد با خلقت است که با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش و پرورش کشور، مانند وجود کتاب‌های درسی در پایه‌های مختلف تحصیلی و فعالیت‌های فوق برنامه، این مهم می‌تواند محقق شود تا بتوان اوضاعی فراهم کرد که دانش‌آموزان پسر و دختر

کشور در سنین کودکی و نوجوانی به مباحث مربوط به محیط زیست خود علاقه مند شوند و کنش گر فعالی برای سالم سازی آن باشند.

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن دو گروه از منتظران منفعل و منتظران زمینه ساز ظهور مشخص شد که در خصوص منتظران منفعل، تربیت، به خودسازی و به دست آوردن سیر و کمال معنوی در منتظر معطوف است و اساسا به مولفه های دیگر تربیت زمینه ساز ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه نمی شود؛ اما با نگاه به تربیت زمینه ساز ظهور که خوشبختانه در اوضاع کنونی نگرش غالب در جامعه اسلامی ما است، انتظار آن است که به منظور تدارک بستر مناسب برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه به تمام ساحت های تربیت، مانند ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیباشناختی و هنری، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت علمی و فناوری و ساحت تربیت اقتصادی و حرفه ای؛ بر مبنای مولفه های تربیت زمینه ساز ظهور در قالب ارتباط فرد با خداوند، ارتباط با خودش، ارتباط با خلق و ارتباط با خلقت مورد توجه قرار گیرد.

در بیش تر تحقیقاتی که با استفاده از روش تحلیل محتوا، به موضوع تربیت و مهدویت پرداخته اند، سعی شده است میزان انطباق محتوای کتاب های درسی پایه های مختلف تحصیلی با مولفه های تربیت مهدوی را مشخص کنند؛ درحالی که تحقیق حاضر، با رویکرد بنیادی تر، با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی میزان انطباق مباحث مطرح در قسمت ساحت های تربیتی دو بخش فلسفه تربیت رسمی عمومی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، با مولفه های تربیت زمینه ساز ظهور که بر هدف گذاری فرایند تربیت در جامعه و نظام آموزشی کشور دارای بیش ترین تأثیر می باشد، پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که رویکرد حاکم بر تدوین ساحت های تربیتی در هر دو بخش مورد نظر، بر جهت گیری الهی و تربیت زمینه ساز ظهور مبتنی است؛ اما با توجه به این که فرایند تربیت در قسمت فلسفه تربیت، عموم افراد جامعه با زمینه های مختلف فرهنگی و اعتقادی را شامل می شود؛ انتظار آن است که مباحث مربوط به ساحت های تربیتی در این



بخش از سند به صورت جامع‌تری مورد توجه قرار گیرند. هر چند در قسمت فلسفه تربیت رسمی عمومی نیز جهت‌گیری مبتنی بر مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور وجود دارد؛ می‌بایست به این مهم توجه شود که با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش و پرورش و گرایش مخاطبان آن به درس تربیت بدنی و حضور در برنامه‌ها و مسابقات فرهنگی هنری؛ لازم است به ساحت‌های زیستی و بدنی و ساحت زیباشناختی و هنری توجه بیش‌تری صورت گیرد و در جهت انطباق مباحث مربوط به دو ساحت مذکور با مولفه‌های تربیت زمینه‌ساز ظهور، اقدامات موثرتری انجام شود. همچنین با توجه به مسائل و موضوعاتی که در خصوص تغییر اقلیم و حفظ محیط زیست در کشور با آن مواجهه هستیم، شایسته است در خصوص مولفه ارتباط با خلقت در دو بخش فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی عمومی توجه بیش‌تری صورت گیرد.

منابع

قرآن کریم.

۱. آیتی، نصرت الله (پاییز ۱۳۹۰). «زمینه سازی؛ چیستی و چرایی؟»، قم، فصل نامه مشرق موعود، مؤسسه آینده روشن، شماره ۱۹.
۲. اعرافی، علیرضا؛ بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی و ابوجعفری، مهدی (۱۳۹۵). *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران، سمت.
۳. اعضای کارگروه تلفیق نتایج مطالعات نظری با پشتیبانی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیاد بین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، بی نا.
۴. امام خمینی، روح الله (بی تا). *کشف الاسرار*، بی جا، بی نا.
۵. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
۶. باقری، خسرو (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات مدرسه.
۷. بختیار نصرآبادی، حسنعلی و نوروزی، رضا علی (۱۳۸۲). *راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم*، قم، سماء قلم.
۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. جعفری هرنندی، رضا (زمستان ۱۳۹۱). «*تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۴.
۱۰. جعفری هرنندی، رضا و نجفی، حسن (زمستان ۱۳۹۲). «*بررسی میزان توجه به مؤلفه های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۸.
۱۱. حسین زاده، اکرم؛ تقی زاده، احسان و همایی، رضا (زمستان ۱۳۸۸). «*بررسی باور به مهدویت در میان جوانان پانزده تا ۲۹ ساله تهرانی*»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۱۲.
۱۲. شارع پور، محمود (۱۳۹۶). *جامعه شناسی آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۷). *آیین زندگی؛ اخلاق کاربردی*، قم، نشر معارف.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم: منصور پهلوان، قم، دارالحدیث.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*، قم، انتشارات بعثت.



۱۶. قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید (۱۳۹۵ق). *السنن*، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر.
۱۷. کریمی عقدا، هادی و قادری مقدم، محمد ابراهیم (۱۳۹۶). *تحلیل محتوای کتاب درسی (نظری - عملی)*، یزد، انتشارات اشراق کویر.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*، تهران، انتشارات اسلامیه.
۲۰. مرزوقی، رحمت الله (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). «*سیمای مهدویت در برنامه های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار*»، دوفصل نامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، شماره ۷.
۲۱. مساعد، علی و منطقی، محسن (بهار ۱۳۹۱). «*ارتباطات درون فردی از منظر اسلام*»، فصل نامه اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۴، قم.
۲۲. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵ق). *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶). *الغیبه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات مکتبه الصدوق.
۲۴. هاشمی شهیدی، سید اسدالله (۱۳۸۴). *ظهور مهدی از دیدگاه مذاهب و ملل جهان*، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

بررسی و تحلیل تاریخ‌گذاری روایات مهدوی از سوی محققان غربی (با تمرکز بر

روایات حاکی از نام و نسب امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف)

زهیر دهقانی آرانی^۱

چکیده

در صد سال اخیر، تلاش مستشرقان در تعیین زمان ساخت و انتشار روایات اسلامی، عرصه‌های موضوعی مختلفی را در بر گرفته است. در این میان، تعدادی از محققان غربی با تمرکز بر احادیث مهدوی، از الگوهای چندگانه‌ای برای تاریخ‌گذاری آن‌ها بهره برده‌اند. بررسی تحلیلی و انتقادی مهم‌ترین کارهای مستشرقان در زمینه تاریخ‌گذاری احادیث مربوط به نام و نسب امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف؛ موضوع نوشتار جاری است. در این زمینه به طور خاص سه کار پژوهشی شاخص از مادلونگ، گورکه و ایلاد وصف تحلیل گردیده و وجوه مثبت و منفی آن‌ها مشخص شده‌اند. بنابر یافته پژوهش جاری، به‌رغم سودمندی استفاده از روش‌های مرسوم تاریخ‌گذاری روایات، نتایج این روش‌ها به دلایلی همچون وجود پیش‌فرض برساخته بودن و عدم اصالت احادیث، استقصای ناتمام روایات و نیز لحاظ نکردن یا توجه‌گزینی به ویژگی‌های راویان، مورد تردید و اشکال است.

واژگان کلیدی: تاریخ‌گذاری احادیث مهدوی، مستشرقان، نام و نسب امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف،

مادلونگ، گورکه، ایلاد.

مقدمه

از دیرزمان، عالمان مسلمان، از روایات استفاده‌های مختلف و متمادی داشته‌اند و برای اطمینان از صحت روایات، روش‌های گوناگون بررسی حجیت و وثاقت حدیث در میان مسلمانان مورد اهتمام بوده است. محققان غربی با اقبالی که در دو سده اخیر به احادیث داشته‌اند، غالباً نگاهی تردیدآمیز به محتوای روایات داشته‌اند و هدف عمده ایشان، سنجش اعتبار تاریخی وقایع گزارش شده و شناخت تاریخ صدر اسلام با بررسی روایات بوده است (آقایی، ۱۳۹۴: ص ۱۱-۱۳). برای این کار و تقریباً همزمان با ترجمه و انتشار احادیث نبوی در غرب، توسط تعدادی از اسلام‌شناسان سرشناس غربی همچون گلدزیهر، شاخت و بعدها یُنبل روش‌های «تاریخ‌گذاری» احادیث، یعنی تعیین تاریخ پیدایش و رواج روایات، پیشنهاد شد. این روش‌ها که با پیش‌فرض ساختگی بودن اغلب، یا همه روایات منسوب به پیامبر ﷺ و جعل آن‌ها توسط افراد و جریان‌های سیاسی و مذهبی حداقل یک قرن پس از زمان پیامبر پیشنهاد می‌شد؛ معمولاً توسط آن مستشرق یا پیروان فکری او در دسته‌ای از روایات اجرا و نتایج آن ارائه می‌گردید تا کارآمدی و صحت آن روش در منظر دیگران قرار گیرد.

یکی از عرصه‌های توجه و آزمون روش‌های تاریخ‌گذاری روایات، احادیث مربوط به مهدویت و نگاه آخرالزمانی اسلام بوده است که به دلیل ویژگی‌هایی که در ادامه به آن اشاره می‌شود؛ برای ارزیابی، روش‌ها بسیار مناسب قلمداد می‌شده‌اند. با توجه به گستردگی احادیث مهدوی و آخرالزمانی در اسلام، نمونه‌های مختلف بررسی این‌گونه روایات، چه احادیث مربوط به ویژگی‌های منجی اسلام و حواشی آن (علائم ظهور، جنگ‌های آن زمان، ضدمنجیان و ...) و چه روایاتی که ظاهراً در ارتباط مستقیم با منجی اسلامی نیستند (ولی رنگ و بوی اخبار غیبی و آخرالزمانی دارند) مورد نظر غربیان در موضوع بوده است. در نوشتار جاری به نمونه‌هایی از تاریخ‌گذاری روایات توسط محققان غربی می‌پردازیم که احادیث مربوط به نسب و ویژگی‌های شخصیتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در محک آزمایش قرار داده‌اند و بنابر نتایج ادعاهایی ارائه کرده‌اند.



پیشینه

کتاب تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور (صادقی، ۱۳۸۵)؛ از جمله نوشته‌های مهم در عرصه بررسی روایات مربوط به نشانه‌های ظهور است (با تمرکز بر روایات رایات سود، سفیانی، قتل نفس زکیه، طلوع خورشید از مغرب و قیام خراسانی). نویسنده با تلاشی قابل سپاس درصدد سنجش ارتباط این‌گونه روایات با رخداد‌های تاریخی دو سده آغازین اسلامی بر آمده است. این کتاب اگرچه در بررسی و تطبیق تاریخی برخی نشانه‌های معروف ظهور، روشی مشابه غربیان دارد؛ در مدل بررسی روایی، بیش‌تر بر روش سنتی (بررسی رجال حدیث) تکیه کرده؛ علاوه بر آن که به روایات مربوط به نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ورودی نداشته است. آقای نصرت‌الله آیتی نیز در کتاب تحلیل و بررسی روایات رایات سود (آیتی، ۱۳۹۹)، به بررسی دسته خاصی از این‌گونه روایات (احادیث مربوط به ظهور پرچم‌های سیاه از مشرق) پرداخته؛ اگرچه صبغه این کتاب بیش‌تر بررسی دقیق روایی (با الگوی سنتی) است و کم‌تر جنبه‌های تحلیل تاریخی را در بر دارد. به طور خاص، تنها اثری که موضوعش با نوشتار جاری تا حدودی تطابق و قرابت دارد؛ مقاله «تاریخ‌گذاری و مبادی اخبار موضوعه متمهدیان در مصادر عامه»، اثر احمد مرادخانی و دیگران است. این مقاله بنابر هدف‌گذاری نویسندگان، درصدد بوده است که اخبار پانزده‌گانه با رویکرد تشخیص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مراجع کهن عامه استخراج کند و علاوه بر بررسی و نقد سندی، با استفاده از روش تاریخ‌گذاری براساس گزاره‌های معتبر^۱، همسانی این روایات را با ظهور برخی متمهدیان در تاریخ صدر اسلام و نیز جریان‌ات سیاسی حامی ایشان اثبات کند. به‌رغم هدف مهم مقاله، محتوای نوشتار ضعیف و ساختار آن نیز معیوب است؛ چراکه مثلاً در بررسی روایات مربوط به شباهت نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدر ایشان با پیامبر ص تنها به تعداد معدودی روایات در منابع عامه اشاره شده است؛ علاوه بر آن که در بررسی سندی، همان روش سنتی سنجش رجال حدیث، آن هم به صورت ناکامل پیگیری شده و تحلیل جامعی نیز از گزاره‌های تاریخی صورت نگرفته است.

۱. مشخص نیست منظور نویسندگان از «گزاره‌های معتبر» دقیقاً چیست.

مستشرقان و تاریخ‌گذاری احادیث آخرالزمانی و منجی‌گرایانه

به طور کلی از منظر محققان غربی فعال در زمینه تاریخ‌گذاری احادیث؛ روایات پیشگویانه و آخرالزمانی که به نوعی از وقوع رخدادی در آینده خبر می‌دهند؛ گزینه‌های بسیار مناسبی هستند که می‌توانند به عنوان نمونه مطالعاتی مناسب برای سنجش روش‌های تاریخ‌گذاری به کار گرفته شوند؛ زیرا با فرض این‌که چنین روایاتی در زمانی مشخص ساخته و سپس به مرجعی در گذشته بازگردانده شده‌اند، جعل‌کننده، برخی از واقعیت‌های تاریخی را (البته در قالب پیشگویی‌ها) مطرح می‌کند تا به روایات اعتبار بیش‌تری بدهد. از آن‌جا که فرد جاعل عمدتاً به پیش‌بینی صحیح وقایع آینده قادر نخواهد بود؛ این روایات، تنها در بخش اولش با وقایع تاریخی مطابقت دارند. لذا می‌توان قدمت این روایات را تقریباً به زمان آخرین واقعه‌ای بازگرداند که با مطلب مورد اشاره در روایت منطبق است (Görke, 2003: p.180). با این حال، گورکه معترف است این روش در مورد متون آخرالزمانی اسلامی همیشه کارآیی ندارد؛ زیرا بیش‌تر روایاتی که امروزه در دست ما هستند، کوتاه و احادیث آخرالزمانی طولانی کم‌تر رایج‌اند. لذا گزاره‌های تاریخی کم‌تری از آن‌ها می‌توان استخراج کرد (Ibid, p.181).

چنان‌که می‌دانیم، روایات آخرالزمانی و منجی‌گرایانه، دارای رابطه «اعم و اخص من وجه» هستند؛ یعنی باوجود مشترک بودن در بسیاری موارد، هریک نمونه‌های مجزایی دارد. (مثلاً موضوع حدیثی، رخدادهای آخرالزمان است؛ ولی از منجی سخن نمی‌گوید، یا بالعکس) در عین حال، معمولاً این‌گونه روایات، در یک قالب مورد بررسی قرار می‌گیرند و از دیرباز روایات این‌چنینی در کتاب‌های ملاحم و فتن یا باب‌های مربوط به اشراف الساعه در کنار هم ذکر می‌شده‌اند. معمول محققان غربی نیز در بررسی این‌گونه احادیث، جداکردن خاصی صورت نداده‌اند.

نمونه توجه محققان غربی به این دسته از روایات، مقاله «آخرالزمان و حق حاکمیت در روایات اسلامی: ظهور دوازده رهبر»، نوشته اوری (یوری) روبین، اسلام‌پژوه اسرائیلی است (Rubin, 1995: pp.11-42). این مقاله را نمی‌توان به طور کامل نوشته‌ای دانست که براساس الگوهای مرسوم تاریخ‌گذاری روایات نگاشته شده است و بنا دارد با سنجش گروهی از روایات آن‌ها را قدمت‌سنجی کند؛ ولی به هر ترتیب، نویسنده هدف از نگارش مقاله‌اش را «کشف نسخه‌های

اولیه روایت رهبران دوازده‌گانه در اسلام و بررسی تغییرات آن‌ها در طول سال‌های بعد» معرفی می‌کند. روبین با بیان گونه‌های مختلف ارجاع به دوازده رهبر (حاکم، خلیفه، شاه و...) در میان روایات اسلامی، به بررسی نه چندان دقیق سند و محتوای آن‌ها می‌پردازد و گاهی آن روایات را با وقایع تاریخی نیز می‌سنجد. بررسی تغییرات متنی روایات نیز تاحدودی در دستور کار روبین بوده؛ مثلاً او معتقد است که محتملاً عبارت «کَلِّهْم من قریش» بعدها به واسطه افرادی از یک قبیله طرفدار امام علی علیه السلام به این دسته روایات وارد و بر آن تاکید شده است. در مجموع، روبین بر این باور است که اگرچه نسخه‌های اولیه این روایت به دوران بنی‌امیه (و سده اول هجری) می‌رسد؛ با ظهور بنی‌عباس (و گذر از سده اول و کثرت تعداد خلفا) نسخه‌های اصلی روایت اصلاح شدند تا با اوضاع جدید مطابقت داشته باشند. یکی از تغییرات مهم آن بود که اگرچه عدد دوازده به دلیل اهمیت نمادینش حفظ شد؛ به چارچوب عددی پیمایشی و متغیر تبدیل گردید که می‌تواند به هر لیست قابل تغییر از اشخاص منطبق؛ و بنابر تعصب سیاسی و مذهبی نویسندگانش معنا شود.

مقاله «مهدویت و گنجینه‌های طالقان»، نوشتار دیگری است که در آن، شان آنتونی به تعیین تاریخ یک روایت آخرالزمانی شیعی پرداخته است (Anthony, 2012 : pp.459-483). این روایت که ابتدا در کتاب هدایة الکبری، اثر حسین بن حمدان خصیبی و بعدها در کتاب‌های دیگر، همچون بحار الانوار و مختصر بصائر الدرجات آمده، حدیثی مفصل و نسبتاً معروف منتسب به مفضل بن عمر است^۱ که در آن، از قول امام صادق علیه السلام مطالبی در مورد ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر گردیده و در ضمن آن، به پیوستن گروهی از طالقان به لشکر ایشان (با عنوان گنجینه‌های طالقان) اشاره شده است. نویسنده ابتدا با بررسی سند روایت و اذعان به وجود افرادی با سابقه غلو و انحراف در آن_ با بیان حوادث تاریخی مربوط به قیام‌های علوی در دوره خلافت هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳ق) و شیوه‌ای که مردمان دیلم و طبرستان برای انعکاس رویدادهای این قیام‌ها برگزیدند_ طرح زمانی روایت را مصادف با قیام امام حسنی زیدی (یحیی

۱. بخشی که حاوی متن مورد استناد آنتونی در مقاله است، در این منابع قابل رؤیت می‌باشد (خصیبی، ۱۴۱۹: ص ۴۰۳-۴۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۱۵-۱۶ و حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۵۱-۴۵۴).

بن عبدالله بن حسن) در سال ۱۷۶ هجری، تخمین می‌زند. اگرچه آنتونی در مقاله‌اش تا حدودی به مصادر این روایت توجه داشته است؛ از الگوهای مرسوم تاریخ‌گذاری غربیان بهره نبرده و تنها بنابر مشابهت مطالب مذکور در روایت با ویژگی قیام امام زیدی (همچون محل طالقان، رفتار رهبر قیام و پیروان او و ...) _ البته بنا به ادعای نویسنده با پس‌زمینه اساطیری موجود در طبرستان و ایران قدیم عجین شده است _ این حدیث را ساخته آن دوران می‌داند. مقالات دیگری، همچون مقاله‌های مایکل کوک با عناوین «فرجام‌شناسی و تاریخ‌گذاری روایات» (Cook, 1992: pp.23-48) و «نمونه‌ای از تاریخچه آخرالزمانی اولیه اسلامی» (Cook, 1993: pp.25-29)؛ نیز در مورد تاریخ‌گذاری تعدادی روایات آخرالزمانی (عمدتاً در کتاب الفتن ابن حماد) است؛ ولی به دلیل عدم ارتباط محتوای مقالات با بحث مهدویت، بدان‌ها نمی‌پردازیم.

از آن‌جا که موضوع اصلی مقاله جاری، بررسی تاریخ‌گذاری روایات مربوط به شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نسب ایشان است؛ به طور خاص به چند فرد و کار شاخص می‌پردازیم که با ابزارها و روش‌های مختلف به قدمت سنجی مستقیم این باور پرداخته‌اند. همچنین هر مقاله در انتها، مختصراً بررسی و نقد می‌شود.

مادلونگ و سیر تاریخی تحول باور مهدویت در تاریخ آغازین اسلام

مادلونگ در مدخل «المهدی» در دایرةالمعارف اسلام (Madelung, 1985:pp.1230-)؛ نگاهی تاریخی و نسبتاً مفصل و جزئی به کاربرد واژه مهدی در طول تاریخ آغازین اسلام دارد و در میان گزینه‌هایی که این عنوان یا عناوین موازی (همچون قحطانی) بدیشان اطلاق می‌شده (افرادی همچون عمر بن عبدالعزیز و ابن زبیر) روایاتی را که با این تطبیق‌ها همسو بوده‌اند، منعکس می‌کند؛ با این حال، الگو و معیار خاصی که نحوه‌گزینش روایت در آن بیان شده باشد و نیز بررسی کامل سندی یا محتوایی، در کار مادلونگ واضح و مشخص نیست. البته

۱. این مقاله با عنوان «تاریخ‌گذاری روایات آخرالزمان»، توسط آقایان فرهنگ مهروش و مرتضی کریمی‌نیا ترجمه و در کتاب «حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطور» چاپ شده است (کوک، ۱۳۹۰: ص ۳۵۵-۳۹۱).

این شیعه‌شناس برجسته در برخی موارد قاطعانه اظهار نظر می‌کند؛ مثلاً مدعی است «احادیثی که مهدی را همانم پیامبر یکی می‌دانند، بدون شک در زمان قیام مختار و در حمایت از محمد بن حنفیه ساخته شده‌اند» (Ibid, p.1232). همچنین عاصم بن بهدله را که مطابق دیدگاه برخی افراد، همچون گورکه مسئول انتشار این‌گونه روایات در طرفداری از خاندان علوی است؛ از استادش، «زُرّ بن حُبیش» متأثر می‌داند که وی به طرفداری از امام علی علیه السلام معروف بوده است. وی به نقش افرادی همچون فطر بن خلیفه کوفی (م ۱۵۳ق) و یا ابوالطفیل عامر بن وائله (م ۱۰۰ق)، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که به حمایت از امام علی علیه السلام شهره بود؛ در نشر این احادیث اذعان دارد.

مادلونگ به اوج‌گیری منجی‌خواهی در ابتدای دوره بنی‌عباس نیز می‌پردازد و معتقد است که در ادعاهای بنی‌عباس در این زمینه با قیام محمد بن عبدالله، نفس‌زکیه و مهدی نامیدن او از سوی هوادارانش، چالشی ایجاد شد. با سرکوب آن قیام، منصور عباسی برای بازگشت این دیدگاه به خاندان عباسی اقداماتی صورت داد که مهم‌ترین آن‌ها، اطلاق لقب مهدی به فرزندش بود. مهدی عباسی نیز با شروع حکومتش فعالیت‌هایی همچون توزیع هدایای چشمگیر صورت داد تا انتظارات مهدی‌گرایانه مردم را به سمت خود سوق دهد. بنا به ادعای مادلونگ، این اقدامات در احادیث مربوط به مهدی که در این زمان ساخته و پخش شدند؛ منعکس شده است؛ احادیثی همچون اشاره به ظهور پرچم‌های سیاه از خراسان (که مادلونگ آن‌ها را ساخته ابن ابی‌زیاد می‌داند) یا احادیثی که در آن‌ها نام سفاح، منصور و مهدی آمده یا روایاتی حاکی از این که مهدی از نوادگان عباس است (که به محمد بن ولید نسبت داده شده است).

در عین حال، مادلونگ معتقد است به سرعت جریان برگشت و مشرب رایج محدثان علیه ادعاهای بنی‌عباس و به نفع امیدهای علوی تغییر یافت. وی روایات مشرب به این نکته را که مهدی از نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دختر ایشان حضرت فاطمه علیها السلام است؛ پخش شده در این دوران می‌داند که در میان راویان آن‌ها، غالباً فردی شیعی یا طرفدار جنبش نفس‌زکیه بوده است؛ اگرچه معمولاً گروه اخیر عبارت «و پدر او همانم پدر من است» را به این احادیث می‌افزودند. مادلونگ احادیثی نیز ذکر می‌کند که در مصر (از سوی عبدالله بن لهیعه) یا در سوریه (از سوی ابوبکر بن ابی‌مریم) منتشر شده و حتی برخی از آن‌ها در این مناطق، از طریق



جابر به امام باقر علیه السلام منتسب شده که به باور مادلونگ قطعاً این استنادها ساختگی هستند. وی به نقل برخی روایات که منکر مهدویت هستند نیز اشاره می‌کند؛ ولی با توجه به کثرت روایات و وجود آن‌ها در جوامع اصلی حدیثی اهل سنت معتقد است؛ این روایات «به اندازه‌ای فراوان هستند که برای ارائه مبنایی محکم برای اعتقاد عمومی به مهدی، کفایت می‌کنند» (Ibid, p.1234).

مادلونگ در روند توسعه بعدی احادیث مهدوی که در جوامع ثانویه حدیثی اتفاق افتاده؛ معتقد است؛ علاوه بر این که این احادیث کثرت کمی پیدا کردند (و به نوعی متواتر شناخته شدند) برخی اعمال در آخرالزمان که مطابق احادیث مقدم‌تر، به عیسی مسیح نسبت داده می‌شد، در این دوره به «مهدی» منتسب گردید. در سال‌های بعد و همزمان با ظهور برخی مدعیان مهدویت، همچون ابن تومرت (م ۵۲۴ق)، روایاتی متناسب با این اشخاص نیز منتشر گردید (مثلاً ظهور مهدی از مغرب).

مادلونگ اعتقاد به مهدویت را از منظر شیعه، بسیار شدیدتر می‌داند و این باور را عنصری مرکزی در اعتقادات شیعه افراطی معرفی می‌کند که با عناصری همچون غیبت و رجعت باشکوه او در آینده پیوند دارد. در نسخه‌های شیعی، لفظ «قائم» از واژه «مهدی» بیش‌تر به کار رفته و مادلونگ بر این باور است که از این لغت، عموماً پیش از پایان دوران بنی‌امیه استفاده می‌شد و در میان احادیث شیعه فراگیر گردید. همچنین آموزه غیبت که در زمان کیسانیه به کار می‌رفت، در دوره پس از امام هفتم شیعیان و توسط واقفیه میان شیعیان رواج بیش‌تری یافت و در روایات مطرح شد، تا آن که پس از مرگ امام یازدهم، این‌گونه احادیث برای پشتیبانی از آموزه مهدویت در مورد امام دوازدهم مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. (وی حتی اصطلاح غیبت کوتاه‌تر و بلندتر را برگرفته از جریان‌ات دوران زندانی شدن امام کاظم علیه السلام می‌شمارد که بعدها در مورد غیبت امام دوازدهم، دو اصطلاح غیبت صغرا و غیبت کبرا استفاده شد) (Ibid, p.1236-1237).

علاوه بر مدخل پیش‌گفته که توسط مادلونگ و در کلیت بحث مهدویت نوشته شده و تقریباً در همه کارهای مستشرقان بعدی در این موضوع مورد توجه و استناد بوده است؛ چند کار دیگر در میان غربیان در موضوعات جزئی‌تر نگاشته شده است. از مهم‌ترین موارد مطرح شده در این روایات، بحث در مورد نام و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به طور مختصر مادلونگ بدان

اشاره کرده بود؛ ولی گورکه و ایلام به صورت ویژه و با روش‌های تاریخ‌گذاری روایات، این دسته احادیث را مورد بررسی قرار داده‌اند.

گورکه و آزمون تاریخ‌گذاری ترکیبی احادیث بر روایات نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم

گورکه محقق فعال در زمینه تاریخ‌گذاری احادیث قلمداد می‌شود. وی مقاله «فرجام‌شناسی، تاریخ و حلقه مشترک؛ مطالعه‌ای روش‌شناسانه» را در سال ۲۰۰۳ میلادی نگاشته است (Görke, 2003: pp.179-208). او در ابتدای این مقاله، با ذکر تفاوت دیدگاه محققان غربی در این‌که آیا استفاده از اسناد روایات به عنوان ابزاری برای تشخیص زمان و مکان پیدایش آن‌ها ممکن است، یا خیر؛ خودش را با کسانی همگام می‌شمارد که معتقدند می‌توان با بررسی دقیق سند و نسخه‌های مختلف متون روایات موردنظر، دستکاری و جعل‌ها در اسناد را تشخیص داد و به نوعی آن‌ها را تاریخ‌گذاری کرد.

گورکه در ادامه، ملاحظاتی را که به باور او در روند تاریخ‌گذاری روایات بسیار مهم هستند، گوشزد می‌کند. یکی از آن موارد، تغییر و تحول روایات با گذشت زمان است که علت‌های مختلفی دارد؛ مثلاً سامانه انتقال احادیث در صدر اسلام معمولاً با سنت شفاهی همراه بوده است و این نقل شفاهی به طور طبیعی به دلایل گوناگون عمدی (مثلاً نقل به معنا یا حذف قسمتی که راوی مهم نمی‌دانسته یا نمی‌خواسته است آن را نقل کند) و یا سهوی (مثلاً فراموشی) روایت را به تغییر دچار کرده است؛ به طوری که گاهی شناخت نسخه اولیه آن را بسیار دشوار می‌کند. مورد دیگر آن است که برای استفاده از روش تحلیل اسنادی، به تعداد فراوانی از انواع نسخه‌ها و نقل‌های یک روایت و نیز منابع متعدد نیاز داریم؛ چراکه این تنوع و تکرار، شناخت شبکه اسناد را ممکن می‌کند؛ علاوه بر آن که با مقایسه نسخه‌ها، انگیزه‌های سیاسی یا ملاحظات شخصی و منطقه‌ای را می‌توان تا حدودی کشف کرد.

سومین ملاحظه مهم گورکه آن است که استفاده از حلقه مشترک در تحلیل اسنادی - با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که در مورد نقل حلقه مشترک در این‌گونه روایات ملاحظه می‌شوند - در صورتی در مسیر تاریخ‌گذاری احادیث کارآمد است که میان اسناد و متن‌های مختلف مطابقت خوبی برقرار باشد. به بیان دیگر:



«به عنوان یک قاعده کلی ممکن است بگوییم هرچه تناظر و مطابقت متن و اسناد یکنواخت تر باشد، احتمال این که حلقه مشترک، گردآورنده یا سازنده حدیث باشد، بیش تر است. تنها در روایات دارای مطابقت اسنادی - متنی می توان از حلقه مشترک برای تاریخ گذاری و قدمت سنجی احادیث استفاده کرد. هرچه اسناد و متن دل خواهانه {و انحصاری} بین نسخه های مختلف توزیع شده باشد، بیش تر احتمال دارد که چندین نفر روایت مورد بحث را دستکاری کرده باشند و حلقه مشترک عملاً برای قدمت گذاری حدیث سودی ندارد» (Ibid, pp.195-196).

با توجه به ملاحظات پیش گفته، گورکه معتقد است اگر بخواهیم صحت یافته روش قدمت سنجی مبتنی بر اسناد را با روش تاریخ گذاری مبتنی بر متن بر روی روایات آزمایش کنیم؛ به حدیثی نیاز داریم که ۱. به طور گسترده پذیرفته شده باشد؛ ۲. در منابع مختلف آمده باشد؛ ۳. به اندازه کافی واضح و صریح باشد؛ به طوری که بتوان براساس محتوایش زمان دهی شود؛ ۴. الگویی خاص در اسناد نقل های روایت بتوان دید؛ به طوری که بتوان قدمت آن را با روش های مرسوم تاریخ گذاری سندی، سنجید (Ibid, pp.195-196).

در بخش دوم، گورکه، به عنوان نمونه، روایاتی حاکی از مشابهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نام و نام پدر (که مورد اخیر در برخی روایات نیامده است) بر می گزیند؛ چرا که از دیدگاه او، این روایت عناصر مذکور را داراست و لذا تاریخ گذاری آن را با روش های مختلف می توان سنجید. پیش فرض گورکه آن است که اگرچه این روایات به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منتسب هستند؛ «از آن جا که ایده مهدی تنها در دوره های بعدی توسعه یافته، ممکن است این احتمال را که خود [حضرت] محمد در مورد نام مهدی سخن گفته باشد، رد کنیم» (Ibid, p.200). لذا می بایست به دنبال اشخاصی در تاریخ صدر اسلام بگردیم که نام محمد یا محمد بن عبدالله داشته اند و احادیث، توسط ایشان یا طرفدارانشان ساخته و پخش شده باشند. وی دو نفر را که نام محمد بن عبدالله داشته اند و به لقب «المهدی» نیز ملقب شده اند، در تاریخ آغازین اسلام نام می برد: محمد بن عبدالله نفس زکیه (۹۳-۱۴۵ق) و محمد المهدی فرزند عبدالله منصور عباسی (۱۲۷-۱۶۹ق).

گورکه به چند دلیل، فرد اول (نفس زکیه) را هدف این روایات می داند: ۱. متقدم بودن نفس زکیه و قیام او علیه بنی عباس و توجه علویان به او؛ ۲. انتساب این لقب توسط پدر نفس زکیه به

او و اعتقاد افرادی همچون مغیره بن سعید (م ۱۱۹ق) بدین امر، سال‌ها پیش از تولد مهدی عباسی؛ ۳. انتساب مهدی به فرد دوم در سال ۱۴۵هجری که با زمان قیام نفس زکیه مصادف است و معقول بودن این انتساب به علت تقابل با ادعای نفس زکیه؛ ۴. اشاره برخی نسخه‌های روایت به این که مهدی از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است (نفس زکیه به خلاف مهدی عباسی واقعاً نواده مستقیم پیامبر بود) (Ibid, pp.200-201).

با توجه به نکات پیش گفته، گورکه مدعی می‌شود این روایت برای حمایت از ادعاهای محمد بن عبدالله بن حسن جعل و پخش شده است. لذا باید به زمانه زندگی او برگردد. از سوی دیگر، باید این ادعا پیش از سال ۱۱۹هجری، یعنی سال مرگ مغیره بن سعید صورت گرفته باشد. با توجه به محاسبه مذکور، گورکه زمان ساخته شدن روایت را به حدود سال ۱۱۰هجری بر می‌گرداند و محل پیدایش حدیث را یکی از شهرهای مدینه (محل قیام نفس زکیه)، بصره (محل قیام برادر او ابراهیم در همان زمان) یا کوفه (شهری با تعصب شدید شیعی و محل استقرار مغیره) می‌داند.

پس از محاسبه پیش گفته توسط گورکه، که بر اساس محتوای روایت و وقایع تاریخی بیرونی صورت گرفته است، او درصدد بر می‌آید این دسته احادیث را با روش مبتنی بر اسناد قدمت‌سنجی کند تا بین دو روش مقایسه‌ای صورت گیرد. وی تعداد روایات حاکی از مشابهت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نام و نام پدر (اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی) را سی مورد و در بیست منبع مختلف می‌داند که اگر روایات حاکی از همانمی صرف (اسمه اسمی) را که پنجاه مورد هستند، اضافه کنیم؛ با حدود هشتاد روایت مواجه می‌شویم که حداقل در ۲۸ منبع آمداند (Ibid, pp.201-202).

گورکه با تحلیل اسناد مختلف این احادیث، شبکه اسنادی زیر را ترسیم می‌کند:



حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاندان پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم صورت گرفته است؛ مقاله «کشمکش بر سر مشروعیت قدرت؛ بنابر آن چه در حدیث «المهدی» همچنین منعکس شده است»؛ می باشد که آمیکام ایلاد، محقق و اسلام‌پژوه اسرائیلی در سال ۲۰۱۰ میلادی آن را منتشر کرده است (Elad, 2010:pp.39-96). این مقاله به صورت ویژه‌تر و گسترده‌تر و با بررسی روایات بیش‌تر به این موضوع پرداخته است.

ایلاد مقاله‌اش را با ذکر این نکته آغاز کرده است که یافته‌های باستان‌شناسی اخیر، کتیبه‌هایی را متعلق به ابتدای سده دوم هجری کشف کرده‌اند که در آن‌ها سفاح، اولین خلیفه عباسی، به عنوان مسیحایی «المهدی» معرفی شده است. وی سپس به دیدگاه‌های تعدادی از محققان غربی در مورد کاربرد لفظ «مهدی» برای افراد مختلف در صدر اسلام و مفهوم آن پرداخته و طی آن، مدعی شده است که در میان شیعیان آغازین، به‌ویژه در کوفه توسعه‌ای در مفهوم مهدی صورت گرفته و این عنوان به «اهل البیت» اختصاص یافته است. در همین زمان، اولین فردی که این لقب بدو تعلق گرفت، محمد حنفیه بود و احتمالاً زید نیز چندی بعد توسط پیروانش مهدی نامیده شد. در ادامه، بنی‌عباس که در باور برخی بستری شیعی داشتند، نیز از این عنوان مسیحایی بهره بردند که نمونه آن در کتیبه مورد استناد ایلاد اشاره شد.

وی پس از آن، به سراغ احادیث می‌رود و با اذعان به این‌که روایات ساخته شده و منسوب به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در قرون اول و دوم هجری، دستمایه‌ای برای مشروعیت بخشی به جریان‌های سیاسی و مذهبی بوده‌اند، هدف نوشتارش را پیگیری استفاده از احادیث «مهدی» توسط بسیاری از گروه‌های سیاسی-مذهبی اوایل دوره عباسی بیان می‌کند. وی با اشاره دوباره به این مطلب که اولین مهدی از فرزندان علی عليه السلام، محمد بن حنفیه بوده، بسیار محتمل می‌داند که روایات «اسمه اسمی» یا «یواطیء اسمه اسمی» در زمانه مختار در جریان بوده باشد (وی حتی افزودن عبارت «کنیته کنیتی» توسط طرفداران محمد حنفیه را معقول می‌داند). پس از آن، ایلاد به کشمکش‌های علویان و بنی‌هاشم بر سر مشروعیت؛ از جمله میان حسینیان و حسینیان، یا ایشان و بنی‌عباس اشاره می‌کند و دلیل آن‌را علاوه بر مباحث سیاسی و مذهبی، اقتصادی، کنترل دارایی‌های اهل بیت و امام علی عليه السلام می‌داند.

در ادامه، ایلاد ادعا می‌کند حسینیان و حسینیان علیه دیگر شاخه‌های بنی‌هاشم متحد شدند



و این اتحاد، موجب گردش حدیث مشهور «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» گردید. در این جا محقق اسرائیلی دو دیدگاه را بیان می‌کند که بنابر دیدگاه اول، این حدیث فقط بعد از شروع خلافت عباسیان و در زمانه قیام محمد نفس زکیه که حسنی بود، در محافل شیعه توسعه یافت. در مقابل آن دیدگاه، دیگر محققان، از جمله مادلونگ و ناگل، بر این عقیده‌اند که این ایده قبلاً در دوره اموی در کوفه منتشر شده و حتی توسط ضمره بن حبیب حمصی در سوریه به گردش در آمده است.

ایلام در عین این که با مادلونگ در مورد انتشار این حدیث قبل از آغاز دوره بنی عباس هم‌رأی است؛ از کم‌دقتی او و این که روایت، نقل‌ها و نسخه‌های دیگری هم دارد که مادلونگ بدان‌ها توجه نکرده است، انتقاد می‌کند و متداول‌ترین نقل این روایت را سندی می‌داند که به باور او، ابوالملیح، حلقه مشترک آشکار آن است و به دلیل عمر طولانی (۸۷-۱۸۱ق) و حضور او در دوره‌ای گسترده، عملاً زمان‌گذاری صریح حدیث ناممکن است. با این حال، وی دو نقل را نیز مطرح می‌کند که ممکن است به منشأ بصری روایت مشعر باشند و طی آن‌ها قتاده حلقه مشترک است و وجود روایت قبل از بنی عباس را تأیید می‌کند. وی همچنین با ذکر جریانی از زمانه شهادت زید بن علی که ده سال پیش از حکومت عباسی بوده است، انتساب مهدی عجله را به فاطمه عجله در آن زمان، محتمل می‌داند.

ایلام در ادامه به دو نامزد اصلی مهدویت در آن دوره، یعنی محمد بن عبدالله نفس زکیه و مهدی عباسی می‌پردازد و احتمال فراوان می‌دهد انتساب اولی به عنوان «مهدی» حداقل در زمان حکومت سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق) صورت گرفته باشد؛ در حالی که در مورد فرد دوم می‌دانیم این لقب، حداقل در سال‌های ۱۴۳-۱۴۵ هجری، به واسطه ضرب سکه، به مهدی عباسی داده شده؛ علاوه بر آن که به زعم ایلام، حکومت عباسی برای توجیه خود در روایت‌های پرچم‌های سیاه نیز این عبارات را گنجانده است.

احادیث بسیاری را آمیکام ایلام در مقاله خود مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و با نشانه‌های مختلف تاریخی بر آن است که ثابت کند آن‌ها هریک توسط جریانی ساخته و منتشر شده است؛ مثلاً حدیثی که نام مادر مهدی را متشکل از سه حرف می‌داند که اولینش «هاء» و آخرینش «دال» است و اشاره‌ای است به هند مادر نفس زکیه؛ یا احادیثی که حاوی عبارت «المهدی من

ولد العباس عمی» هستند یا حاوی اسامی خلفای عباسی: سفاح، منصور و ... و مشخصاً توسط جریان عباسی ساخته و پرداخته شده‌اند. ایلام برخی از این احادیث را از لحاظ سند نیز بررسی می‌کند و با ذکر یکی دو تن از روایان؛ روایانی همچون محمد بن ولید قرشی یا اعمش؛ آن‌ها را عامل این جعل و نشر معرفی می‌کند.

تحلیل و نقد

هدف اصلی این نوشتار، بررسی نقادانه تمامی گزاره‌هایی نیست که در مقالات مورد اشاره مستشرقان، به آن‌ها پرداخته شده است؛ چراکه اولاً، بسیاری از این ادعاها پیش‌تر به صورت‌های مختلف پاسخ داده شده است^۱ و ثانیاً، برخی از آن‌ها مجال وسیعی برای پاسخگویی و طرح جامع بحث می‌طلبند که از حوصله و هدف این نوشتار خارج است. با این حال، مناسب است به طور خاص ابهامات، ایرادها و مشکلات عمده‌ای که در سه کار اخیر مورد اشاره (مقالات مادلونگ، گورکه و ایلام) وجود دارند، به صورت مختصر مورد توجه قرار گیرند.

ایرادهای عمومی

مهم‌ترین ایرادی که در هر سه کار اخیر می‌توان ردیابی کرد، لحاظ کردن پیش‌فرض‌ها و بنای گزاره‌های تحلیلی بر آن‌هاست. اگرچه وجود فرضیه و تلاش برای تأیید یا رد آن، شکل‌دهنده پژوهش‌هاست؛ این امر، بدان معنا نیست که گزاره‌هایی از همان ابتدا مسلم فرض شوند؛ در حالی که در جایی اثبات نشده‌اند. این مسئله به‌ویژه وقتی گزاره و فرضیات مخالفی هم وجود داشته باشد، بسیار اهمیت دارد. پیش‌فرض مهمی که نزد غالب محققان غربی فعال در موضوع احادیث اسلامی – به‌ویژه افرادی که در بخش اخیر، دیدگاه‌هایشان در مورد روایات مهدوی مورد بررسی قرار گرفت – آن است که روایات منسوب به پیامبر اسلام ﷺ به طور حتم از ایشان صادر نشده و بر ساخته افراد در نسل‌های بعدی است. چنین نظریات پیشینی گاه صراحتاً در مطالب مستشرقان ذکر می‌شود؛ مثلاً مادلونگ آشکارا روایات حاکی از همنامی امام مهدی عجل الله فرجه با

۱. به عنوان مثال، آقای حمید سعادت در کتاب خود (سعادت، ۱۳۹۳)، ضمن بررسی مهدویت در دایرةالمعارف‌های غربی، به اشکالات مدخل «مهدی» نوشته شده توسط مادلونگ پرداخته است.



پیامبر ﷺ را ساخته دوران مختار می‌شمارد (Madelung, 1985: p.1232). یا گورکه در قسمت‌هایی از مقاله‌اش به تصریح می‌گوید: «از آن‌جا که این حدیث به طور آشکار روایتی جعلی است...» (Görke, 2003: p.203).

این، در حالی است که ادعای مذکور، به طور قطعی در جایی اثبات نشده و حدسی است. علاوه بر این، دارای معارض است؛ یعنی علاوه بر باور تاریخی همه مورخان و محدثان مسلمان، تعداد قابل توجهی از محققان غربی به طور کلی این گزاره را قطعی تلقی نمی‌کنند.^۱ با نگاهی به جایگاه قیام مختار و جریان کیسانیه که گروه اقلیتی در کوفه را به طرفداری از خود جلب کرد، پذیرش این نکته چندان موجه نمی‌نماید که این گروه بتواند حدیثی بدان اهمیت را ساخته و در جریان تعارضات سنگین آن زمان (تقابل‌های میان مختار، بنی‌امیه و آل‌زبیر) این حدیث را تبلیغ کرده و در میان مسلمانان رواج دهد و بدان واسطه برای خود مشروعیتی کسب کند. جالب توجه آن‌که با وجود حیات برخی از صحابه پیامبر ﷺ و حضور ایشان در مدینه، کوفه و در میان گروه‌های معارض با جریان مختار، هیچ گزارش تاریخی از آن زمانه در دست نیست که فردی این روایت را انکار کند و آن را ساخته و پرداخته طرفداران مختار یا شیعیان بشمارد.

ایراد مذکور، به صورت مشخص در کار مادلونگ، گورکه و ایلاذ دیده می‌شود. با این حال، نقد

۱. هارولد موتسکی در انتهای مقدمه کتابش در مورد خاستگاه احادیث اسلامی، به تعدادی از تحقیقات پژوهشگران غربی اشاره می‌کند که با روش‌های ترکیبی، قدمت برخی روایات و کتاب‌های حدیثی اسلامی را به سده اول هجری (دوره حضور صحابه و تابعین) بازگردانده‌اند (Motzki, 2016: pp.li-iii). سید علی‌آقایی نیز در مقاله «حدیث به مثابه داده تاریخی»، علاوه بر ذکر تحقیقات تعدادی از محققان غربی که بر قدمت احادیث اسلامی صحه گذاشته است (آقایی، ۱۳۹۱: ص ۲۹)؛ به طور خاص به چند محقق سرشناس اسلامی اشاره می‌کند که در زمینه ادعاها و تردیدهای مستشرقانی همچون گلدزیهر، شاخت و نیبل در زمینه احادیث اسلامی، مقالات و کارهای شاخصی صورت داده‌اند؛ از جمله نبیه عبود و فؤاد سرگین. برای اطلاعات بیشتر (ر.ک: همان، ص ۲۱). کتاب محمد مصطفی اعظمی، به نام «دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوین» در این زمینه بسیار مورد توجه است (اعظمی، ۱۴۰۵).

۲. این حضور در گزارش‌های مختلف تاریخی آمده است؛ مثلاً حضور ابن عباس و عبدالله بن عمر در مدینه و ارتباطشان با مختار (ابن حزم، ۱۴۲۵: ج ۹، ص ۱۵۳)؛ ضمانت مختار توسط برخی صحابه (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۳۸۱-۳۸۲)؛ مدح او توسط برخی صحابه پس از کشته شدنش (همان، ص ۴۵۵) و حضور صحابه‌ای همچون ابوالطفیل در میان یاران مختار (ابن قتیبۀ الدینوری، ۱۹۹۲: ج ۱، ص ۳۴۱)؛ همه حاکی از حضور تعداد قابل توجهی از صحابه در آن دوران است.

مذکور بر گورکه که بیش تر بر تعارض جریان نفس زکیه با حاکمان آغازین عباسی تکیه کرده و آن زمانه را منشأ تاریخی پیدایش و نشر روایات مربوط به نسب امام مهدی عجل الله فرجه می داند؛ واردتر است. چرا این پیش فرض مهم را نادیده بگیریم که مثلاً جریان نفس زکیه از احادیث موجود بهره برده و خود را با آن جریان وفق داده است. همچنان که این ادعا در مورد مهدی عباسی در زبان نویسنده آمده است؛ به نظر می رسد این تصویر معقولانه تر است؛ چرا که ساخت روایت و پس از آن، تطبیق بر شخص خاص با وجود حضور برخی صحابه و تابعان در آن زمانه و نیز کشمکش ها بر سر مشروعیت سیاسی در زمانه افول بنی امیه و ظهور بنی عباس چندان عقلانی به نظر نمی رسد (با لحاظ این مطلب که از انکار این گونه روایات از جریانات رقیب و مخالف خبری چندان باقی نمانده و بحث ها بیش تر در مورد تطبیق مهدی بر اشخاص زمانه بوده است).

دومین ایراد عمومی که کم و بیش در هر سه کار اخیر قابل ردیابی است، یکسان شماری راویانی است که در سلسله سند احادیث دیده می شوند. تاریخ گواهی می دهد که از همان آغاز نقل حدیث در میان مسلمانان، دقت در ذکر سلسله راویان از یک سو و توجه به ویژگی های مثبت و منفی برخی ناقلان حدیث از سوی دیگر، دغدغه بسیاری از محدثان بوده است (جدیدی نژاد، ۱۳۸۱: ص ۳۹-۴۲) و این چنین نیست که هر حدیثی که در جامعه رواج داشته یا حتی خود فرد از استاد خود شنیده و به شاگردانش تعلیم می داده، پذیرفته می شده است. بهترین مؤید ادعای مذکور، نگارش کتاب های مختلف رجالی از همان سده های نخستین و نیز اقدام خاص برخی محدثان عالی رتبه در نگارش جوامع حدیثی و کتاب های صحاح بوده که این، گویای نوعی غربالگری روایات موجود و منقول می باشد (بهاء الدین، ۱۴۲۰: ص ۱۷۹-۱۸۱). متأسفانه اشکالی که در مسیر تاریخ گذاری احادیث توسط مستشرقان به طور کلی و در سه مقاله اخیر به صورت جزئی مشاهده می شود، همین تفاوت نگذاشتن میان راویان و برخورد یکسان با آن هاست که طبیعتاً منقولات آن ها را در یک سطح، اعتبار می سنجد. جالب توجه آن که در مواردی برخی از این محققان گزاره هایی را به عنوان یافته کار خود معرفی می کنند که سال ها قبل علمای حدیث مسلمان آن ها را ذکر کرده بودند. به عنوان مثال، گورکه از فطر و زائده به عنوان برخی از افراد تأثیرگذار بر روایات حاوی نسب امام مهدی عجل الله فرجه نام می برد؛ حال آن که از دیرزمان در میان علمای مسلمان، زائده به عنوان کسی که به روایات، عباراتی اضافه می کرده معرفی شده است



(طوسی، ۱۴۲۵: ص ۱۸۱)؛ یا بسیاری از علمای حدیث اهل سنت، به دلیل باورهای شیعی، روایات فطر را کنار می‌گذارند (ذهبی، ۱۴۰۵: ص ۳۱-۳۲).

سومین نکته که می‌توان به عنوان نقد بر کار محققان مذکور وارد دانست، کم‌توجهی ایشان به روایات شیعی است. اگرچه مادلونگ به دلیل تخصص در شیعه‌پژوهی، کم‌وبیش روایات شیعه را در موضوع، مورد توجه داشته است؛ گورکه و ایلاد در روند تاریخ‌گذاری احادیث مربوط به نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به روایات موجود در آثار شیعی توجه چندانی نداشته‌اند. این کم‌توجهی معمولاً به این صورت توجیه می‌شود که مجامع حدیثی شیعی، حداقل صد سال بعد از مجامع مهم حدیثی سنی شکل گرفته‌اند و از اعتبار کم‌تری برخوردارند. این، در حالی است که اولاً، این مجامع حدیثی به فاصله کمی از زمان حضور ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف شکل گرفته‌اند و ثانیاً، بسیاری از روایات این مجامع از رساله‌ها و اصولی که اصحاب و یاران امامان عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته‌اند (از جمله اصول اربعه‌آم)، احادیث را استنساخ و نقل کرده‌اند و لذا اتصال سندی آن‌ها قابل اثبات است.^۱ از جمله مواردی که در مورد نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آثار متقدم شیعی نقل شده است، می‌توان به روایاتی در کتب الإمامه و التبصره من الحیره، نوشته پدر شیخ صدوق (ابن بابویه القمی، ۱۳۶۳: ص ۱۱۹-۱۲۰)، کفایه الأثر (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۶۷) و الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۱ و ۹۳) نام برد که دارای سلسله سند شیعی و متفاوت است با نمونه‌هایی که توسط گورکه و ایلاد بررسی شده‌اند.

ایرادهای خاص

علاوه بر ایراد مهم پیش گفته، در نوشته هریک از سه مستشرق اخیر، مواردی دیده می‌شوند که قابل تأمل و نقد هستند. مهم‌ترین نقدی که بر مادلونگ وارد است، نتیجه‌گیری‌ها و اظهارنظرهای قطعی حاصل از کنار هم گذاشتن و تحلیل تعدادی گزاره تاریخی است؛ مثلاً چنان که گفتیم، او روایات حاکی از همنامی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به طور قطعی

۱. کلبگ در مقاله «الاصول الاربعه‌آم»، اگرچه ایرادها و ابهام‌هایی در مورد این اصول ابراز می‌کند؛ به صورت اجمال وجود آن‌ها را می‌پذیرد (Kohlberg, 1987: pp.128-166).

ساخته زمانه مختار می‌شمارد (نتیجه الف). این، در حالی است که چنان که می‌دانیم اولاً، تمامی رخداد‌های تاریخی توسط مورخان و ناقلان گزارش نشده‌اند؛ ثانیاً، مسلم است که در نقل گزارش‌های تاریخی، چنان که از استنتاج متعدد غربیان هویدا است، جهت‌گیری‌های قبیل‌ای، فرقه‌ای و سیاسی تأثیر داشته و چه بسا بسیاری اتفاقات تاریخی به همین دلیل گزارش نشده یا با تغییراتی گزارش شده‌اند؛ ثالثاً، مسلم است که تحلیلی فراتر از صرف چند گزاره تاریخی در استنتاج مستشرقانی همچون مادلونگ برای رسیدن به نتیجه مذکور به کار رفته که این تحلیل‌ها در موارد متعددی از لحاظ علمی قابل اشکال است.

به عنوان مثال، در نتیجه‌گیری (الف) مادلونگ از گزارش تاریخی، اطلاق عنوان «مهدی» به محمد حنفیه توسط طرفداران مختار بهره برده و آن را با بررسی سند احادیث مذکور که وجود برخی شیعیان امام علی علیه السلام در میان روایانشان را تأیید می‌کند، ترکیب کرده و نتیجه گرفته است طرفداران شیعی مختار برای مشروعیت بخشی به قیام خودشان، احادیث مذکور را جعل و منتشر کرده‌اند. فارغ از ایراد عمومی که بدان اشاره شد _ و طی آن، با توجه به زمانه و شخصیت مختار و حامیان او، امکان جعل و پذیرش و انتشار چنین حدیثی در آن دوره اصلاً معقول نیست - دو مقدمه مادلونگ که از آن قیاس کرده است نیز دارای اشکال هستند: اولاً، چنان که خود مادلونگ (Madelung, 1985: p.1230-1231) و دیگران (Goldziher, 1910: p.267 & Crone) گفته‌اند، کاربرد لفظ مهدی سابقه‌ای پیشین دارد و در این که آیا این لفظ هنوز در میان مسلمانان در آن دوره مفهوم آخرالزمانی و منجی‌گرایانه داشته است یا خیر؛ تردید وجود دارد. لذا اگر چنین اطلاقی نیز صورت گرفته، به مفهوم عمومی «فرد هدایت‌شده» و همچون عنوان‌هایی است که پیش‌تر در مورد خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام حسین علیه السلام و بعدتر در مورد عمر بن عبدالعزیز و دیگر خلفای اموی به کار رفته است و مفهوم ممتاز و شاخص که صرفاً برای اهداف طرفداران مختار باشد، نبوده است.^۱ ثانیاً، آیا تمامی

۱. این کلام بر آن مبناست که ما روایات نبوی حاکی از وعده آمدن مهدی را نپذیریم؛ و گرنه با فرض صدور چنین احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و گردش آن در جامعه اسلامی، بسیار معقول است که استفاده افراد مختلف در دو سده آغازین اسلام از عبارت «مهدی» را در جهت مشروعیت بخشی و جذب هوادار برای یک فرد یا جریان در آن زمان قلمداد کنیم.

سندهای روایات حاکی از همنامی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دارای راویان شیعه است؟ و آیا همه این گونه احادیث از محیط شیعی کوفه نشأت گرفته‌اند؟ بررسی مجموعه احادیث حاوی عبارت «اسمه اسم ابی»؛ نشان می‌دهد که جواب سؤالات مذکور منفی است. به عنوان مثال، در یکی از انواع این نقل‌ها، سند به ابوالطفیل (أَبُو بِنِّ كَعْبٍ) می‌رسد که از جمله قرای سرشناس مدینه بوده و به شیعیان کوفه هم ربطی نداشته است (ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۰). همچنین در چند سند، قره و فرزند او معاویه بن قره هستند و این، گویای آن است که حدیث در محیط بصره در جریان بوده است (همان، ج ۵، ص ۱۵۳).

گورکه به طور خاص در مقاله‌اش، به نقش طرفداران محمد بن حنفیه و جریان کیسانیه که بر هر دو شخص دیگر مذکور متقدم بوده‌اند؛ اشاره نکرده است. این، در حالی است که این دسته و جریان که همه مورخان به تأثیرات ایشان در نیمه دوم قرن اول اسلامی، به ویژه بر فضای عراق (به عنوان یکی از قطب‌های حدیثی) لازم است در بررسی تاریخی روایات، در نظر گرفته شوند. نکته دیگری که در نوشتار گورکه می‌توان ایراد گرفت، آن است که به رغم اعتراف او به افزون بودن احادیثی که فاقد عبارت «اسم ابیه اسم ابی» هستند؛ بازهم افزوده شدنش را در اضافات بعدی احتمال نمی‌دهد و این احتمال را که اتفاقاً با توجه به رویدادهای تاریخی قوی است، دنبال نمی‌کند. این، در حالی است که بنا به اعتراف خود گورکه، روایاتی که فاقد این عبارت هستند، تقریباً دو برابر روایات حاوی آن هستند (که اگر روایات شیعی نیز اضافه شوند، شاید چندین برابر شوند).

بر دیدگاه‌های آمیکام ایلاذ نیز نقدهای چندگانه‌ای به صورت خاص وارد است که از جمله آن‌ها موارد زیر می‌باشد:

۱. یکسان خواندن جریان‌ات مختلف عباسی، حسنی و حسینی با عنوان شیعه؛ برخی افراد را شیعه معرفی می‌کند؛ بدین معنا که طرفدار جریان عباسی بوده‌اند.
۲. تسلط نه چندان خوب نویسنده بر الفاظ عربی؛ به صورتی که او بسیاری از برداشت‌های خود را از الفاظ عربی، به Lane's Lexicon استناد می‌دهد. این، در حالی است که این کتاب

۱. مطابق دیدگاه ذهبی، بخاری از او سه و مسلم هفت روایت نقل کرده‌اند (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲).

مسئلاً از منابع کم‌اعتبار در زمینه لغت است و لذا می‌توان از بسیاری کتاب‌های لغت عربی مرجع نام برد که برای برداشت‌های لغوی می‌بایست ابتدا مورد توجه و ارجاع محقق قرار گیرند.

۳. نوعی بی‌نظمی عجیبی در کار ایلاذ قابل مشاهده است و می‌توان گفت روش و سیر کار او در بررسی احادیث کاملاً مشخص نیست. گاهی حدیثی را به طور کامل بررسی سندی کرده و در مقابل، از کنار بسیاری احادیث بدون ذکر سندشان گذشته است. همچنین مشخص نیست از میان انبوه گزاره‌های تاریخی بعضاً متضاد و متعارض، چرا و با چه ملاکی برخی از آن‌ها را برگزیده و ذکر کرده است.

نتیجه‌گیری

تأثیر و تأثر متقابل رخدادهای تاریخی و احادیث اسلامی، امری مسلم است و همان‌طور که نمی‌توان تأثیر و موج‌سازی برخی روایات بر اتفاقات دو سده آغازین اسلامی را انکار کرد، اثرگذاری جریان‌های مختلف سیاسی-مذهبی و نیز رویدادهای تاریخی در جعل و دستکاری برخی احادیث، غیر قابل چشم‌پوشی است. تعدادی از محققان اسلام‌پژوه غربی با روش‌های تاریخ‌گذاری روایات - که قدمتی حدوداً صد ساله دارند- درصدد برآمدند تاریخ ساختن، رواج و تغییر و تحول در احادیث مربوط به منجی‌گرایی اسلامی را کشف کنند. در این میان، مادلونگ به صورت عام و پس از او گورکه و ایلاذ به صورتی خاص، این مطالعه موردی را در روایات حاکی از نام و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت داده‌اند. برآیند سخن ایشان، جعل و انتشار این روایات در فاصله زمانی میان قیام مختار تا دوران مهدی عباسی است که جریان‌های مختلفی همچون طرفداران مختار و محمد حنفیه، قیام محمد نفس زکیه و یا هواداران جریان بنی عباس بر این امر اثرگذار بوده‌اند.

اگرچه استفاده از شیوه‌های جدید حدیث‌پژوهی و بررسی رویدادهای صدر اسلام برای توثیق، تصحیح و استفاده از روایات امری مفید و کاربردی است؛ بررسی چند نوشتار از مستشرقان در مورد روایات مربوط به نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان می‌دهد کار این محققان دارای ایرادهای مختلف روشی و محتوایی است. به عنوان مثال، عدم انتساب قطعی این روایات به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و برساخته بودن آنها در دهه‌ها و قرن‌های بعد، نقطه آغازین این تحقیقات است.



همچنین در معمول این تحقیقات، احادیث این موضوع استقصای کامل صورت نگرفته و به خصوص به روایات شیعه بی توجهی شده است. اخذ‌گزینشی گزاره‌های تاریخی و عدم توجه به برخی واقعیت‌های تاریخی (همچون جریان‌ات معارض صدر اسلام که امکان ساخت و انتشار احادیث مهدویت به صورت گسترده را به هیچ‌کس نمی‌داد) از دیگر اشکالات مهم نوشته‌های مذکور می‌باشد.

الف) منابع فارسی و عربی:

۱. آقای، سید علی (اسفند ۱۳۹۱). «حدیث به مثابه داده تاریخی: مروری بر رهیافت های محققان غربی به مسئله وثاقت احادیث اسلامی»، آینه پژوهش، ش ۱۳۷-۱۳۸، ص ۱۹-۲۹.
۲. _____ (۱۳۹۴). *تاریخ گذاری حدیث: روش ها و نمونه ها* (تاریخ گذاری حدیث)، قم، حکمت.
۳. آیتی، نصرت الله (۱۳۹۹). *تحلیل و بررسی روایات و ابیات سود*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. ابن بابویه القمی، علی بن الحسین (۱۳۶۳). *الامامة والتبصرة من الحيرة* (الامامة)، قم، مدرسة الامام المهدي.
۵. ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۲۵ق). *المحلی بالآثار*، بیروت، دار الجیل.
۶. ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲م). *المعارف*، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۷. اعظمی، محمد مصطفی (۱۴۰۵ق). *دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینہ*، بیروت - لبنان، المكتبة الإسلامية.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق). *جمل من أنساب الأشراف*، بیروت - لبنان، دار الفکر.
۹. بهاء الدین، محمد (۱۴۲۰ق). *المستشرقون و الحدیث النبوی*، مالزی، دار الفجر.
۱۰. جدیدی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۱). *دانش رجال از دیدگاه اهل سنت*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۱. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر البصائر*، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۲. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، ایران، بیدار.
۱۳. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق). *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسة البلاغ.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت - لبنان، مؤسسة الرسالة.
۱۵. سعادت، حمید (۱۳۹۳). *مهدویت در دایرة المعارف های غربی*، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.
۱۶. صادقی، مصطفی (۱۳۸۵). *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *الغیبه*، ایران، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۸. کوک، مایکل (۱۳۹۰). تاریخ گذاری روایات آخرالزمان، در *حدیث اسلامی: خاستگاه‌ها و سیر تطوراتها را لد موتسکی*، مترجم: فرهنگ مهروش و مرتضی کریمی نیا، تهران، دارالحدیث.
۱۹. گلیو، رابرت و دیگران (۱۳۹۶). *تفسیر امامیه در پژوهش‌های غربی*، ویراسته محمدعلی طباطبایی، مترجم: محمد حقانی فضل و دیگران، تهران، موسسه فرهنگی دارالحدیث.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مرادخانی، احمد و دیگران (بهار و تابستان ۱۳۹۹). *تاریخ گذاری و مبادی اخبار موضوعه «متمهدیان» در مصادر عامه*، قم، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۳، ش ۱، ص ۱۹۹-۲۱۶.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، تهران - ایران، مکتبه الصدوق.

ب) منابع لاتین:

1. Anthony, Sean W. "The Mahdī and the Treasures of al-Ṭālaqān," *arabica Arabica*, 59, no. 5 (2012), 459-83.
2. Cook, Michael. "An Early Islamic Apocalyptic Chronicle," *Journal of Near Eastern Studies*, 52, no. 1 (1993), 25-29.
3. ———. "Eschatology and the Dating of Traditions," *Princeton Papers in Near Eastern Studies*, no. 1 (1992), 23-48.
4. Crone, Patricia. *From Arabian tribes to Islamic Empire*, Aldershot; Burlington (Vt.): Ashgate, 2008.
5. Crone, Patricia, and Martin Hinds. *God's Caliph: Religious Authority in the First Centuries of Islam*, Cambridge: Cambridge University Press, 1990.
6. Elad, Amikam. "The Struggle for the Legitimacy of Authority as Reflected in the Hadith of Al-Mahdi," In *'Abbasid studies II: occasional papers of the School of 'Abbasid Studies, Leuven, 28 June - 1 July 2004, Ed. by John Nawas*, 39-96, Leuven: Paris: Peeters, 2010.



7. Gleave, Robert. "Early Shiite hermeneutics and the dating of Kitāb Sulaym ibn Qays," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 78, no. 1 (2015), 83-103.
8. Goldziher, Ignaz. *Vorlesungen über den Islam*, Heidelberg: CARL WINTER'S UNIVERSITÄTSBUCHHANDLUNG, 1910.
9. Görke, Andreas. "Eschatology, History, and the Common Link: A Study in Methodology," In *Method and Theory in the Study of Islamic Origins by Herbert Berg (Ed.)*, 179–208, Brill, 2003.
10. Hayes, Edmund. "How do we deal with Imamic hadith? The case of the historical development in the Imams' statements on khums," Princeton NJ: International Conference held at the Institute for Advanced Study, 2017.
11. Hylén, Torsten. "Dating versions of the Karbala' Story," Princeton NJ: International Conference held at the Institute for Advanced Study, 2017.
12. _____. "The Date of the Story of the Tawwābūn," 2017.
13. Kohlberg, Etan. "Al-Usul al-arbaumia," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, no. 10 (1987), 128-66.
14. Madelung, Wilferd. "AL-MAHDI," *Encyclopaedia of Islam*, Leiden: Brill, 1985.
15. Motzki, Harald. *Hadith: origins and developments*, London: Routledge, 2016.
16. Rubin, Uri. "Apocalypse and authority in Islamic tradition: The emergence of the twelve leaders," *Al-qantara.*, 18 (1995), 11-42.



الگوی تعهد سازمانی در یاران امام مهدی عجک الله تعالی رحمة التوفیق

رضا ابروش^۱

چکیده

فرهنگ و تمدن مهدوی که طلایه‌دار تحقق نظامی است عدالت محور و مبتنی بر اندیشه‌های مهدویت؛ به سامان دادن به تشکلهای و سازمان‌های فعال در این عرصه نیازمند است. سازمان‌ها و تشکلهای مهدوی که برای شکل‌گیری نظامی عدالت محور مبتنی بر اندیشه‌های مهدویت تلاش می‌کنند؛ به اعضایی با تعهد سازمانی بالا نیازمند هستند. تعهد سازمانی، میزان اشتیاق آن‌ها را به خدمت در سازمانی که برای سرآمدی تمدن و فرهنگ مهدوی گام برمی‌دارد؛ افزایش می‌دهد. مسئله این است که الگوی تعهد سازمانی در بین اعضای سازمان‌هایی که در این زمینه گام برمی‌دارند، چگونه است. هدف این پژوهش ارائه الگوی تعهد سازمانی در یاران مهدوی براساس اندیشه‌های مهدویت است. این پژوهش با بررسی آموزه‌های مرتبط با اندیشه مهدویت، اطلاعات مورد نیاز را گردآوری و با روش داده بنیاد، الگوی تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت را تبیین می‌کند. این الگو دارای مؤلفه پنجگانه است، که عوامل تعهد سازمانی، زمینه‌سازهای تعهد سازمانی، ماهیت تعهد سازمانی، موانع تعهد سازمانی و پیامدهای آن را شامل می‌باشد.

واژگان کلیدی: تعهد سازمانی، اندیشه مهدویت، یاران مهدوی، داده بنیاد، احساس تعلق.

مقدمه

امروزه تعهد سازمانی، به عنوان عاملی مهم برای درک، فهم و پیش‌بینی رفتار سازمانی، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای میزان مقبولیت ارزش‌ها و اهداف سازمان در نزد اعضای سازمان است. تعهد سازمانی می‌تواند به‌رغم این که پایبندی اعضای سازمان را به اهداف و راهبردهای سازمان تضمین کند، می‌تواند پیامدهای مثبت و متعددی برای سازمان‌ها داشته باشد. در واقع، تعهد سازمانی رویکردی روانی در اعضای سازمان در مورد میزان وابستگی درونی آن‌ها به شغل و سازمان متبوع می‌باشد. این مقوله در کنار رضایت شغلی کارکنان و انگیزش سازمانی از مقوله‌های زیربنایی و حیاتی در مدیریت منابع انسانی می‌باشد. به همین دلیل، در مطالعات مدیریت و سازمان مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است. تعهد سازمانی، بر ایجاد نگرش شغلی در سازمان دارای نقش مهمی است. به همین دلیل، باعث می‌شود تا افراد در سازمان، هدف‌های سازمانی را هدف خود انگاشته و برای عضویت در سازمان تمایل فراوانی داشته باشند. تعهد سازمانی باعث می‌شود تا افراد سازمان را معرف خود بشمارند. تحقیقات نشان می‌دهد برای پیش‌بینی و توجیه رفتار فرد (به مراتب، بیش از رضایت شغلی) تعهد سازمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و با استفاده از تعهد سازمانی، بهتر می‌توان میزان غیبت و ترک خدمت کارکنان را پیش‌بینی کرد (رابینز، ۱۳۷۸: ص ۲۸۳). گوردون معتقد است، به علت این که هر کشوری فرهنگ خویش را ابزار تشخیص خود می‌داند، همواره بر وجود تمایز آن با دیگر کشورها تأکید دارد (گوردون و ماندی، ۱۳۸۳: ص ۶۶). از این‌رو، تعهد سازمانی در جوامع اسلامی می‌تواند دارای ویژگی‌هایی ممتاز و منحصر به فرد باشد. در اندیشه مهدویت که داعیه حکومت و فرهنگ مهدوی در آن موج می‌زند؛ سازمان‌های اسلامی نیز باید مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، الگویی از تعهد سازمانی ارائه کنند که با آرمان‌ها و ارزش‌های مهدوی منطبق و سازگار باشد. در واقع، جوامع مسلمان که دکترین مهدویت را مبنا و ملاک فعالیت‌های خود قرار داده‌اند، به بررسی آموزه‌های مهدوی نیازمند هستند تا براساس آن، الگویی از تعهد سازمانی تدوین و ارائه کنند. در جوامع اسلامی که سازمان‌ها ابزاری برای کمال مطلوب جامعه محسوب می‌شوند، نیازمند ارائه الگویی از تعهد هستند که یاران مهدی که در واقع همان اعضای سازمان اسلامی هستند، با اعتقاد کامل و انگیزه بالا، تمایل به همراهی و مشارکت حداکثری با اهداف، برنامه‌ها و



سیاست‌های سازمان را داشته باشند. از این‌رو، آنچه در این پژوهش به عنوان مسئله مورد توجه قرار می‌گیرد، الگوی تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت است. سازمان‌های اسلامی برای تحقق چشم‌انداز مهدوی، به تعهد اعضای خود نیازمند می‌باشند. این اعضای سازمانی که می‌توان به نوعی آن‌ها را یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الصلوة برشمرد، در صورتی که به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های سازمانی پایبند و متعهد باشند، زمینه تحقق چشم‌انداز مهدوی نیز مهیا گشته و از این طریق می‌توان شاهد شکل‌گیری جامعه مهدوی بود. هدف این پژوهش نیز تبیین و ارائه الگویی از تعهد سازمانی برای یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الصلوة است که به عنوان اعضای سازمان اسلامی، برای تحقق جامعه مهدوی تلاش می‌کند.

ادیات نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی

۱. تعهد سازمانی

«تعهد سازمانی»، به عنوان دیدگاه روان‌شناسی اعضای سازمان به وابستگی آن‌ها به سازمانی که در آن کار می‌کنند، تعریف می‌شود. «تعهد»، عبارت است از حالتی که کارکنان، سازمان و اهداف آن را معرف خود می‌دانند و تمایل دارند که در عضویت آن سازمان بمانند. «تعهد سازمانی»، حالتی روانی است که نوعی تمایل، نیاز و الزام برای ادامه اشتغال در یک سازمان را فراهم می‌کند (آلن و می‌یر، ۱۹۹۹: ص ۳). برخی، تعهد را نوعی وابستگی عاطفی و تعصب به ارزش‌ها و اهداف سازمان می‌دانند. تعهد سازمانی به معنای میزان نسبی همانندسازی با سازمانی خاص و یا دل‌بستگی به آن سازمان است که می‌تواند حداقل به وسیله سه عامل مشخص شود: یک. اعتقاد راسخ به ارزش‌ها و اهداف سازمان؛ دو. تمایل به تلاش بیش‌تر در راه تحقق اهداف سازمان؛ سه. تمایل قوی به باقی ماندن و عضویت در سازمان (صادقی‌فر، ۱۳۸۶: ص ۴۴). بنابراین، مفهوم تعهد سازمانی با میزان عجین شدن افراد با سازمانشان و میزان علاقه‌مندی‌شان به ماندن در آن و تعیین هویت خود با سازمان سنجیده می‌شود. تعهد سازمانی، گویای میزان مقبولیت ارزش‌ها و اهداف سازمان در نظر اعضای سازمان است؛ به



طوری که با اعتقاد و انگیزه بالا برای دستیابی به اهداف آن تلاش می‌کنند. در این پژوهش نیز منظور از تعهد سازمانی میزان علاقمندی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اهداف و ارزش‌های اندیشه مهدویت و تعیین هویت خودشان با این اندیشه می‌باشد.

۲. یاران مهدی

هر نظامی به یاران و همراهانی نیاز دارد؛ یارانی که به عنوان سرمایه‌های آن نظام، بر تحقق اهداف آن نظام، دارای نقش مهمی هستند. سستی یا استواری یاران، به عنوان سرمایه‌های انسانی، بر پیشبرد اهداف نظام‌های مذکور نقش مهمی ایفا می‌کند. سازمان اسلامی در عصر غیبت می‌کوشد با استفاده از سرمایه‌های انسانی معتقد و ملتزم به اندیشه‌های مهدوی، جامعه‌ای مطلوب و منطبق با آرمان‌های مهدویت ایجاد کند. از این‌رو، سرمایه‌های انسانی این سازمان‌ها را می‌توان یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامید؛ زیرا آن‌ها از طریق اقدامات و کنش‌های سازمانی در صدد تبلور آرمان‌های جامعه مهدوی هستند. در این پژوهش، منظور از یاران یا یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن دسته از سرمایه‌های انسانی هستند که از طریق کنش‌های جمعی و گروهی، برای تحقق آرمان‌های جامعه مهدوی در تکاپو می‌باشند.

۳. احساس تعلق

انسان‌ها موجوداتی اجتماعی‌اند و از بدو تولد به صورت «مجموعه» زندگی می‌کنند و نسبت به آن مجموعه احساس تعلق دارند (فرهمندیان، ۱۳۸۱). این احساس تعلق است که به زندگی اجتماعی معنا می‌دهد. بنابراین، هر اندیشه و مکتبی به ایجاد حس تعلق‌پذیری در پیروان خود نیازمند می‌باشد. ایجاد احساس تعلق در افراد، می‌تواند زمینه‌های همراهی و مشارکت آن‌ها را در فعالیت‌های گروهی و سازمانی افزایش دهد.

پیشینه نظری پژوهش

اهمیت تعهد اعضای سازمان به اهداف و ارزش‌های سازمان و نقش آن بر پیشبرد اهداف سازمانی، باعث شده است تا پژوهشگران این موضوع را مورد توجه قرار دهند. در زمینه عوامل تأثیرگذار بر تعهد سازمانی، مطالعات و تحقیقات گوناگونی انجام شده است که در هریک از این

مطالعات، تعهد سازمانی را به عنوان متغیر مستقل یا وابسته در نظر گرفته‌اند. برخی از مطالعاتی که تعهد سازمانی را با رویکرد اسلامی مورد بررسی و تبیین قرار داده‌اند؛ در جدول ذیل به اختصار ارائه می‌شوند:

ردیف	عنوان پژوهش	محقق	مجله و سال	یافته‌ها
۱	جایگاه تعهد، وجدان کاری، همت و کار مضاعف در توسعه و تعالی سازمانی با تأکید بر نگرش اسلامی	اشرف میرحیدری	مطالعات فقه تربیتی، ۱۳۸۹	این پژوهش، عوامل تعهد سازمانی را در دو بخش عوامل ساختاری و عوامل رفتاری مورد بررسی قرار می‌دهد.
۲	تعهد مدیران بخش دولتی در نظام اسلامی	محسن جاجرمی زاده، مسلم باقری، علیرضا فراسی نژاد، مسلم علی محمدلو و آرزو طاهری	مطالعات راهبردی بسیج، ۱۳۹۸	این پژوهش، تعهد سازمانی مدیران را در یک سطح تعهد به نظام، تعهد به سازمان و تعهد به ارباب رجوع ارائه می‌کند. براساس این پژوهش، تعهد شامل مجموعه‌ای از ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی-ارزشی و کفایت سیاسی-رفتاری مدیران را شامل می‌شود که باید در گزینش آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.
۳	بررسی راهکارهای افزایش تعهد عاطفی از دیدگاه اسلام	مجید زارع شحنه	اسلام و پژوهش‌ها ی مدیریت، ۱۳۹۲	این پژوهش، راهکارهای افزایش تعهد عاطفی در سازمان را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار داده است و راهکارهایی ارائه می‌کند که عبارتند از: نگاه مثبت و محبت‌آمیز به یکدیگر، ابراز و بیان مهر و محبت، رعایت انصاف، چشم‌پوشی و مدارا، عفو و گذشت، حسن خلق، حسن ظن، نرمی در گفتار، احسان به دیگران، ایجاد رابطه عاطفی، شفافیت در امور، انتصابات مقبولانه، رعایت مساوات و برابری، سعه صدر.
۴	رابطه اخلاق کار اسلامی با تعهد سازمانی و رضایت شغلی در پرستاران	علی‌رضا رجبی پور میبیدی و مرتضی دهقانی فیروزآبادی	فصلنامه اخلاق زیستی، ۱۳۹۱	براساس این پژوهش، بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی رابطه معنادار وجود دارد؛ ولی بین اخلاق کار اسلامی و رضایت شغلی رابطه معنادار وجود ندارد و البته نقش تعهد سازمانی بر پیش‌بینی اخلاق کار اسلامی به مراتب از رضایت شغلی بالاتر است.



روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی بنیادی است که به کشف الگوی تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت می‌پردازد. و از نظر ماهیت و روش، در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار می‌گیرد. همچنین به دلیل این که از هیچ الگوی مفهومی و یا چارچوب اولیه‌ای در پژوهش پیروی نمی‌کند، به عنوان پژوهشی اکتشافی محسوب می‌شود و با رویکرد استقرایی قصد دارد، اطلاعات را گردآوری کند و با روش داده بنیاد، به تحلیل اطلاعات گردآوری شده بپردازد. روش تحقیق داده بنیاد که به صورت اختصار از آن به «GT» نام می‌برند، بر تحلیل استقرایی داده‌ها مبتنی می‌باشد. ساخت نظریه در این روش، بدان معناست که اکثر مفاهیم نه تنها از داده‌ها استخراج می‌شوند، بلکه در جریان تحقیق هم به طور نظام‌مند در ارتباط با داده‌ها قرار می‌گیرند. روش داده بنیاد، بر روش شناسی تفسیری مبتنی است (محمد پور، ۱۳۹۲: ص ۳۱۳). در این روش، فرایند ساخت یک نظریه از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه‌ای از داده‌های احصا شده انجام می‌شود (منصوریان، ۱۳۸۶: ص ۵). به عبارت دیگر، داده بنیاد، روشی است که طی آن، نظریه‌ها در فرایندی منظم، به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی یا سایر پژوهش‌ها و چارچوب‌های مفهومی موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌شود (پاول، ۱۹۹۹: ص ۶۷). در واقع، پژوهشگر از طریق کدگذاری، تعدادی «کدهای مفهومی»^۱ ایجاد می‌کند که پیوند میان داده‌ها و نظریه را روشن می‌کند. کدگذاری از طریق شکستن داده‌ها، پژوهشگر را از سطح تجربی حرکت داده و با طبقه‌بندی داده‌ها در کدهای مشخص، زمینه تبدیل آن‌ها را به نظریه فراهم می‌کند. در این پژوهش، پژوهشگر با مطالعه آموزه‌های مهدویت، در صدد کشف معانی و مفاهیمی است که آموزه‌های مهدوی در بردارنده آن هستند. بنابراین، در این پژوهش، مفاهیمی با داده‌هایی منطبق هستند که از آموزه‌های اندیشه مهدویت و موعود استخراج و استنباط می‌شوند.



1. conceptual codes.

در اجرای روش گراند تئوری^۱، نمی‌توان روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی را از یکدیگر به کلی متمایز یا مرحله‌ای را از لحاظ زمانی، در فرایند تفسیر مجزا تلقی کرد، بلکه چه بسا ممکن است، پژوهشگر آن‌ها را با یکدیگر تلفیق، یا جابه‌جا کند. با این حال، فرایند تفسیر با کدگذاری باز آغاز و با نزدیک شدن به مراحل پایانی پژوهش، تحلیل و کدگذاری انتخابی بیش‌تر نمود دارد (فلیک، ۱۳۸۸: ص ۳۲۹). بنابراین، کدگذاری انتخابی بیش‌تر به تحلیل مؤلفه‌های به دست آمده می‌پردازد. در واقع، کدگذاری انتخابی، مرحله نظریه‌پردازی است که بر اساس نتایج، از مراحل کدگذاری قبلی، به تولید نظریه (الگو) می‌پردازد. در مرحله کدگذاری انتخابی، مؤلفه‌های به دست آمده به شکلی نظام‌مند به هم ربط داده می‌شوند (دانائی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ص ۶۷). بنابراین، پژوهشگر برای اجرای مرحله کدگذاری انتخابی به تحریر و تحلیل داده‌هایی نیازمند است که در الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه التّوبه به آن‌ها می‌پردازد. در این مرحله، پژوهشگر با تعدادی مؤلفه انتزاعی که از داده‌های پژوهش به دست آمده‌اند؛ به تدوین الگو می‌پردازد و دیگر به کدبندی در این مرحله نیازی نیست. در این مرحله، مؤلفه‌ها به لحاظ نظری اشباع می‌شوند و می‌توان هر یک از مؤلفه‌ها را به تناسب با هم مرتبط کرد (محمدپور، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۳۴۰).

فرایند روش داده بنیاد در این پژوهش، به این صورت است که در نخستین گام، داده‌ها با استفاده از مفاهیم حساس، از قبیل: «مهدویت»، «مهدی»، «قائم»، «عدل»، «مظلوم»، «مکتنا»، «اهل بدر» و «انصار المهدی» از نرم افزارهای منابع اسلامی احصا و گردآوری می‌شوند. گستره گردآوری اطلاعات آیات و روایات را شامل می‌باشد. پس از فرایند داده‌یابی از منابع اسلامی، داده‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرند و سپس فرایند کدگذاری، طی سه مرحله عمده آغاز می‌شوند و سرانجام پژوهشگر، به مدل تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه التّوبه دست می‌یابد. جدول ۱، نمونه‌ای از گزاره‌های به دست آمده است که در کدگذاری باز، مفاهیمی برای هر یک از

۱. گراند تئوری Grounded Theory، یا نظریه داده بنیاد، نوعی روش تحقیق کیفی است که برای نظریه‌پردازی در مورد پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود. این روش، زمانی استفاده می‌شود که ادبیات پژوهش در زمینه موضوع، از غنای لازم برخوردار نباشد. همچنین هدف، ارائه نظریه جدیدی است که تاکنون در جوامع پژوهشی مطرح نشده است.

آن‌ها ایجاد شد.

نخستین مرحله از کدگذاری‌ها در فرایند پژوهش داده بنیاد، «کدگذاری باز» می‌باشد. کدگذاری باز، به معنای مفهوم‌سازی به وسیله یک نام، عنوان یا برچسب‌هایی است که همزمان هر داده را تشریح می‌کند. کدها نشان می‌دهند که پژوهشگر چه طور داده‌ها را برای آغاز تحلیل انتخاب، جدا و دسته بندی می‌کند (چارماز، ۲۰۰۶: ص ۴۳). پژوهشگر پس از داده‌یابی از منابع، برای داده‌های به دست آمده یک مفهوم یا کد انتخاب می‌کند. این مفاهیم یا کدهای اختصاص یافته به داده‌ها، باعث تشریح و توصیف هر یک از داده‌ها (گزاره‌ها) می‌شوند که در فرایند پژوهش، داده‌ها را از طریق این مفاهیم و کدهای اختصاص یافته می‌شناسند (محمد پور، ۱۳۹۲: ص ۳۲۷). مفاهیم استخراج شده از داده‌ها به عنوان پایه‌های اصلی برای مراحل بعدی پژوهش محسوب می‌شوند.

«کدگذاری محوری»، مرحله پالایش و تفکیک مفاهیم به دست آمده از کدگذاری باز می‌باشد (فلیک، ۱۳۸۸: ص ۳۳۵). این مرحله مستلزم استفاده از روش مقایسه است؛ به طوری که کدهای متداخل و مشابه توسط پژوهشگر در دسته بندی‌های کلی‌تر و تحلیلی‌تر قرار می‌گیرند. در این مرحله، الگو به تدریج ظهور می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۳۳۵). در این مرحله، با مقایسه مفاهیم مختلف می‌توان زمینه‌های مشترک بیش‌تری را میان کدها کشف کرد که امکان طبقه بندی مفاهیم مشابه در قالب طبقه بندی‌های یکسان را فراهم می‌کند. وظیفه پژوهشگر در این مرحله، دسته بندی و مقایسه مفاهیم استخراج شده از داده‌ها می‌باشد. این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است؛ چرا که در ابتدا ارتباط بین آن‌ها، چندان آشکار نیست، در واقع، محقق، انبوهی از مفاهیم را مشاهده می‌کند که چندان به هم ربطی ندارند؛ اما به‌زودی پیوندهای نامرئی بین آن‌ها آشکار می‌شود (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۲۱). جدول ۲ فرایند کدگذاری محوری را نشان می‌دهد.

در این پژوهش، اطلاعاتی که از منابع اسلامی به دست آمدند، دارای مشترکاتی بودند؛ زیرا برخی از روایات در منابع متعدد و مختلف بیان شده بودند. پژوهشگر پس از حذف اطلاعات مشترک، به نقطه «اشباع نظری» رسید. اشباع نظری، مرحله‌ای است از فرایند گردآوری اطلاعات که نشان می‌دهد، نویسنده دیگر به جست و جوی جدید برای گردآوری اطلاعات نیازی ندارد و



با همین اطلاعات گردآوری شده می‌تواند، فرایند تحلیل را آغاز کند. در مرحله کدگذاری باز، برای هر گزاره یک مفهوم ایجاد و سپس در فرایند کدگذاری محوری از طریق قاعده مقایسه و مشابه، مقوله‌ها را ایجاد می‌کند. تعداد مقوله‌ها که از کدگذاری محوری ایجاد شدند، هشت مقوله هستند. سرانجام هر یک از مقوله‌ها در فرایند کدگذاری انتخابی در قالب الگو قرار گرفتند.

جدول ۱. نمونه‌ای از کدگذاری باز می‌باشد که فرایند ایجاد مفهوم از گزاره‌ها را نشان می‌دهد:

مفاهیم ایجاد شده از طریق کدگذاری باز	گزاره‌های اسلامی
چشم انداز مهدوی	و لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ؛ قَالَ آيَاتُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يَوْمُ الْمَوْتِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
دارای ایمانی راسخ و قلبی استوار و محکم	رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوهُنَّ شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ
ترویج و گسترش عدالت	يَبِيعُ إِلَى أُمَّرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ
برخورداری از افراد نیرومند و رزم‌جو	قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> كَيْفَ يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> فَأَتَاهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ يَخْرُجُ مَعَهُ مِثْلَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أُولَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلَى الْقُوَّةِ أَقَلُّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ
ورع و پرهیزکاری	ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ
همهانگ و متحدالشکل بودن	وَالزَّيِّ وَاحِدٌ، وَالقُدُّ وَاحِدٌ، وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ
شوق ملاقات	يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَ بِهَا ثَلَاثُ زَيَّاتٍ قَدِ اضْطَرَبَتْ فَتَضَعُو لَهُ وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمَبْرَ فَيَخْطُبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ

جدول ۲. نمونه‌ای از فرایند کدگذاری باز و محوری را نشان می‌دهد. در این جدول، به منظور رعایت اختصار، برخی از کدهای باز (مفاهیم) به عنوان نمونه ذکر می‌شود.^۲

شناسه	کدگذاری باز (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)
۱	چشم انداز مهدوی	چشم انداز مهدوی
۲	نمایان شدن واقعیت‌ها	
۳	نوید به مظلومان و مستضعفان	
۴	شناخت امام و ایمان راسخ به وی	معرفت راسخ به امام
۵	برخورداری از ایمان حقیقی	

۱. تصغو: تمیل. «الصحاح - صغا - ج ۶: ۲۴۰۰» و فی هامش «ش» فتصغو.

۲. به دلیل محدودیت در حجم مقاله از ذکر همه مفاهیم اجتناب می‌شود.

شناسه	کدگذاری باز (مفاهیم)	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	
۶	آمادگی پذیرش و یاری دهنده در مسئولیت‌های بزرگ		
۷	رعایت عدل و احسان	عدالت‌گرایی	
۸	آباد کردن شهرها		
۹	ترویج عدل و داد		
۱۰	احیا کردن عدالت		
۱۱	وسایل نظامی و داشتن قدرت نظامی	قدرتمندی	
۱۲	برخورداری از افراد رزم‌جو		
۱۳	افراد نیرومند		
۱۴	مردانی کاردان و کارساز		
۱۵	مداومت بر ترک گناه و پناه بردن به خداوند	کنترل درونی	
۱۶	ورع و پرهیزکاری		
۱۷	پیراستگی دل از نفاق		
۱۸	پیشی گرفتن در کارهای نیک		
۱۹	مراتب بالای معرفت الاهی،		
۲۰	اهل سیر و سلوک		
۲۱	اخلاق نیکو، نداشتن کینه		
۲۲	اهل عبادت در شب		
۲۳	نداشتن علم و بصیرت		نداشتن هدف
۲۴	نداشتن قدرت تشخیص درست		
۲۵	نداشتن هدف و برنامه		
۲۶	اتحاد و انسجام و برادری، همدلی و یکرنگی	پیروی	
۲۷	استواری در عمل		
۲۸	هماهنگی و متحدالشکل بودن		
۲۹	پیوستن گروه‌های مختلف به امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>		
۳۰	شوق ملاقات و همجواری	تعلق پذیری به امام	
۳۱	آزمودن اصحاب، آمادگی قبل از ظهور		



در این پژوهش، پس از بروز و ظهور مؤلفه‌های الگوی تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله کدگذاری محوری، کشف رابطه بین آن‌ها از دیگر اهداف این پژوهش محسوب می‌شود. تحلیل روابط بین مؤلفه‌ها، آخرین گام برای تحقق الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پژوهشگر با بررسی‌های انجام شده، تصمیم گرفت برای برقراری ارتباط بین مؤلفه‌های الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ مؤلفه‌ها را در قالب عوامل تعهدسازمانی، زمینه‌سازهای تعهدسازمانی، ماهیت تعهدسازمانی، موانع تعهدسازمانی و پیامدهای تعهدسازمانی ارائه و تبیین کند.

تحلیل یافته‌های پژوهش

مقوله‌های به دست آمده در این پژوهش، مؤلفه‌های مدل را تشکیل می‌دهند. در واقع مؤلفه‌ها به عنوان عناصر و اجزای تشکیل دهنده مدل نقش قابل توجهی بر تبیین و تحلیل مدل دارند. به عبارت دیگر، مؤلفه‌ها به عنوان مقومات یک مدل نیز محسوب می‌شوند و تا درک درست و صحیحی از مؤلفه‌های مدل به دست نیاید، چه بسا فهم مدل نیز امری غیر ممکن تلقی گردد. در این پژوهش، با روش کدگذاری، تلاش شد تا مؤلفه‌های مدل تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شناسایی و تبیین شوند. هر یک از این مؤلفه‌ها و عناصر مدل، در فرایند کدگذاری انتخابی، در قالب پنج مؤلفه عوامل انگیزشی، زمینه‌سازهای انگیزشی، ماهیت انگیزه، موانع انگیزه و پیامدهای انگیزش ارائه و تبیین می‌شود:

۱. عوامل تعهد سازمانی

یکی از مؤلفه‌های الگوی تعهد سازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عوامل تعهد سازمانی است. عوامل تعهد سازمانی به آن دسته از عواملی اطلاق می‌شود که بر روی شکل‌گیری تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیر مستقیم دارند. به عبارت دیگر، تحقق تعهد در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عوامل تعهد مبتنی است. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، برخی از مهم‌ترین عوامل تعهدسازمانی شناسایی شده که بر تحقق تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیر دارند، عبارتند از: چشم‌انداز مهدوی، معرفت راسخ به امام و



عدالت‌گرایی. هر یک از این عوامل، بر شکل‌گیری تعهدسازمانی در یاران حضرت نقشی قابل توجه دارد.

۱-۱. چشم‌انداز مهدوی

چشم‌انداز مهدوی، با ترسیم واقعیت‌های آینده‌نویس می‌دهد که یاران ایشان وارثان زمین خواهند بود؛ چنان‌که در تفسیر آیه شریفه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ بندگان صالح را یاران حضرت برمی‌شمارد (قمی، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۶۷). یکی دیگر از چشم‌اندازهای مهدوی که موجب پایبندی و تعهد به ارزش‌ها و اهداف مهدوی در یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام می‌شود؛ نوید به مظلومان و مستضعفان است. امام صادق عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام در تأویل آیه شریفه «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ فرمودند: «این آیه درباره قائم و یاران او نازل شده است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۹). مفاد آیه به این نکته اشاره دارد که در زمان ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام، انتقام مظلومان از ظالمان گرفته می‌شود. ترسیم چشم‌اندازی نویدبخش، مبنی بر احقاق حق مظلوم می‌تواند عامل تعهدبرانگیز در یاران حضرت باشد.

۲-۱. معرفت به امام

یکی دیگر از عوامل تعهدسازمانی در الگوی یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام، معرفت راسخ به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام است. معرفت به امام از عواملی است که در یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام تعهدسازمانی ایجاد می‌کند. امام صادق عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام ویژگی بارز یاران حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌وآله‌السلام را ایمان برشمرده و می‌فرماید:

یاران حضرت مردانی هستند که دل آن‌ها مانند پاره‌های آهن است در ایمان شکی ندارند و ایمان آن‌ها از سنگ محکم‌تر است. آن‌ها هنگام جنگ، امام را در میان گرفته و با جان خود از حضرت دفاع می‌کنند، و هر کاری داشته باشد، برایش انجام می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸).

ایمان راسخ به امام موجب می‌شود تا یاران حضرت، برای حمایت از ایشان تا سرحد جان‌فشانی، مدافع ایشان باشند. در روایات نیز بیان شده است که فرمانبری یاران حضرت



مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ از ایشان، از فرمانبری کنیز به سرورش بیش تر است (همان). این فرمانبرداری گویای تعهد یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ است که از روی علم و معرفت راسخ به امام حاصل می شود. به عبارت دیگر، تحقق و بروز چنین پایبندی و تعهدسازمانی در یاران مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ در گرو معرفت راسخ و ایمان به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ است. بنابراین، در مدل انگیزش یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ، یکی از عوامل تعهدسازمانی، معرفت راسخ یاوران، به امام است.

۳-۱. عدالت

از دیگر عوامل تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ گرایش به «عدالت» می باشد. امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه شریفه «اعلموا ان الله يجزي الارض بعد موتها قد بينا لكم الايات لعلكم تعقلون» (حدید: ۱۷)؛ فرمودند: «منظور از یحیی الارض بعد موتها؛ این نیست که خداوند زمین را با باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می انگیزد تا عدالت را زنده کنند و در پرتو آن عدالت، زمین زنده می شود» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۸۱). فطرت عدالت جوی انسان های صالح، با دیدن چشم انداز ظهور مهدوی که رویکردی عدالت محور دارد، برانگیخته می شود تا این افراد با تعهد به آرمان های مهدوی، هرگونه تبعیض و بی عدالتی را برطرف کنند. در نتیجه در الگوی تعهد سازمانی در اندیشه مهدوی، چشم انداز مهدوی، معرفت راسخ به امام و عدالت گرایی از عواملی هستند که تعهد سازمانی را در اعضای سازمان ایجاد می کنند.

۲. زمینه سازهای تعهدسازمانی

یکی از ارکان و عناصر مهم در الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ، توجه به «زمینه سازهای تعهدسازمانی» است. در واقع، تعهدسازمانی در خلاء شکل نمی گیرد، بلکه برای تحقق آن در یاران حضرت، باید به برخی زمینه سازها توجه کرد. زمینه سازهای تعهدسازمانی در الگوی یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ به این حقیقت اشاره دارد که برای ایجاد و یا تقویت تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ، به عواملی نیاز است که زمینه ساز تحقق و تعهد هستند. در واقع، زمینه سازها، بسترهای تحقق و تقویت تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ السَّرِيفُ را مهیا می کنند. زمینه سازهای تعهد سازمانی را می توان بن مایه و شالوده های شکل گیری تعهد سازمانی برشمرد. به همین دلیل، ظرفیت مناسبی را برای نقش آفرینی عوامل



تعهدسازمانی ایفا می‌کنند. در این پژوهش، برخی از مهم‌ترین زمینه‌سازهای تعهدسازمانی عبارتند از: «قدرتمندی» و «کنترل درونی».

۱-۲. قدرتمندی

در بخشی از زیارت مخصوص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین بیان می‌شود: «اللَّهُمَّ وَاعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْحُمُولِ» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۸۹) و عبارتی از دعای مأثور چنین است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۲۴). تعابیر مذکور به قدرتمندی در اندیشه مهدویت اشاره دارند. از زمینه‌سازهای تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قدرتمندی است. ایجاد قدرت در جبهه مهدوی، می‌تواند زمینه‌های تعهد سازمانی در یاران حضرت را ایجاد و یا تقویت کند. جبهه مهدوی برای مقابله با جبهه کفر نیازمند استطاعت و قدرتمندی است. برخورداری از قدرت، به عنوان یک عامل زمینه ساز می‌تواند نوعی حالت روانی در یاران مهدوی ایجاد کند تا آنان نسبت به اهداف و آرمان‌های مهدوی همراه و متعهد باشند. قدرتمندسازی جبهه مهدوی می‌تواند زمینه همراهی و مشارکت بسیاری از افراد با اهداف و سیاست‌های مهدوی را فراهم کند. در این خصوص، امام سجاد علیه السلام می‌فرمایند: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دل‌های شیعیان را همچون پاره‌های آهن می‌کند، و به هر مردی از آن‌ها نیروی چهل مرد می‌دهد، و آن‌ها حکام زمین و رؤسای اجتماع خواهند بود (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۴۵). در روایت دیگری امام جواد علیه السلام آمده است: «حضرت مهدی دارای اسب‌هایی نیرومند و مردان نامور است» (همان، ۱۴۰۴: ص ۱۲۳). وجود مردان رزمجو و نیرومند حکایت از قدرتمندی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مصاف با جبهه کفر و در برابر مستکبران دارد. وجود چنین قدرت و شوکتی می‌تواند زمینه‌ساز تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شود؛ زیرا قدرتمندی جبهه مهدوی باعث آرامش و اطمینان خاطر از پیروان و هواداران این جبهه خواهد بود و این اطمینان موجب همراهی و ملازمت آن‌ها با برنامه‌های سازمان اسلامی مهدوی خواهد شد.

۲-۲. کنترل درونی

از دیگر عوامل زمینه‌ساز که موجب بروز و تقویت تعهد سازمانی در مهدی یاوران می‌شود،



«کنترل درونی» است. کنترل درونی^۱ راهبردی خود کنترلی^۲ است؛ به طوری که افراد برانگیخته می‌شوند تا مسئولیت رفتار خود در کارها را بر عهده گیرند (شمرهون، ۲۰۰۴: ص ۱۱۴). هدفی که در کنترل درونی دنبال می‌شود، ایجاد حالتی درون فرد است که بدون کنترل عامل خارجی، او را به اجرای تعهداتش متمایل می‌کند. مدیران اگر بتوانند افراد را از لحاظ وجدانی نسبت به انجام دادن وظایفشان معتقد و ملزم کنند، بدون آن که به کنترل خارجی نیازی باشد، آن افراد به لحاظ وجدان، با میل و تمایل بیش‌تری به امور محوله ملتزم خواهند بود؛ اما فراتر از مسئله وجدان، پایه‌های اعتقادی افراد و خودکنترل کردن آنان از این طریق است. عامل خود کنترلی به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق مداومت بر ترک گناه، ورع و پرهیزکاری و عبادت‌های شبانه به دست می‌آید؛ چنان که در اوصاف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است: «لهم في الليل اصوات كأصوات الثوآكل حزنا من خشية الله؛ آنان در دل شب، ناله‌هایی دارند، همچون صدای زنبور عسل از خشیت خدا» (قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۹۵). در روایت دیگری، امام جواد علیه السلام از پدران بزرگوارش، عبودیت و بندگی یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه وصف فرمودند: «آنان سلحشورانی هستند که در اطاعت خدا بسیار سخت کوشاند» (حائری، ۱۴۲۲: ص ۶۳). امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر بام نجف برآید به یارانش خطاب می‌کند: امشب را به عبادت به روز آورید. آنان برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۸).

تقوا و پرهیزکاری یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت از کنترل درونی آن‌ها دارد. تحقق کنترل درونی در یاران حضرت، زمینه تعهد سازمانی را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

۳. ماهیت تعهد سازمانی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ درک ماهیت تعهد سازمانی است. در واقع، ماهیت تعهد سازمانی، همان مؤلفه محوری در این

1 . internal control

2 . self-control

پژوهش است که سایر مؤلفه‌ها نیز با آن مرتبط هستند. با توجه به تفاوت نظام ارزش‌ها و مبانی اسلام با سایر مطالعات سازمانی، آنچه در اندیشه مهدویت، به عنوان تعهد سازمانی مورد نظر است؛ با سایر مطالعات انجام شده تفاوت ماهوی دارد. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان تعلق پذیری یاران به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. این تعلق پذیری که با احساس هویت و همسویی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه است؛ تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. در واقع، تبلور حس همراهی و تعلق پذیری به امام، همان تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت در سازمان‌های اسلامی است. زمانی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد کوفه می‌شود، بر منبر قرار می‌گیرد و سخن آغاز می‌کند. مردم از شدت شوق دیدار حضرت، گریه می‌کنند و از شدت گریه، سخن امام را متوجه نمی‌شوند (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۸۷). این حالت، گویای اوج تعلق پذیری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. حس تعلق پذیری به امام باعث می‌شود تا یاران حضرت، در مسیر اهداف و آرمان‌های مهدوی از هیچ تلاشی فروگذار نباشند. همین باعث می‌شود تا به عنوان شیعه‌ای کامل و حقیقی برای مولای خود محسوب شوند. بنابراین، در الگوی تعهد سازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تعهد سازمانی، تعلق پذیری یاران به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. تعلق پذیری به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان چیزی است که افراد با آن احساس هویت می‌کنند. در همین سمت و سو، اهداف و ارزش‌های مهدوی را پذیرفته و برای همکاری و مشارکت با آن تمایل فراوانی از خود نشان می‌دهند. میزان این علاقه به حدی است که برای حضور در زمره یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمایل فراوانی خواهند داشت.

۴. موانع تعهد سازمانی

الگوی «تعهدسازمانی»، اگر چه دارای عوامل و زمینه‌سازهای مختلفی است؛ همواره این الگو می‌تواند دارای موانعی باشد. یک الگوی تعهدسازمانی کارآمد و جامع نمی‌تواند به موانع آن غفلت ورزد. از این‌رو، در این پژوهش، یکی از ارکان و عناصر الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موانع تعهدسازمانی است. در این پژوهش، مهم‌ترین مانع تعهدسازمانی در اندیشه مهدویت، «فقدان هدف» است. یکی از موضوعات مهم در اندیشه مهدویت، غایتمندی و

هدفمندی است. در واقع، یکی از عناصر فرجام‌شناسانه در ادیان، موعودباوری است. موعودباوری، نهایی برای حرکت جوامع ترسیم می‌کند و به انسان می‌آموزد که برای رسیدن به «جامعه آرمانی به محوریت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» همواره باید به اهداف بیندیشد و فعالیت‌های خود را به آن معطوف کند. اندیشیدن به غایت و نقطه مطلوب، حاکی از هدفمندی برنامه‌ها و فعالیت‌هاست. یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمام برنامه‌ها و تعاملات سازمانی، هدفی عظیم و غایتی متعالی دنبال می‌کنند. امام علی ع در اوصاف یاران حضرت می‌فرماید: «رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمُهْدَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ مردان مومنی که خدا را چنان که شایسته است، شناخته‌اند و آن‌ها یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ص ۲۲۹). شناخت خدا بر مبنای بصیرت، عالی‌ترین هدف است؛ به طوری که سایر اهداف در پرتو این هدف نمود و معنا پیدا می‌کنند. از این‌رو، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با معرفت و بصیرت کامل، اهداف مهدوی را تشخیص می‌دهند. چنانچه نسبت به اهداف مهدوی غفلت ورزند، نمی‌توانند به آرمان‌های مهدوی متعهد شوند. فقدان هدفمندی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، موجب تشتت و انحرافات گسترده در بین آن‌ها می‌شود. لازمه تعهد سازمانی، انسجام و همراهی همه آحاد یاران حضرت است. از این‌رو، فقدان هدفمندی در آنان، می‌تواند سطح مشارکت و همکاری‌های جمعی را برای تحقق اهداف، پایین آورد؛ زیرا هیچ اجماع و اتفاقی برای هدف در بین یاران وجود ندارد. بنابراین، عدم درک یاران حضرت از اهداف، زمینه اعوجاج و پراکندگی را بین آنان ایجاد می‌کند. به همین دلیل، فقدان هدفمندی می‌تواند به عنوان مانعی مهم در الگوی تعهد سازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب شود. وقتی یاران نسبت به اهداف هیچ درکی نداشته باشند، اعتقاد و میلی نیز برای ماندن در این مسیر در بین آنان وجود نخواهد داشت. بنابراین، در الگوی تعهد سازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به این مانع توجه داشت. مجموعه‌های یاران مهدوی وقتی برای همراهی اعتقاد و انگیزه‌ای نداشته باشند، دیگر تعهد سازمانی برای تحقق اهداف و آرمان‌های مهدویت شکل نمی‌گیرد.

۵. پیامدهای تعهدسازمانی

در صورتی که تمام ارکان و مؤلفه‌های الگوی «تعهدسازمانی» در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف



تحقق یابند؛ دارای پیامدهایی نیز می‌باشد. با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، پیامدهای الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، «پیروی» و «اتحاد» و «انسجام» را شامل می‌باشد.

۱-۵. پیروی

«پیروی» به معنای فرآیند رسیدن به اهداف از طریق نفوذپذیری از رهبر است، برای مشارکت در تلاش‌های فردی یا گروهی معطوف به اهداف سازمان در موقعیتی معین (ورتمن^۱، ۱۹۸۲: ص ۳۷۳). به همین دلیل، افرادی که در نقش پیروان مؤثر ظاهر می‌شوند، دارای تعهد سازمانی بالایی هستند. در الگوی تعهدسازمانی یاران مهدی، پیامد تعهدسازمانی، بر پیروی افراد مؤثر می‌باشد. هرچه میزان تعهد سازمانی یاران مهدی افزایش یابد، پیروی آن‌ها از برنامه‌ها و سیاست‌های سازمانی نیز افزایش می‌یابد. نتیجه تعهد سازمانی، پیروی افراد از فرمان‌های امام زمان عجّل الله تعالی فرجه الشریف و آرمان‌های ایشان است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هُم أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيْدِهَآ؛ مردانی که در میان امت، اطاعت پذیرترین و مطیع‌ترین آنان نسبت به مولای خود هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۰۷). یکی از مهم‌ترین کارکردها و پیامدهای تعهدسازمانی در یاران مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، پیروی و اطاعت‌پذیری آن‌ها از امام و مقتدایشان می‌باشد. در نتیجه یاران مهدوی با امام خود در برنامه‌ها همدل و هماهنگ خواهند بود.

۲-۵. اتحاد و انسجام

از دیگر پیامدهای الگوی تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، «اتحاد» و «انسجام» است. در روایتی از امام علی علیه السلام بیان شده است: «رابطه دوستی آن‌ها چنان مستحکم است که گویی برادران تنی و از یک پدر و مادرند»^۲ (قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۹۵). بدون اتحاد و همدلی، هیچ کاری به درستی انجام نمی‌شود. این اتحاد آن‌ها حتی در لباس و هماهنگی و یکدستی و نظم ساختار نظامی‌شان دیده می‌شود (ابن طاووس، ۱۳۸۱: ص ۱۴۸). نهضت مهدوی برای پیشبرد

1. Wortman

۲. «كَأَنَّمَا رَبَاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَأُمٌّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالتَّصِيحَةِ» (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۱۶۵).

اهدافش به اتحاد و انسجام جمعی نیازمند است؛ زیرا در پرتو چنین اتحاد و انسجامی است که مشارکت و همراهی افراد در سازمانی تقویت و شکل می‌گیرد. اهمیت آن به قدری فراوان است که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در خطبه‌ای به مردم چنین توصیه می‌کنند: «وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَأَقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ از اختلاف و تفرقه بپرهیزید و اگر عامل تفرقه یا تفرقه افکنی را دیدید، آن را به قتل برسانید، هر چند در زیر عمامه من باشد» (نهج البلاغه، خ ۱۲۷). این قید اخیر در کلام حضرت که می‌فرمایند: ولو فرد تفرقه انگیز در زیر عمامه من باشد؛ حکایت از اهمیت و نقش اتحاد و انسجام در آینده اسلام دارد. به عبارت دیگر، تحقق اهداف و برنامه‌های مهدوی، در گرو اتحاد و انسجام ملت‌های مسلمان است که دشمن با درک اهمیت این مسئله سیاست‌ها و راهبردهای خصمانه خود را به منظور ایجاد تفرقه و ممانعت از ایجاد اتحاد و انسجام ملت‌های مسلمان دنبال می‌کند. سازمان‌ها و گروه‌های شیعی که برای اندیشه مهدویت و حمایت از ظهور تلاش کنند، به اتحاد و انسجام درونی و ساختاری نیازمند هستند. در این زمینه الگوی تعهدسازمانی یاران امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَرَجَاهُ الشَّرِيف که در این پژوهش انجام شده است، می‌تواند بر تحقق اتحاد و انسجام نقش آفرین باشد؛ لذا به عنوان یکی از پیامدهای این الگو در نظر گرفته شد.

نتیجه‌گیری

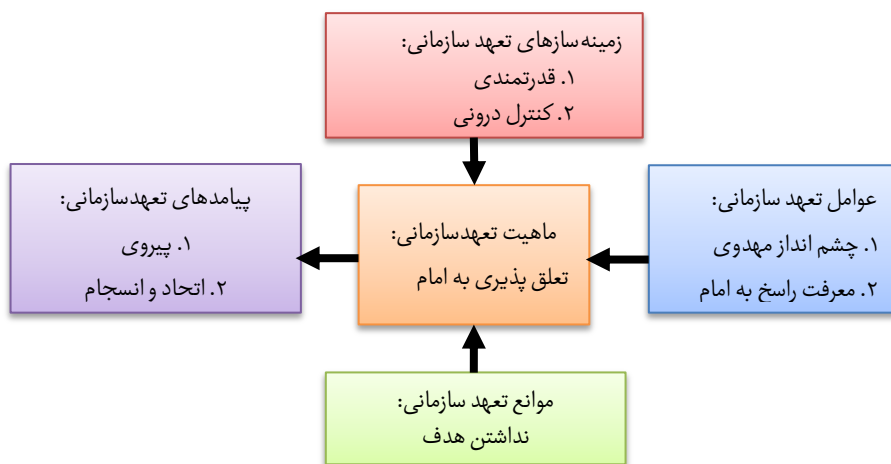
در این پژوهش، با بررسی آموزه‌های مرتبط با اندیشه مهدویت، تلاش شد الگوی «تعهد سازمانی» در یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَرَجَاهُ الشَّرِيف مورد تبیین و بررسی قرار گیرد. تعهد سازمانی موجب وابستگی عاطفی و تعصب به ارزش‌ها و اهداف سازمان در یاران مهدی می‌شود. اگرچه در زمینه تعهدسازمانی پژوهش‌هایی با رویکرد اسلامی انجام شده است؛ تعهد سازمانی در مطالعات انجام شده، بیش‌تر به وابستگی عاطفی ناظر است و تمرکز آن بر ارتباط عاطفی افراد با سازمان و اهداف آن است. حتی در برخی از مطالعات انجام شده، تعهد سازمانی در اسلام را در قالب تعهد عاطفی یا هنجاری و یا مستمر مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به عنوان مثال، برخی از پژوهش‌ها، راهکارهای افزایش تعهد عاطفی در سازمان از دیدگاه اسلام را شاخص‌های ذیل برمی‌شمارند. نگاه مثبت و محبت‌آمیز به یکدیگر، ابراز و بیان مهر و محبت، رعایت انصاف، چشم‌پوشی و مدارا، عفو و گذشت، حسن خلق، حسن ظن، نرمی در گفتار، احسان به دیگران، ایجاد رابطه



عاطفی، شفافیت در امور، انتصابات مقبولانه، رعایت مساوات و برابری و سعه صدر. اگر چه نتایج این پژوهش در جای خود حائز اهمیت است؛ در واقع، این پژوهش، راهکارهای تعهدسازمانی را در قالب انواع تعهدسازمانی موجود در مطالعات این حوزه مورد بررسی قرار داده است (زارع، ۱۳۹۲). در حالی که آنچه در این پژوهش انجام شد، ارائه الگویی جدید و مبتنی بر اندیشه‌های مهدویت از تعهد سازمانی است. در این الگو حتی تعهد سازمانی صرفاً به معنای ارتباط عاطفی بین افراد با سازمان و اهداف سازمانی نیست، بلکه تعهد سازمانی را نوعی حس تعلق پذیری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کند. به همین دلیل، وقتی سخن از راهکارهای افزایش تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت به میان می‌آید، باید به دنبال آن دسته از راهکارهایی بود که حس تعلق پذیری افراد را به امام گسترش و ارتقا می‌دهد. برخی از مطالعات انجام شده در حوزه تعهد سازمانی با رویکرد اسلامی، فقط به معرفی عوامل ساختاری و رفتاری تعهد سازمانی در اسلام می‌پردازد (حیدری، ۱۳۸۹). برخلاف پژوهش مذکور، در الگوی ارائه شده در این پژوهش، تمام اقتضائات و موانع و پیامدهای تعهدسازمانی مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌اند. در واقع وجه تمایز این پژوهش با سایر مطالعات انجام شده، این است که این پژوهش با رویکرد استقرایی و داده بنیاد، اطلاعات را از منابع اسلامی مرتبط با مهدویت احصا و الگویی بومی و مبتنی بر اندیشه‌های مهدویت برای تعهد سازمانی ارائه کرده است. تصویر شماره (۱) الگوی تعهدسازمانی در یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می‌دهد.

در این الگو سعی شد هر آنچه بر تحقق تعهدسازمانی در یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیرگذار است، شناسایی شود و هر آنچه می‌تواند مانع این موضوع شود نیز در قالب یک مدل و الگوی چند وجهی ارائه گردد. به همین دلیل، این الگو دارای پنج مؤلفه است که هر یک بر تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقش قابل توجهی دارد. عوامل تعهدسازمانی گویای آن دسته از اقتضائاتی است که به طور مستقیم در تحقق تعهدسازمانی در یاران حضرت ایفای نقش می‌کنند. در این الگو، عواملی نیز وجود دارند که اگرچه به طور مستقیم در تحقق تعهدسازمانی نقش آفرین نیستند؛ به طور غیر مستقیم بر تعهدسازمانی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیرگذارند که از آن به «زمینه‌سازهای تعهدسازمانی» در یاران حضرت یاد می‌شود. به عبارت دیگر، این عوامل، ظرفیت‌های لازم را برای عوامل تعهدسازمانی در یاران حضرت فراهم می‌کنند. در الگوی ارائه شده،

موانع تعهدسازمانی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. و البته وجه تمایز الگوی ارائه شده با سایر مطالعات در حوزه تعهد سازمانی، مفهوم و ماهیت تعهدسازمانی در اندیشه مهدویت است. در اندیشه مهدویت، تعهدسازمانی به معنای ایجاد حس تعلق پذیری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با مبانی، اصول و ارزش‌های اسلامی نیز سازگار است. وقتی تعهد سازمانی در اندیشه مهدویت، بر حس تعلق پذیری مبتنی باشد، بالاترین همانند سازی و دل‌بستگی‌ها را همراه خواهد داشت. بنابراین، وقتی تعهدسازمانی در یاران، بر ایجاد حس تعلق به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی باشد، بالاترین روابط عاطفی و بیش‌ترین هنجارمندی را به دنبال خواهد داشت. الگوی ارائه شده در این پژوهش، این قابلیت را دارد که اگر سازمان مهدوی که با ارزش‌ها و تعالی فرهنگ مهدوی، همسو کار می‌کند، توان و فرصت ارائه پاداش مادی را نداشته باشد، همچنان تعهد سازمانی به قوت خود در سازمان‌های اسلامی وجود داشته باشد.



تصویر شماره ۱. الگوی تعهدسازمانی در یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیشنهاد‌های پژوهش:

- پژوهشگر پس از بررسی، مطالعه و تدوین الگوی تعهدسازمانی در یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ به مسائلی در این حوزه پی می‌برد که هر یک به پژوهشی مستقل نیازمند می‌باشد. از این رو، برخی از موضوعاتی که قابلیت پژوهش و بررسی دارند، در قالب پیشنهاد در ذیل ارائه می‌شوند:
۱. تحلیل ساختاری الگوی تعهدسازمانی در اندیشه مهدویت؛
 ۲. تبیین شاخص‌های تعهدسازمانی در اندیشه مهدویت؛
 ۳. بررسی تطبیقی تعهدسازمانی در عصر معصومان علیهم‌السلام با دوران معاصر.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *خصال*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲. _____ (۱۴۰۴ق). *عیون الاخبار الرضا*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۱). *الملاحم و الفتن*، محقق: محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیة.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). *المزار الکبیر*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. حائری، علی بن زین العابدین (۱۴۲۲ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجج الغائب*، بیروت، موسسه الاعلمی.
۶. دانائی فرد، حسن و اسلامی، آرزو (۱۳۹۰). *کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. رایبیز، استیفن پی (۱۳۷۸). *مبانی رفتار سازمانی*، مترجم: پارسائیان و اعرابی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۸. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، مترجم: صبحی صالح، قم، دار الهجره.
۹. صادقی فر، جعفر (۱۳۸۶). *ارزش فردی و تعهد سازمانی*، شیراز، انتشارات نوید.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۱. فرهنگیان، محمد (آذر ۱۳۸۱). «نیاز به احساس تعلق داشتن»، مجله پیوند، شماره ۲۷۸، ص ۴۸-۵۰.
۱۲. فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، مترجم: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۱۳. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*، قم، دارالکتاب.
۱۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق). *ینابیع الموده*، محقق: علی جمال اشرف الحسینی، قم، دار الأسوة للطباعة والنشر.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. گوردون، کریستوفر و ماندی، سایمون (۱۳۸۳). *دیدگاه های اروپایی سیاست فرهنگی*، مترجم: هادی غبرائی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. محمد پور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران، انتشارات جامعه شناسان.



۱۹. منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). *گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۲۰. مهرابی، امیر حمزه؛ خنیفر، حسین؛ امیری، علی نقی؛ زارعی متین، حسن و جندقی، غلامرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «*معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)*»، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره ۲۳، ص ۵-۳۰.
۲۱. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۱). *مکیال المکارم*، قم، ایران نگین.
۲۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه نعمانی*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

23. Charmaz, Kathy (2006). *Constructing Grounded Theory A Practical Guide Through Qualitative Analysis*, London, SAGE Publications.
24. Meyer , john p. Allen Natalie J (1990). " The measurement and antecedents of affective, continuance and normative commitment to the organization" *Journal of Occupational Psychology*.
25. Schermerhorn. John R (2004). *Core Concepts of Management*, USA, john Wiley.
26. Powell, R. (1999). "Recent trends in research: a methodological essay", *Library and Information Science Research*, Vol. 21 No. 1, pp. 91-119.
27. Wortman, M. (1982). Strategic management and changing leader-follower roles. *The Journal of Applied Behavioural Science*, 18(3), 371-383.



معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی الغیبه، منسوب به نعمانی

کازم استادی^۱

چکیده

در میان شیعیان امامیه، با وجود کتاب‌های متعددی از محمد بن ابراهیم نعمانی؛ بیش از همه، کتاب الغیبه، منسوب به وی مورد توجه بوده است. این کتاب در اوایل دوره غیبت کبرا و به درازا کشیده شدن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و اوج‌گیری آشفتگی فکری و تزلزل اعتقادی میان شیعیان، تألیف شده است. طبق گزارش فهرستگان نسخه‌های خطی ایران و نیز فهرست نسخه‌های خطی کتاب الغیبه، قدیمی‌ترین نسخه موجود کتاب الغیبه نعمانی، نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی است. این نسخه کهن، از دیگر نسخه‌های کنونی از الغیبه چهار قرن قدیمی‌تر است. بنابراین، لازم می‌نماید پژوهش‌ها و سؤالاتی در مورد آن مطرح شود؛ از جمله: ۱. مشخصات اصلی و فرعی کتابشناختی نسخه کهن چگونه است؟ ۲. فهرست مطالب و ابواب نسخه کهن چگونه هستند و آیا با نسخه‌های دیگر و نسخه چاپی الغیبه تفاوتی دارند؟ ۳. تبار نسخه کهن به چه بوم و جغرافیایی تعلق دارد؟ ۴. آیا میان نسخه کهن و نسخه‌های خطی متأخر الغیبه اختلاف نسخه‌ای فاحشی وجود دارد؟ در مقاله حاضر، ضمن وصف کتاب‌شناختی مفصل نسخه، مشخص شد که در ابواب کتاب و میان نسخه کهن الغیبه با نسخه‌های متأخر و چاپی آن تفاوت‌ها و اختلافات کوچک و بزرگی وجود دارند.

واژگان کلیدی: الغیبه نعمانی، غیبت کبرا، نسخه‌های خطی، مهدویت، ابن‌خاتون.

مقدمه

محمد بن ابراهیم بن جعفر نَعمانی، معروف به ابن ابی‌زینب، محدث شیعی قرن چهارم هجری است. گفته شده در روزگاری که محمد بن یعقوب در بغداد بوده، نعمانی نیز در آن شهر می‌زیسته است، و از محضر کلینی بهره برده و از شاگردان کلینی بوده است. حتی نعمانی بخش‌های فراوانی از کتاب کافی کلینی را نوشته؛ و برخی گفته‌اند ممکن است از این رو، به عنوان «کاتب» شهرت یافته باشد (ر.ک: تهرانی، ۱۴۰۸: ج ۱۶، ص ۷۹)؛ ولی طبق برخی از منابع شامی، نعمانی، مدتی وزیر دیوانی یا کاتب دولت شام در انطاکیه نیز بوده؛ و احتمالاً بر این اساس «کاتب»، خوانده شده است (به عنوان نمونه، ر.ک: عصمة الدولة، ۲۰۱۶: ص ۶۶۵).

افراد مختلفی در مورد نعمانی و جایگاه او سخن گفته‌اند؛ اما شاید نخستین کسی که، هر چند به اختصار، از نعمانی یاد کرده و موقعیت وی را باز گفته است، احمد نجاشی است؛ که حتی او را ستوده است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۸۳).

چند اثر به نعمانی، منسوب است: ۱. الرد علی الاسماعیلیة، ۲. الفرائض، ۳. نثر اللئالی، ۴. التسلی، ۵. الدلائل، ۶. المحکم و المتشابه، ۷. رساله فی اصناف القرآن، ۸. تفسیر نعمانی، ۹. کتاب الغیبه (ر.ک: همان و نعمانی، ۱۳۹۷: مقدمه).

کتاب‌های اول تا پنجم، اکنون در دسترس نیستند؛ و اطلاع درستی از مطالب و کمیت و کیفیت کتاب‌ها، موجود نیست. جدا از این، عناوین قرآنی ذکر شده در آثار نعمانی نیز، به نظر می‌رسد که یگانه و یکی هستند؛ همانند تفسیر نعمانی، که انتسابی نادرست به نعمانی است (ر.ک: استادی، ۱۳۶۹: سراسرمتن)؛ به این معنا که، دلایلی قوی بر رد این انتساب، وجود دارد (به عنوان نمونه ر.ک: شبیری ۱۳۸۵: ص ۱۸)؛ و همچنین با عنوان «رساله المحکم و المتشابه» از قرن دهم با نام سید مرتضی، به چاپ رسیده است (ر.ک: علم‌الهدی، ۱۳۸۹: سراسرمتن)؛ و حتی برخی، این عناوین کتاب‌ها را، از سید مرتضی و از نعمانی نمی‌دانند (ر.ک: موسوی، ۱۳۶۸: ص ۲۸).

در میان قدمای امامیه، با این که کتاب‌های متعددی برای نعمانی برشمرده‌اند؛ بیش از همه، کتاب الغیبه منسوب به وی، مورد توجه ایشان بوده است (به عنوان نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۲۷). بنابراین، مشهورترین و در دسترس‌ترین اثر نعمانی، «کتاب الغیبه» اوست؛ که در اوایل



دوره غیبت کبرا و با به درازا کشیده شدن غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه، و نیز به دلیل رواج آشفستگی فکری و تزلزل اعتقادی میان شیعیان، توسط نعمانی تألیف و برای رفع این مشکل، ارائه شده است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۹).

نعمانی در این کتاب، به تبیین امر امامت و راز غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الیه، پرداخته است. طبق برخی قرائن، کتاب الغیبه ظاهراً قبل از سال ۳۴۲ هجری توسط نعمانی تألیف شده؛ و اکنون، در برخی از نسخه‌های موجود آن حدود ۲۶ باب و ۴۴۵ حدیث وجود دارد. طبق شواهد تاریخی و اسناد ابتدایی کتاب الغیبه، نقل کننده این کتاب از نعمانی، ابوالحسین محمد بن علی شجاعی، بجلی یا بر اساس احتمالات دیگر، محمد بن علی جلی است (اکبری، ۱۳۹۸: ص ۱۲۳)؛ که این راوی، تنها راوی یا اتصال کنونی ما به کتاب غیبت نعمانی است.

بیان مسئله

طبق گزارش فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۱: ج ۲۳، ص ۴۷۷) و نیز فهرست نسخه‌های خطی کتاب الغیبه (ر.ک: استادی، ۱۴۰۱: سراسرمتن)؛ قدیمی‌ترین نسخه موجود کتاب الغیبه منسوب به نعمانی، نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس رضوی است. این نسخه با شماره مسلسل قدیمی ۲۲۸۸ و نیز شماره ۱۸۷ از کتاب‌های اخبار، و همچنین، کد دستیابی جدید ۱۷۵۴، قابل پی‌جویی و ملاحظه است.

این نسخه کهن (۵۷۷ق)، از دیگر نسخه‌هایی عتیقه موجود از الغیبه نعمانی (همانند نسخه ۳۶۱۷ ملک، با تاریخ ۱۰۷۷ق) چهار قرن قدیمی‌تر می‌باشد؛ و بررسی این نسخه، بسیار مهم و قابل توجه است. بنابراین، لازم است پژوهش‌ها و سؤالاتی در مورد آن مطرح شود؛ از جمله: ۱. مشخصات اصلی و فرعی کتابشناختی نسخ کهن چگونه است؟ ۲. فهرست مطالب و ابواب نسخه کهن چگونه هستند و آیا با نسخه‌های دیگر و نسخه چاپی الغیبه تفاوتی دارند؟ ۳. تبار نسخه کهن به چه بوم و جغرافیایی تعلق دارد؟ ۴. آیا میان نسخه کهن و نسخه‌های خطی متأخر الغیبه اختلاف نسخه‌ای فاحشی وجود دارد؟



پیشینه

در مورد نعمانی و کتاب الغیبه و احادیث آن، جدا از مقدمه چاپ الغیبه، مقالات و آثار مختلفی نوشته شده‌اند؛ به عنوان نمونه: «روایات سلیم بن قیس در الغیبه نعمانی و بررسی وضعیت استثنای آن در میان روایات دیگر»، اعتبارسنجی حدیث، (استادی، ۱۴۰۰: مخطوط، کتابخانه دارالحدیث)؛ «تحلیلی از گزارش‌های تازه‌یاب شامی در مورد کاتب نعمانی» (اکبری، ۱۳۹۸: ص ۱۰۹-۱۳۷)؛ «نعمانی و مصادر غیبت (۱-۱۰)»، (شبییری زنجانی، ۱۳۸۰-۱۳۸۵: مجله انتظار موعود شماره، ۲، ۳، ۵-۱۲، ۱۵)؛ «تحلیل تطبیقی تفاوت گزارش غیبت نزد نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی»، پژوهش‌های مهدوی، (شریفی، ۱۳۹۷: ص ۵-۲۶)؛ «نگاهی به کتاب غیبت نعمانی»، (طبسی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۱-۲۰۵)؛ «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب الغیبه نعمانی»، علوم حدیث، (مختاری و قاضی‌زاده، ۱۳۸۶: ص ۱۹۳-۲۱۹) و «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی»، مجله شیعه پژوهی، (معرفت و غفوری نژاد، ۱۳۹۷: ص ۵-۲۶).
در یک مقاله، از سری مقالات محمد جواد شبیری، مطالبی در زمینه نسخه خطی کهن آستان قدس رضوی وجود دارد؛ اما تا کنون پژوهشی مستقل در مورد نسخه عتیقه الغیبه و بررسی آن، صورت نگرفته است. بنابراین، نوشته حاضر، اولین مقاله در این زمینه است.

۱. مشخصات اصلی کتابشناختی

منظور از مشخصات اصلی، اطلاعاتی است که معمولاً در فهرست نویسی نسخه‌های خطی به آن‌ها پرداخته می‌شود، که از این قرارند:

۱-۱. عنوان نسخه و مؤلف آن

در صفحه اول نسخه، با خط درشت آمده است: «کتاب الغیبه تصنیف ابی عبدالله محمد بن ابراهیم النعمانی رحمه الله». این نوشته عنوان، قدیمی است، ولی ظاهراً خط و جوهر آن با متن اصلی نسخه متفاوت می‌باشد. شاید این عنوان بعداً در نسخه ثبت شده باشد (مخصوصاً که دو برگ از کراسه اول اصلی نسخه، موجود نیست)؛ به این معنا که ممکن است اصل نسخه، اساساً بدون عنوان بوده است.



از مقدمه و متن کتاب نیز بر می آید، مؤلف به نام و عنوان کتاب و نیز هویت نویسنده تصریح نکرده است؛ هر چند که در مقدمه نوشته است: «... و قد جمعت فی هذا الكتاب ما وفق الله جمعه من الأحادیث التي رواها الشيوخ عن أمير المؤمنين و الأئمة الصادقين عليهم السلام في الغيبة و غيرها...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۹).

همچنین، در صفحه عنوان این نسخه ذکر شده است: «تصنيف ابی عبدالله محمد بن ابراهيم النعمانی» و در ادامه آن نیز آمده است: «صنفه فی ذی الحجة من سنة اثنین و اربعین و ثلثمائة»؛ ولی با توجه به اسناد ابتدایی کتاب الغيبة در نسخه های خطی دیگر (همان: ص ۱۸)؛ به نظر می رسد که این تاریخ ذکر شده، تاریخ «حدثنا» باشد، و نه الزاماً تاریخ تألیف کتاب (ر.ک: استادی، ۱۴۰۱: ث، سراسرمتن)؛ چرا که این نوشته تاریخ ابتدای نسخه، نونویس است و توسط کاتب اصلی نسخه نگارش نیافته است؛ و از سوی دیگر، فعلاً، تاریخ دقیق تألیف الغيبة نیز روشن نیست. جدا از این نکته، حتی ممکن است اساساً این کتاب الغيبة موجود، تألیف شخص نعمانی نباشد؛ و یا این که، فقط توسط وی کتابت و اخبار شده باشد (ر.ک: استادی، ۱۴۰۱: ج، ص ۲).

۲-۱. کاتب و محل کتابت

چون انجامه نسخه در ترمیم قدیمی نسخه، پنهان یا از بین رفته است؛ معلوم نیست که در نسخه، نام کاتب وجود داشته است یا خیر. در هر صورت، کاتب، خطاط متوسطی است. از صحت کتابت نیز بر می آید خطاط نسخه، فرد باسوادی بوده؛ یا این که نسخه اصل در اختیار وی، بسیار خوانا و بی غلط بوده است.

به همان دلیل قبل، یعنی ترمیم نسخه، محل کتابت نسخه نیز مشخص نیست؛ ولی به قرینه خاستگاه تألیف نسخه و نیز واقف نسخه، احتمالاً نسخه در منطقه شام و حلب کتابت شده است.

۳-۱. تاریخ کتابت نسخه

چون نسخه افتادگی دارد و بخشی از افتادگی ها نونویس شده اند؛ لازم است کتابت نسخه، از دو منظر مورد توجه قرار گیرند:



۱-۳-۱. تاریخ کتابت اصل نسخه

انجامه نسخه، زیر ترمیم نسخه پنهان شده است؛ و تنها نیمه نوشته تاریخ انجامه با عبارت «سنة سبع و سبعین و خمسائة» هویدا است. همین تاریخ، توسط شخصی در حاشیه همان قسمت نسخه (بالای بریدگی ترمیم)، با عدد و البته خط مجزا، به این صورت: «سنة ۵۷۷ تاریخ کتابته»، ثبت و نونویس شده است.

بنابراین، ظاهراً تاریخ کتابت نسخه ۵۷۷ هجری است؛ ولی اگر این تاریخ مورد مناقشه قرار گیرد، از منظری دیگر، می‌توان نسخه را تاریخ‌گذاری کرد. به عنوان نمونه، یادداشتی در ابتدای نسخه به تاریخ ۷۲۰ هجری با عنوان «قرأه و تصفحاً و استفاد منه» وجود دارد، که گویای آن است که نسخه، به قبل از این تاریخ تعلق دارد. جدا از آن، بر اساس شواهد ریخت‌شناسی حروف، نوع صفحه و اندازه اوراق و کراسه‌بندی ده برگی نسخه؛ گویای آن است که تاریخ ۵۷۷ هجری صحیح است، و یا حداقل در همان حوالی قرن ششم و هفتم، نسخه کتابت شده است.

۱-۳-۲. تاریخ کتابت بخش افتادگی میانی نسخه

کراسه ثامن از وسط نسخه (صفحه ۱۴۶ تا ۱۵۷ فایل عکس نسخه) با ۶ برگ جدید و غیر همسان و نیز خط متفاوت، نونویس و جایگزین شده است. این بخش نونویس، بدون تاریخ کتابت است؛ اما از قراینی می‌توان تاریخی برای آن معین کرد. درست است که این کراسه نسخه کهن، ترمیم شده است؛ خود این قسمت ترمیمی نسخه نیز، قدیمی است؛ و از دو نظر می‌توان تاریخی برای آن مطرح کرد:

الف) در بخش‌هایی از نسخه، یادداشت‌های تاریخ‌داری وجود دارند که نوشته آن‌ها بر روی کاغذ ترمیمی ثبت شده است. قدیمی‌ترین یادداشت تاریخ‌دار که بر کاغذ ترمیمی نسخه شکل گرفته، ۱۱۹۶ هجری است. جدا از این، یک یادداشت بدون تاریخ بر روی کاغذ ترمیمی در صفحه عنوان نسخه از واقف نسخه، و نیز مهر بزرگی از واقف که بر روی کاغذ ترمیمی صفحه آخر وجود دارد. بر اساس اطلاعات وقف این نسخه، وقف در تاریخ ۱۰۶۷ هجری صورت گرفته است (ر.ک: شاکری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۹۱-۹۳). بنابراین، اگر تمامی ترمیم نسخه، در یک زمان انجام شده باشد، که ظاهراً این گونه است، با توجه به تاریخ معلوم این یادداشت وقف، می‌توان



گفت که تاریخ ترمیم این بخش نسخه نیز، ماقبل از این تاریخ بوده است؛ و به همین قاعده، تاریخ نونویس شدن بخش افتاده کراسه هشتم نیز، ماقبل از این تاریخ است. نتیجه این که تاریخ کتابت بخش نونویس نسخه، میان تاریخ ۵۷۷ یا ۷۲۰ تا ۱۰۶۷ هجری می‌باشد.

ب) جدا از آنچه گفته شد، این چند برگ نونویس کراسه هشتم، خود نوشته‌ای قدیمی است، و با توجه به نوع کاغذ و خط آن، می‌توان تاریخ کتابت آن را حدود قرن نهم هجری دانست (که به‌زودی در مورد این برگ‌ها از چند جنبه سخن خواهیم گفت).

۱-۴. آغاز، انجام و انجامه

وضعیت نسخه در ابتدا و انتهای آن عبارتند از:

۱-۴-۱. آغاز نسخه

غالباً برای نسخه‌های خطی، یک آغاز و انجام ذکر می‌شود؛ ولی برای دقت بیشتر، لازم است آغاز خطوط متفرقه یک نسخه در ابتدای آن، با آغاز متن اصلی کتاب، تفکیک گردند تا شناسایی نسخه و همچنین بررسی متن کتاب آسان‌تر گردد:

الف) آغاز (صفحات نسخه)

دو برگ اول کراسه اول، در نسخه نیست، یعنی کراسه اول، به جای ده برگ، هشت برگ است؛ که احتمالاً عطف نسخه و صفحات سفید نسخه بوده‌اند.

آغاز صفحات نسخه، صفحه‌ای پر از یادداشت و نوشته است. خط اول بالای صفحه، مصرع‌هایی از شعری منسوب به عمرو عاص یا ابن الفارض (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۷۹ و عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص ۲۵۹ و ۳۱۰)؛ به صورت ناقص آمده؛ که کاملاً خوانا نیست؛ بخشی از آن چنین است: «... وَهُمْ حُجِّجُ الْإِلَهِ عَلَى الْبَرَايَا وَبَابُ اللَّهِ وَأَنْقَطِعَ الْخِطَابُ»؛ که کلمه الْخِطَابُ زیر ترمیم، پنهان است.

کمی پایین‌تر، عنوان کتاب در وسط صفحه مایل به بالا، با خط درشت نوشته شده است: «کتاب الغیبه تصنیف ابی عبدالله محمد بن ابراهیم النعمانی رحمه الله صنفه فی ذی الحجة من سنه اثنین و اربعین و ثلثمائة».



(ب) آغاز (شروع متن اصلی کتاب)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْهَادِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ الْمُسْتَحَقَّ الشُّكْرِ
من عباده بإخراجه إياهم من العدم إلى الوجود و تصويره إياهم في أحسن الصور و إسباغه عليهم
النعم ظاهراً وَ باطناً لا يحصيها ...»

۱-۴-۲. انجام نسخه

پایان نسخه نیز، در دو بخش قابل وصف و توضیح است:

(الف) انجام متن اصلی

«... و مستحقه من الشكر و نسأله أن يصلى على محمد و آله المنتجبين الأخيار الطاهرين و أن
يثبتنا بالقَوْل الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ و يزيدنا هدى و علماً و بصيرة و فهماً و لا يزيغ قلوبنا
بعد إذ هدانا و أن يهب لنا من لدنه رحمة إنه كريم و هاب.»

(ب) انجامه

«تم الكتاب و الحمد لله و صلواته على سيدنا محمد النبي و آله الطاهرين و سلم تسليمًا ...»
ادامه انجامه در زیر ترمیم قدیمی نسخه، پنهان شده است. تنها نیمه نوشته تاریخ انجامه،
کمی هویدا است؛ که پیش تر، توضیحات آن ذکر شد.

۱-۵. مشخصات ظاهری

خط: نسخ (خطا از نظر هنری متوسط است). کاغذ: چنایی. جلد: تیماج. قطع: وزیری، ۳۸۳
صفحه. تعداد سطر: ۱۵ (صفحات در قسمت نو نویسی اضافه شده بر نسخه، ۲۱ سطر هستند).
اندازه سطرها، در برخی خطوط و صفحات، نامنظم و از خط فرضی طول صفحه، فراتر رفته
است.

ابواب کتاب، با خط درشت و وسط چین، نوشته شده اند.

کراسه های نسخه، شماره گذاری حروفی دارند.

در برخی صفحات، خط کوچک قرمز رنگ، بر روی شکم کلمات «اخبِرنا» کشیده شده است؛
ظاهراً از خطا اصلی نباشد.



در بیش‌تر موارد، احادیث با کلمه «اخبِرنا» از ابتدای سطر آغاز شده‌اند. در بیش‌تر موارد، کلمات اعراب‌گذاری شده‌اند. در دو صفحه، علامت خاص دایره و نقطه درون آن وجود دارد؛ صفحات: ۲۸۸، ۳۱۷ و ۳۱۸ فایل عکسی. در صفحات اولیه و انتهایی نسخه، یادداشت‌ها و مهرهای پیوست آن درج شده‌اند. همچنین، در برخی از صفحات داخلی، مهر بدون یادداشت وجود دارد (همانند ص ۳۶۲ فایل عکسی).

۲. مشخصات کتابشناختی فرعی

جدا از مشخصات اصلی کتابشناسی که در غالب فهرست‌ها قابل مشاهده‌اند، برخی از مشخصات کتابشناختی فرعی نیز که از جهاتی بسیار مهم هستند، عبارتند از:

۲-۲-۱. وضعیت حاشیه‌نویسی متن

نسخه کهن الغیبه، بسیار کم غلط است؛ اما در موارد اندکی حاشیه‌نویسی دارد. برخی از این حاشیه‌نویسی‌ها توسط خطاط اصلی صورت گرفته است، که شامل بعضی تصحیح‌ها و جافتادگی‌ها است؛ همانند صفحات ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۲، ۲۲۸، ۲۵۰، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۳۲، ۳۶۷ و ۳۷۱ (فایل عکسی). برخی نیز، توسط یک خط خوش‌عتیقه کم‌رنگ، انجام شده است؛ همانند صفحات: ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۷، ۴۶، ۴۷، ۶۰، ۷۸، ۸۵، ۸۷، ۹۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۵۸، ۲۸۹، ۳۰۶ و ۳۴۳.

همچنین، حاشیه‌های کمی نیز توسط همان قلمی که بعضی از حروف و سطرها را در برخی صفحات پررنگ و خوانا کرده است (ظاهراً این‌ها ابوعلی بغدادی است)، در برخی از صفحات، حاشیه‌های تصحیحی یا افتادگی‌ها را جبران کرده است؛ به عنوان نمونه، صفحات ۱۱، ۴۹، ۶۱، ۸۶، ۱۲۵ و ۲۳۸ فایل عکس نسخه.

اندکی از حواشی نیز متفرقه هستند، مانند صفحات ۵۰ (دو خط یادداشت با قلم متفاوت از یادداشت‌های دیگر در بالای صفحه وجود داشته، که در برش نسخه از بین رفته و تنها چند



کلمه آن باقی مانده است: «... يعلم الله عنکم»، ۵۶، ۸۴، ۱۱۵، ۲۳۹ و ۳۰۵ فایل عکسی.

۲-۲. افتادگی‌های فیزیکی و نقصان نسخه

افتادگی‌های نسخه‌های خطی، شامل دو نوع افتادگی را شامل می‌شوند: افتادگی فیزیکی، یعنی افتادگی صفحات نسخه بعد از کتابت نسخه؛ و نیز افتادگی‌های نگارشی یعنی افتادگی‌هایی که در هنگام کتابت یا انتقال متن نسخه در نسخه دیگر، رخ می‌دهند. در این جا، فعلاً فقط به افتادگی‌های فیزیکی نسخه می‌پردازیم:

برگ‌های این نسخه کهن، کراسه‌های ده برگ (۲۰ صفحه‌ای) هستند، و نسخه شامل ۲۱ کراسه و در مجموع ۴۱۰ صفحه بوده است؛ که توسط خود خطاط اصلی متن نسخه، در ابتدای هر کراسه، شماره‌گذاری شده‌اند؛ و عبارتند از: ثانی (ص ۲۶ نسخه عکسی کتابخانه آستان قدس رضوی)، ثالث (ص ۴۶)، رابع (ص ۶۶)، خامس (ص ۸۶)، سادس (ص ۱۰۶)، سابع (ص ۱۲۶)، ندارد، تاسع (ص ۱۵۸)، عاشر (ص ۱۷۸)، حادی عشر (ص ۱۹۸)، ثانی عشر (ص ۲۱۸)، ثالث عشر (ص ۲۳۸)، رابع عشر (ص ۲۵۸)، خامس عشر (ص ۲۷۸)، سادس عشر (ص ۲۹۸)، سابع عشر (ص ۳۱۸)، ثامن عشر (ص ۳۳۸)، تاسع عشر (ص ۳۵۸)، ندارد و حادی عشرین (ص ۳۷۸). در برگ‌های نسخه کنونی، نسبت به اصل برگ‌های نسخه کتاب خطاط، این برگ‌ها کم هستند:

- از کراسه اول ۲ برگ (۴ صفحه) کم دارد؛ که احتمالاً یا برگ‌های سفید ابتدایی نسخه بوده‌اند، و یا عنوان و توضیحاتی در مورد نسخه. به عبارت دیگر، متن کتاب در نسخه کنونی، از برگ سوم (صفحه ۵) آغاز شده است.

- از کراسه ده برگ آخر نسخه، ۶ برگ (۱۲ صفحه) کم دارد؛ که احتمالاً برگ‌های سفید انتهایی نسخه بوده‌اند.

دو کراسه ثامن و عشرین، هم از وسط نسخه کنونی افتاده‌اند. کراسه ثامن با ۶ برگ جدید و غیرهمسان و نیز خط متفاوت، نونویس شده است؛ اما کراسه عشرین، هم‌اکنون نیز ناقص است؛ یعنی مفقودی و ناقصی آن توسط ترمیم‌کننده اولیه نسخه، شناسایی نشده و این ناقصی نسخه، نونویس نگشته است. البته بعدها، برای مخفی کردن ناقصی این کراسه در نسخه،



شماره کراسه الحادی و العشرين، توسط مالکان بعدی یا مشابه آن، به «عشرین» تبدیل شده؛ که با دقت در این شماره نسخه، دستکاری شدن آن قابل مشاهده است.

بنابراین، افتادگی‌های فیزیکی اصلی متن داخلی نسخه خطی کهن، شامل دو نوع افتادگی هستند:

۲-۱. افتادگی نونویس شده

کراسه ثامن نسخه کهن، از بعد عبارت «و أَخْبَرَنَا سَلَامَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ زَائِدَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ» (برگ ۶۹، ص ۱۴۵ عکس نسخه)؛ تا پیش از عبارت «[أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدِّينَوْرِيُّ]» قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِيرَةُ بِنْتُ أُوسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي جَدِّي الْحُصَيْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَمْرٍو بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَقُومُ الْقِيَامَةُ حَتَّى ... افتاده است (یعنی از صفحه ۱۴۶ تا ۱۵۷ فایل عکس نسخه)؛ و به صورت نونویس با خط و کاغذ مجزا در ۶ برگ (دوازده صفحه) به نسخه افزوده شده است. به عبارت دیگر، از صفحه ۱۳۴ تا صفحه ۱۴۷ چاپ غفاری، در نسخه کهن، نونویس و جدید است.

این چند برگ نونویس، با خط متفاوت، غیر هنری و معمول، همراه با کاغذ روشن‌تر از کاغذ نسخه اصلی، و به صورت دو رنگ کار شده است؛ یعنی عناوین باب‌ها به رنگ قرمز و متن باب، با خط مشکی نوشته شده‌اند.

در واقع، این برگ‌های افزوده شده، به نظر می‌رسد که بخشی از نسخه خطی دیگری بوده است که از آن نسخه، کنده شده تا به وسیله آن، نسخه کهن تکمیل گردد. نشانه‌های این که برگ‌های اضافه شده، نسخه خطی مستقلی از کتاب الغیبه بوده، این است که ۱. اگر بخش اضافه شده، به عنوان ناقصی نسخه کهن، نوشته می‌شد؛ ابتدا و انتهای نوشته جدید، با نسخه کهن هماهنگ نگارش می‌شد؛ در صورتی که در صفحه اول نونویس، خطی اضافه بوده که خط خورده، و در صفحه آخر بخش نونویس نسخه نیز، یک صفحه اضافه می‌باشد، که خط کشیده شده است تا با متن نسخه کهن، هماهنگ گردد؛ ۲. برگ‌های اضافه شده، با خطوط دو رنگ



است؛ در صورتی که اگر تحریر جدید به منظور همسانی با نسخه کهن، نگارش شده بود، لازم بود که خط یک رنگ و هماهنگ با نسخه کهن نگارش گردد؛ ۳. تعداد سطور بخش اضافه شده نیز، که با نسخه کهن متفاوت است، گویای این مطلب است که بخش جدید و افزوده شده، با نسخه کهن هماهنگ نگارش نیافته است؛ ۴. تعداد برگ‌های بخش افزوده شده نیز، شش برگ و با کراسه ده برگی نسخه کهن ناهماهنگ است؛ در صورتی که اگر ترمیم کننده قصد نگارش و تکمیل نسخه به منظور ترمیم نسخه کهن را داشت، لازم بود که یک کراسه، هماهنگ با کراسه‌های نسخه کهن، بر نسخه اضافه کند؛ ۵. اندازه برگ‌ها نیز همسان با نسخه کهن نیست و برای ترمیم نسخه ساخته نشده؛ بلکه برگ‌ها با اضافاتی در کناره کاغذ، هم‌اندازه نسخه کهن گشته‌اند.

۲-۲-۲. افتادگی نامشخص و اصلاح نشده

جدا از افتادگی‌های نسخه که توسط برخی اشخاص، نونویس و ترمیم شده است؛ برخی افتادگی‌های دیگری در کراسه‌های نسخه خطی همانند کراسه بیستم، وجود دارند که از دید، شخص ترمیم کننده دور مانده‌اند؛ به عنوان نمونه برگ ۱۸۴ نسخه کهن، متن صفحه (۳۷۷ عکس نسخه) به سند ناقص زیر خاتمه یافته است: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنٍ» (به شماره صفحه چاپ غفاری، صفحه ۳۱۶ است)؛ و آغاز برگ ۱۸۵ نسخه کهن متن صفحه (۳۷۸ عکس نسخه). متن ناقص، این گونه ادامه یافته است: «أَنَّ نَسْخَةَ مَنْ أَبِي الْمَرْجِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْغَمَرِ التَّغْلَبِيِّ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ حَدَّثَهُ بِهَ الْمَعْرُوفِ بِأَبِي سَهْلِ يَرْوِيهِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ وَرَاقِ بْنِدَارِ الْقَمِيِّ عَنْ بِنْدَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَنَّ أَبَا الْمَرْجِيِّ ذَكَرَ أَنَّهُ عَرَضَ هَذَا الْحَدِيثَ عَلَى بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ إِنَّهُ حَدَّثَهُ بِهَ الْحَسَنِ بْنِ الْمَنْذَرِ بِإِسْنَادٍ لَهُ عَنْ زُرَّارَةَ وَ زَادَ فِيهِ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ اللَّهُ لِيُظْهِرَنَّ عَلَيْكُمْ صَاحِبَكُمْ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ وَ قَالَ فَلَا يُظْهِرَنَّ صَاحِبَكُمْ حَتَّى يَشْكَ فِيهِ أَهْلُ الْيَقِينِ؛ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» (به شماره صفحه چاپ غفاری، صفحه ۳۲۸ است).

طبق شواهد نقصان متنی و شواهد فیزیکی که قبلاً بیان شد؛ یک کراسه در این میان افتاده است. این افتادگی برگ‌های نسخه، طبق فهرست مؤلف در مقدمه مؤلف، شامل این سه باب



می‌گردد:

«باب ما جاء في ذكر أحوال الشيعة عند خروج القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و قبله و بعده»؛
«باب ما روى أن القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف يستأنف دعاء جديدا و أن الإسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ»؛

«باب في ذكر إسماعيل بن أبي عبدالله عليه السلام و الدلالة على أخيه موسى بن جعفر عليه السلام».
اما با توجه به برخی نسخه‌های خطی متأخر و نیز چاپ غفاری، این باب نیز در میان افتادگی‌ها است:

«باب ما جاء في ذكر سن الإمام القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و ما جاءت به الرواية حين يفضى إليه أمر الإمامة».
بنابراین، اگر باب سن امام از اضافات کتاب الغيبة نباشد، طبق فهرست و صفحات چاپ غفاری، باب ۲۱ تا یک حدیث مانده به باب ۲۴ (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۱۷ - ۳۲۸)؛ از نسخه کهن، یک کراسه ده برگ، پاره و افتادگی پیدا کرده است.

۲-۳. جمع بندی افتادگی‌های فیزیکی نسخه کهن

از بیست و یک کراسه بیست صفحه‌ای نسخه اصلی، دو کراسه، یعنی چهل صفحه، افتادگی در میان متن وجود دارد. جدا از آن، دو برگ از کراسه اول و شش برگ از کراسه ۲۱، در برگ‌های نسخه اصلی وجود ندارند؛ که عنوان صفحات ابتدای کتاب و صفحات احتمالاً سفید آخر کتاب را شامل می‌گردند. به عبارت ساده، اصل نسخه کهن الغيبة، شامل حدود ۳۹۸ صفحه یا ۱۹۹ برگ بوده است؛ که از آن مقدار، ۴۴ صفحه آن، اکنون در دسترس نیست و مفقود است.

۲-۳. وضعیت ترمیم

با توجه به وضعیت نسخه و تفاوت‌های بخش‌های ترمیمی، به نظر می‌رسد که دو یا سه ترمیم بر روی نسخه انجام شده است. البته حداقل دو ترمیم آن، قدیمی هستند: یک ترمیم در زمان رفع افتادگی کراسه هشتم، و یک ترمیم نیز، قبل از وقف نسخه به آستان قدس رضوی، یعنی سال ۱۰۶۷ هجری. همچنین ترمیم مختصری در اندک کناره‌های صفحات اول و آخر وجود دارد؛ که چون نوشته واقف زیر این ترمیم واقع شده؛ به این معناست که این ترمیم کناره‌ها، پس از سال ۱۰۶۷ هجری انجام شده است (ر.ک: صفحه عنوان و یادداشت‌های ابتدای نسخه



کتاب). در هر صورت، وضعیت ترمیم را در چند دسته می‌توان وصف کرد:

۲-۳-۱. ترمیم فیزیکی کاغذ صفحات

در کراسه (فرم) اول و آخر نسخه، کناره صفحات ترمیم شده‌اند؛ به عنوان نمونه (ر.ک: صفحات، طبق فایل عکسی: ۹ الی ۲۵، ۳۷۴ الی ۳۸۳).

در میان صفحات نسخه نیز، ترمیم‌های نقطه‌ای و بخشی انجام شده است؛ که برخی از آن‌ها در این صفحات قابل مشاهده هستند: ۹، ۴۷، ۶۴، ۲۸۰-۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۱۶، ۳۱۷ و ۳۷۹.

برخی از موارد ترمیم کناره‌ها و نیز ترمیم نقطه‌ای نسخه، باعث پنهان شدن قسمت‌هایی از نوشته متن اصلی کتاب شده است. همچنین، یک مورد پارگی صفحه مشاهده شد که در زمان چسباندن، قسمت‌هایی از متن بر اثر ناواردی شخص، از بین رفته و محو شده است (ص ۴۶ فایل عکسی).

۲-۳-۲. ترمیم خطوط محو شده

نسخه الغیبه، کاملاً رطوبت خورده است. همچنین خطوط غالب صفحات کم رنگ و در برخی موارد کچلی نوشته شده‌اند. بیش‌تر موارد کم‌رنگی و کچلی خطوط، توسط شخصی ترمیم و روی کلمات دوباره نویسی شده‌اند. برخی از آن‌ها بنابر شماره صفحات عکس نسخه، عبارتند از: ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۱-۶۴، ۶۵-۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۶-۸۰، ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۹۳، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۲۸-۱۳۳.

با توجه به یادداشت انتهای بخش الغیبه در نسخه دیگر کتابخانه آستان قدس رضوی (به شماره ۲۵۰۳۳)، به نظر می‌رسد این ترمیم خطوط نسخه، از بهاء‌الدین محمد بن تاج‌الدین حسن بن محمد اصفهانی، معروف به «فاضل هندی» (۱۰۶۲-۱۱۳۱ق) از عالمان شیعه در قرن یازدهم و دوازدهم و از شخصیت‌های دوره صفویه باشد. در آن یادداشت آمده است: «قد کتب الکاتب هذا الكتاب من نسخة قد کتب من نسخة عتیقه صحیحه کتبت فی سنه سبع و خسمائه [صحیح: ۵۷۷ق] و کانت من الکتب الموقوفه علی الروضه المقدسه الرضیة الرضویه و کان بعض مواضها مندرسا مما کان فیه من البیاض بین السطور فهو لاجل الاتما و انا قد قابلت هذا الکتاب مع



کتاب کتب من هذا الكتاب و قویل معه و انا العبد الاقل بهاء الدین محمد.»

۲-۳-۳. ترمیم افتادگی و نونویس‌ها

فهرست مطالب یک صفحه‌ای ابتدای نسخه، در زمان ترمیم دوم کتاب و قبل از وقف نسخه به کتابخانه آستان قدس رضوی، به نسخه افزوده شده است.

همچنین، کراسه هشتم و بیستم کلاً از نسخه افتاده‌اند. کراسه هشتم، توسط برگ‌هایی از نسخه خطی الغیبه دیگری، جایگزینی و ترمیم شده است. این ترمیم احتمالاً اولین ترمیم نسخه کهن است. مشخصات این نسخه عبارتند از:

کاتب نسخه: نامشخص؛

تاریخ کتابت نسخه: حدود قرن نهم هجری؛

محل کتابت: نامشخص؛ ظاهراً شام (به قرائنی که پس از این خواهد آمد)؛

آغاز نسخه: (افتادگی کلی دارد): «قال حدثنا علی بن الحسن الکوفی قال:

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ دَانَ بِغَيْرِ سَمَاعٍ مِنْ صَادِقٍ (حاشیه افزوده با خط نونویس دارد) وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ سَوَاءً لِيَتَأَمَّلَ مَتَأَمَّلٍ مِنْ ذَوِي الْأَلْبَابِ وَ الْعُقُولِ وَ الْمُعْتَقِدِينَ لَوْلَايَةِ الْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هَذَا الْمَنْقُولِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...»

انجام نسخه: «... يَوْمٌ فِيهِ صَيْلَمُ الْأَكْرَادِ وَ الشُّرَاةِ وَ خَرَابُ دَارِ الْفِرَاعِنَةِ وَ مَسْكَنُ الْجَبَابِرَةِ وَ مَاوَى الْوَلَاةِ الظَّلَمَةِ وَ أُمُّ الْبِلَادِ وَ أُخْتِ الْعَادِ تِلْكَ وَ رَبِّ عَلِيٍّ يَا عَمْرُو بْنَ سَعْدٍ بَعْدَادُ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْعَصَاةِ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ بَنِي فُلَانِ الْخَوْتَةِ» (اتمام برگ‌ها).

مشخصات ظاهری نسخه:

خط: نسخه‌های (دستنویس معمول)؛ تعداد صفحات موجود: ۶ برگ (۱۲ صفحه)؛ ۲۱ سطری

است؛

رنگ - نسخه: خط نسخه دو رنگ است؛ یعنی ابواب و برخی نشانه‌های فهرستی با رنگ قرمز نگارش شده‌اند. برخی تصحیحات و جافتادگی‌ها در حاشیه نسخه ملاحظه می‌شوند.

۲-۴. انهائات نسخه

دو آنها در نسخه مشاهده شد:



۲-۴-۱. انهای عتیقه بدون تاریخ:

با خط کهنه و درشت که رنگ و رو رفته است، که تقریباً هم دوره خط خود نسخه است، در پایین صفحه عنوان، این یادداشت‌ها نوشته شده است:

«أنها قرأه و تصفحاً الفقير إلى رحمة الله تعالى الفضل الحسين بن علي بن يحيى بن محمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن الحسن ابن علي بن الحسين بن علي الحسن بن علي عمر...» (ادامه نوشته ناخواناست و بخش کمی نیز زیر ترمیم پنهان شده است).

با جست‌وجوی فراوان، اطلاعاتی از وی دانسته نشد. تنها در برگ اجازه نسخه‌ای از نهج البلاغه، این نام و نسب «الحسين بن علي بن يحيى بن محمد» در قسمتی از سند زیدی، به این نحو آمده است: «قال القاضي العلامة أحمد بن سعد الدين أخبرنا مولانا أمير المؤمنين وسيد المسلمين المؤيد بالله رب العالمين محمد بن أمير المؤمنين المنصور بالله القاسم بن محمد بن علي بن محمد بن علي بن الرشيد بن أحمد بن الأمير الحسين بن علي بن يحيى بن محمد بن الإمام يوسف الأصغر الملقب بالأشعل بن القاسم بن الإمام الداعي إلى الله...» (ر.ک: رضی، بی تا: برگ ۱۴۱).

۲-۴-۲. انها با تاریخ هفتصد و بیست

همچنین، با خط زیبا و کهنه در وسط صفحه عنوان نسخه، نوشته شده است:

«أنها قرأه و تصفحاً و استفاد منه الفقير المحافظ ابو علي الحسن بن ابی الحسن علی بن الحسن بن محمد بن عبدالله البغدادي شهرين ثالث عشر ذی القعدة سنة عشرين و سبعمئة حامداً و مصلياً احسن الله تعالى عاقبته.»

اطلاعاتی از او نیز به دست نیامد؛ تنها نام پدر وی، در ذیل تاریخ بغداد آمده است: «حدثنا القاضي أبو الحسين عبدالسلام بن زكريا بن القاسم البرداني قراءة عليه في جامع البردان: حدثنا أبو الحسن علي بن الحسن بن محمد بن عبدالله الصيقلی بالبردان قال: ...» (ر.ک: ابن نجار، بی تا: ج ۳، ص ۲۰۹). بنابراین، الحافظ ابوعلی الحسن، اهل منطقه البردان است (که وی به زودی معرفی خواهد شد).

۲-۵. واقف نسخه به کتابخانه

در صفحه عنوان نسخه، بالاسمت چپ، یادداشت وقفی با این عبارت وجود دارد: «الواقف



اضعف عبادالله الغنی ابن شیخ محمد مؤمن، اسدالله المشتہر باین خاتون المشہدی عاملی» (به همراه مهر بیضوی واقف)؛ کلمه «شیخ محمد مؤمن» و نیز کلمه «عاملی»، زیر ترمیم نسخه پنهان شده‌اند.

همچنین، در صفحه اول عنوان نسخه و نیز صفحه آخر نسخه، مهر بزرگی ثبت شده است، با این عبارت:

«این کتاب را با سیصد و نود و نه جلد دیگر، وقف آستانه حضرت علی ابن موسی رضا نمود، اضعف عبادالله الغنی ابن شیخ محمد مومن اسداله الخاتونی که ساکنان مشہد مقدس از مطالعه آن بهره مند گردند. هر که بفروشد، به لعنت خدا و نفرین رسول و غضب امام گرفتار شود ۱۰۶۷».

بنابراین، واقف نسخه، «اسدالله بن محمد مؤمن ابن خاتون المشہدی عاملی» است که کتاب الغیبه را به کتابخانه آستان قدس وقف کرده است. «وی در ۱۰۶۷ قمری، چهارصد کتاب را وقف کتابخانه حرم امام رضا علیه السلام نموده است» (ر.ک: شاکری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۹۱-۹۳).

در بسیاری از صفحات نسخه نیز، کلمه وقف به صورت کشیده، برای جلوگیری از فروش یا انتقال نسخه، درج شده است.

۲-۶. یادداشت‌های نسخه

در صفحه عنوان، پر است از یادداشت‌های دست‌اندرکاران آستان قدس و دست‌نویس‌هایی از دارندگان و ملاحظه‌کنندگان نسخه؛ همچنین، در برخی صفحات نسخه، یادداشت‌هایی تنها یا همراه مهر وجود دارند. این یادداشت‌ها را می‌توان در دو دسته عنوان کرد:

۲-۶-۱. یادداشت‌های ابتدای نسخه

الف) یادداشت صفحه فهرستِ نونویس (ص ۹ عکسی):

- «فی ملک ... محمد بن احمد الشر...»

ب) یادداشت‌های صفحه عنوان (ص ۱۰ عکسی)، عبارتند از:

- در بالای صفحه عنوان: «وَهُمْ حُجُجُ الْإِلَهِ عَلَى الْبَرَايَا وَبَابُ اللَّهِ وَانْقِطَعُ...»؛

- یادداشت و مهر وقف، که وصف آن پیش‌تر گذشت؛

- یادداشت چند سطری به صورت مهر، از واقف؛ که متن آن پیش‌تر آمد؛



- «... شهر محرم الحرام ۱۱۵۴ ق ...» داخل عرض شد؛

- یادداشت آنها با خط زیبا و کهنه در وسط صفحه، که نوشته شده است: «أنها قرأه و تصفحاً و استفاد منه الفقير المحافظ ابوعلی ...»؛ متن آن پیش تر گذشت؛
- «نظر فيه و استفاد منه طاهر بن محمد بن محمد مؤمنی القزوينی رمضان سنة ...»؛
- یادداشت چند خطی رنگ و رو رفته در وسط صفحه وجود دارد که جز چند کلمه قابل خواندن نبود: «... مجاور بالحرم العلوی سلام الله ...»؛
- یادداشت آنها با خط کهنه و درشت، در پایین صفحه: «أنها قراءة و تصفحاً الفقير إلى رحمة الله تعالى الفضل الحسين ...» که متن آن پیش تر گذشت؛
- سه یادداشت هم در کناره‌ها، زیر ترمیم رفته و قابل خواندن نبود.

۲-۶-۲. یادداشت‌های میان نسخه

- یادداشت: داخل عرض شد؛ شهر شوال سنة ۱۲۸۷؛ همراه مهر مربع کوچک (ص ۱۱ فایل عکسی)؛
- یادداشت: داخل عرض شد سنة ۸ ربیع الاول ۱۱۹۶؛ همراه مهر مربع کوچک (ص ۱۱ فایل عکسی).
- یادداشت: ملاحظه شد؛ با تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۱۲۸۹؛ همراه مهر مربع متوسط (ص ۱۲ فایل عکسی)؛
- یادداشت: با خط عتیقه و درشت تر متن کتاب، در کناره سمت چپ و نیز پایین صفحه؛ که البته خوانا نیست (ص ۱۹۰ فایل عکسی)؛
- یادداشت: روز سه شنبه ۲۸ شهر جمادی الاولی ۱۳۱۲، ملاحظه و داخل عرض شد، به همراه مهر مربع متوسط (ص ۳۷۰ فایل عکسی)؛
- مهر ژلاتینی با نوشته: سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازبینی شد؛ به همراه نقش امضاء (ص ۳۸۱ فایل عکسی)؛
- همچنین، در برخی از صفحات، مهر ژلاتینی و جدید کتابخانه آستان قدس ویژه خطی یا مشابه آن خورده است (به عنوان نمونه ص ۱۱ و ۳۳۱ فایل عکسی).



۲-۶-۳. یادداشت‌های آخر نسخه

- مهر ژلاتینی بزرگ و یادداشت داخل عرض شد، به تاریخ ۱۲ رجب ۱۳۴۳ق، با شماره مسلسل کتاب به شماره ۲۲۸۸؛

- مهر ژلاتینی بازیینی، به تاریخ ۱۳۷۱ شمسی؛

- یادداشت: به تاریخ ۲۱ جمادی الاخر ۱۲۹۷، داخل عرض ۲۰ کتابخانه شد (به همراه مهر)؛

- مهر بزرگ پنج سطری وقف نامه، که در یادداشت‌های صفحه عنوان معرفی شد؛

- یادداشت: به تاریخ دوشنبه ۱۷ شهر رمضان المبارک مسکورماب سنة ۱۲۹۲ در عرض

کتابخانه مبارکه ملاحظه شد (همراه مهر با تصویر شیر و شمشیر)؛

- یادداشت: ملاحظه شد (بدون تاریخ) با مهر بیضوی کوچک و نوشته: «انا عبد من عبید

محمد»؛

- مهر ژلاتینی با نوشته: سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازیینی شد (همراه نقش امضا)؛

- یادداشت در پایین صفحه سمت چپ: «این کتاب از کتابخانه آستانه مقدسه رضویه نزد اقل

الاحقر است که انشا الله باز بکتابخانه مبارکه رو نماید. فی الثانی من شهر شوال المکرم من شهر

۱۳۲۸» (با مهر مربع کوچک).

۳. فهرست مطالب و ابواب

فهرست مطالب و عناوین نسخه کهن را از چند منظر می‌توان توجه کرد که برخی از آن‌ها

عبارتند از:

۳-۱. فهرست یک صفحه‌ای اول نسخه

نسخه کهن، فهرست مطالب در ابتدای خود دارد؛ که نونویس است و بعداً به نسخه اضافه

شده است. این فهرست، شامل عناوین ۲۱ باب است؛ که برخی اندک از کلمات عناوین این

فهرست با تیتورها و عناوین داخل نسخه متفاوت هستند؛ همانند باب ۵ فهرست که عبارت «قبل

قیام القائم» آمده و متن نسخه «قبل القائم» آمده است (ر.ک: برگ ۶۰، ص ۱۲۷ عکس نسخه).

قابل توجه این که فهرست نونویس ابتدای نسخه، پس از ترمیم افتادگی بخشی از نسخه



نگارش یافته است؛ چون عناوین باب‌های هفتم، هشتم و نهم را شامل می‌باشد، که در اصل نسخه کهن افتاده می‌باشند.

۳-۲. فهرست خود مؤلف در معرفی ابواب کتاب

در انتهای مقدمه مؤلف، ابواب کتاب، بدون شماره‌بندی، معرفی شده‌اند؛ که عبارتند از:
باب ۱. «فإن صون دين الله و طي علم خيرة الله عن أعدائهم المستهزئين به أولى ما قدم و أمرهم بذلك أحق ما امتثل»؛

باب ۲. «بذكر حبل الله الذي أمرنا بالاعتصام به و ترك التفرق عنه»؛

باب ۳. «ما روى في الإمامة و أنها من الله جل و عز و باختياره ... من أمرهم و أنها عهد من الله و أمانه يؤديها الإمام إلى الذي بعده»؛

باب ۴. «ما روى أن الأئمة عليهم السلام اثنا عشر إماما و ذكر ما يدل عليه من القرآن و التوراة و الإنجيل من ذلك»؛

باب ۵. «ما روى فيمن ادعى الإمامة و من ادعاها له و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت»؛

باب ۶. «ما روى فيمن شك في واحد من الأئمة عليهم السلام أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله بغير إمام منه»؛

باب ۷. «ما روى في أن الله تعالى لا يخلى أرضه من حجة»؛

باب ۸. «ما روى في أنه لو لم يبق في الأرض إلا اثنان لكان أحدهما الحجة»؛

باب ۹. «ما روى في غيبة الإمام عليه السلام و ذكر أميرالمؤمنين و الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين بعده لها و إنذارهم بها»؛

باب ۱۰. «ما روى فيما أمر به الشيعة من الصبر و الكف و الانتظار في حال الغيبة»؛

باب ۱۱. «ما روى فيما يلحق الشيعة من التمحيص و التفرق و التشتيت عند الغيبة حتى لا يبق على حقيقة الأمر إلا الأقل»؛

باب ۱۲. «ما روى في الشدة التي تكون عند ظهور القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف»؛

باب ۱۳. «ما روى في صفته عليه السلام و سيرته و ما نزل من القرآن فيه عليه السلام»؛



- باب ۱۴. «ما روى من العلامات التي تكون قبل ظهوره تدل على قيامه و قرب أمره»؛
- باب ۱۵. «ما جاء من المنع في التوقيت و التسمية لصاحب الأمر عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ»؛
- باب ۱۶. «ما جاء فيما يليق القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ عند قيامه و يستقبل من جاهلية الناس»؛
- باب ۱۷. «ما جاء في ذكر السفيناني و أن أمره من المحتوم الكائن قبل قيام القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ»؛
- باب ۱۸. «ما جاء في ذكر راية رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَسَلْنَا و أنه لا ينشرها بعد يوم الجمل إلا القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ و صفتها»؛
- باب ۱۹. «ما جاء في ذكر جيش العصب و هم أصحاب القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ و عدتهم»؛
- باب ۲۰. «ما جاء في ذكر أحوال الشيعة عند خروج القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ و قبله و بعده»؛
- باب ۲۱. «ما روى في أن القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ يستأنف دعاء جديدا و أن الإسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ»؛
- باب ۲۲. «ما روى في مدة ملك القائم عَنْكَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ بعد ظهوره»؛
- باب ۲۳. «ما روى في ذكر إسماعيل بن أبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ و بطلان ما يدعيه المبطلون الذين هم عن السمع و العلم معزولون»؛
- باب ۲۴. «ما روى في أن من عرف إمامه لم يضره تقدم هذا الأمر أم تأخر».

۳-۳. فهرست ابواب بر اساس تیتراهای موجود داخل نسخه

- جدا از مقدمه در نسخه کهن، که بدون عنوان است (برگ ۲، ص ۱۲ عکس نسخه)؛ عناوین داخلی باب‌های نسخه، که همگی بدون شماره‌گذاری هستند؛ عبارتند از:
- باب ۱. «ما جاء في صون علم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و ستره عن غير أهله من المعاندين و النهي عن إذاعته لهم و اطلاعهم عليه (برگ ۱۰، ص ۳۲ عکس نسخه)»؛
- باب ۲. «ما جاء في تفسير قوله الله جل و عز و اعتصموا بحبل الله جميعا (برگ ۱۵، ص ۳۷ عکس نسخه)»؛
- باب ۳. «ما جاء في الإمامة و الوصية و أنهما من الله جل و عز و باختياره و أمانة يؤذيها الإمام إلى الإمام بعده (برگ ۲۳، ص ۵۳ عکس نسخه)»؛
- باب ۴. «ما روى في أن الأئمة عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اثنا عشر إماما و أنهم من الله جل و عز و باختياره (برگ ۲۷،



ص ٦١ عكس نسخه)»؛

باب ٥. «ما روى فيمن ادعى الإمامة و من زعم أنه إمام و ليس بإمام و أن كل راية ترفع قبل قيام القائم فصاحبها طاغوت (برگ ٦٠، ص ١٢٧ عكس نسخه)»؛

باب ٦. «فيما روى فيمن شك في واحد من الأئمة عليهم السلام أو بات ليلة لا يعرف فيها إمامه أو دان الله بغير إمام منه عز و جل (برگ ٦٤، ص ١٣٥ عكس نسخه)»؛

باب ٧. «فيما جاء أن الله عز و جل لا يخلى أرضه من حجة. (برگ ٦٩، ص ١٤٦ عكس نسخه). اين باب جزء صفحات نونويس نسخه است؛ برگ ٦٩ به بعد»؛

باب ٨. «فيما جاء أنه لو لم يبق في الأرض إلا رجلان لكان أحدهما الحجة». (برگ ٧٠، ص ١٤٩ عكس نسخه). اين باب جزء صفحات نونويس نسخه است؛ برگ ٧٠ به بعد؛

باب ٩. «ما روى في غيبة الإمام المنتظر و هو الثاني عشر و اظهار حقه». (برگ ٧١، ص ١٥٠ عكس نسخه). اين باب جزء صفحات نونويس نسخه است؛ برگ ٧١ تا ٧٥ صفحه ١٥٧ فايل عكسي؛

باب ١٠. «ما روى عن الأئمة عليهم السلام و أمر به من الصبر و الكف و الانتظار للفرج و ترك الاستعجال بأمر الله و تدييره» (برگ ١٠٩، ص ٢٢٦ عكس نسخه)؛

باب ١١. «ما روى فيما يلحق الشيعة من التمحيص و الامتحان حتى لا يبقى على حقيقة الأمر إلا الأقل الذى وصفه الأئمة عليهم السلام» (برگ ١١٥، ص ٢٣٨ عكس نسخه)؛

باب ١٢. «ما جاء في صفات القائم عليه السلام و سيرته و فعله و انه ابن سببية يعنى امة و ما نزل من القرآن فيه و في اصحابه و ما يريده الله جل و عز به» (برگ ١٢٤، ص ٢٥٥ عكس نسخه)؛

باب ١٣. «ما جاء في العلامات التى تكون قبل قيام القائم عليه السلام و تدل على أن ظهوره يكون بعدها كما قال الأئمة عليهم السلام» (برگ ١٣٩، ص ٢٨٦ عكس نسخه)؛

باب ١٤. «ما جاء في الشدة التى تكون قبل ظهور صاحب الحق عليه السلام» (برگ ١٦٥، ص ٣٣٨ عكس نسخه)؛

باب ١٥. «ما روى في المنع عن التوقيت و التسمية لصاحب الأمر عليه السلام» (برگ ١٦٧، ص ٣٤١ عكس نسخه)؛

باب ١٦. «فيما يلحق القائم عليه السلام و يستقبل من جاهلية الناس و ما يلقاه قبل قيامه من أهل بيته» (برگ ١٧١، ص ٣٥٠ عكس نسخه)؛



باب ۱۷. «ما جاء في ذكر السفيناني و أن أمره من المحتوم و أنه قبل قيام القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف» (برگ ۱۷۳، ص ۳۵۳ عکس نسخه)؛

باب ۱۸. «ما جاء في ذكر راية رسول الله صلى الله عليه وآله و أنه لا ينشرها بعد يوم الجمل إلا القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف» (برگ ۱۷۸، ص ۳۶۳ عکس نسخه)؛

باب ۱۹. «ما جاء في ذكر جيش العصب و هم أصحاب القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و عدتهم و صفتهم و ما يبتلون به» (برگ ۱۸۱، ص ۳۷۰ عکس نسخه)؛
باب ۲۰ و ۲۱ و ۲۲. از نسخه افتاده‌اند.

باب ۲۳. «في أن من عرف إمامه لم يضره تقدم هذا الأمر أم تأخر» (برگ ۱۸۵، ص ۳۷۸ عکس نسخه)؛

باب ۲۴. «ما روى في مدة القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف بعد قيامه» (برگ ۱۸۷، ص ۳۸۱ عکس نسخه).

۴-۳. جمع بندی فهرست و باب‌های نسخه کهن

با تطبیق فهرست‌ها و ملاحظه متن نسخه کهن و نیز چاپ غفاری، حداقل دو تفاوت را به عنوان جمع‌بندی می‌توان مطرح کرد:

۳-۴-۱. تفاوت در ترتیب ابواب

برخی از باب‌های کتاب در فهرست‌های مختلفی که ذکر شد و نیز به نسبت نسخه‌های خطی دیگر و چاپ غفاری، نسبت به هم، پس و پیش درج شده‌اند (ر.ک: استادی، ۱۴۰۱: ص ۲۷، ۳۱، ۳۷ به بعد)؛ به عنوان نمونه این ابواب را می‌توان ذکر کرد:

- «باب ما روى في الشدة التي تكون عند ظهور القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف»؛

- «باب ما جاء في ذكر جيش العصب و هم أصحاب القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف و عدتهم»؛

- «باب ما روى في مدة ملك القائم عجل الله تعالى فرجه الشريف بعد ظهوره».

۳-۴-۲. تفاوت در تعداد ابواب

اصل متن نسخه کهن، جدای از بخش‌های نونویس آن، شامل هجده باب است. سه باب نونویس شده، که در فهرست یک صفحه‌ای نونویس ابتدای نسخه نیز درج شده‌اند.



بنابراین، نسخه کهن با احتساب بخش‌های نونویس آن، شامل ۲۱ باب است؛ و پنج باب در فهرست خود نسبت به چاپ غفاری، که بر اساس برخی نسخه‌های دیگر خطی تصحیح شده است؛ کم دارد.

از این پنج باب اضافی چاپ غفاری نسبت به نسخه کهن؛ یک باب، باب ششم چاپ غفاری است؛ یعنی: «باب الحدیث المروی عن طرق العامة» که جزء اضافات دیگر نسخه‌های خطی می‌باشد، و استاد غفاری نیز به آن تصریح کرده است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۶)؛ و اشاره‌ای در متن الغیبه به اضافه بودن آن وجود دارد همانند: «ما رواه ... بعد ما فی الاصل» (همان: ص ۱۱۹). یک باب نیز، باب «ما جاء فی ذکر سن الإمام القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَهُ الشَّرِيفُ و ما جاءت به الروایة حین یفرضی الیه أمر الإمامة» است؛ که اساساً در فهرست خود مؤلف در مقدمه کتاب وجود ندارد؛ و در چاپ غفاری از آن با عنوان باب ۲۳ یاد شده است. نیز سه باب زیر، که از صفحات نسخه کهن پاره شده و افتاده است؛ و در ترمیم نسخه، نونویس نشده و در فهرست یک صفحه‌ای ابتدای نسخه نیز نیامده‌اند؛ ولی در فهرست خود مؤلف در مقدمه کتاب آمده است. این ابواب عبارتند از:

باب ۲۱. «ما جاء فی ذکر أحوال الشيعة عند خروج القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَهُ الشَّرِيفُ و قبله و بعده»؛

باب ۲۲. «ما روی أن القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَهُ الشَّرِيفُ یستأنف دعاء جدیدا و أن الإسلام بدأ غریبا و سيعود غریبا کما بدأ»؛

باب ۲۴. «فی ذکر إسماعیل بن أبی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ و الدلالة علی أخیه موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۴. نکات قابل توجه در نسخه خطی کهن

نکات جنبی، اما مهمی نیز در خصوص ملاحظه نسخه کهن، قابل توجه هستند؛ که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱-۴. سند ابتدایی نسخه

در نسخه کهن کتابخانه رضوی، متن کتاب الغیبه بدون سند ابتدایی نسخه و با بسم الله و حمد، از بالای صفحه آغاز شده است. این، در صورتی است که در برخی نسخه‌های متأخر، کتاب



الغیبه دارای سند ابتدای کتاب است. همانند:

الف) «حدثنا الشيخ أبو الفرج محمد بن علي بن يعقوب بن أبي قرّة القناني رحمه الله قال حدثنا أبو الحسين محمد بن علي البجلي الكاتب - و اللفظ من أصله و كتبت هذه النسخة و هو ينظر في أصله - قال حدثنا أبو عبد الله محمد بن إبراهيم النعماني مجلب»؛

ب) «حدّثني محمد بن علي أبو الحسين (/أبو الحسن) الشجاعی الكاتب - حفظه الله - قال: حدّثني محمد بن إبراهيم أبو عبد الله النعماني رحمه الله تعالى في ذی الحجة سنة اثنتين و أربعين و ثلاثمائة قال: ...» (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸).

در هر صورت، چون دو برگ اصلی اول نسخه موجود نیست؛ نمی توان در مورد سند داشتن یا نداشتن اصل نسخه قضاوت داشت.

۴-۲. تبار نسخه کهن

جدا از ترجمه نعمانی و این که وی به شام رفته و تا آخر عمر در این منطقه زندگی کرده است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۸۳)؛ شواهدی قابل توجه است که می توانند نشان دهند خاستگاه و تبار نسخه کهن الغیبه، احتمالاً منطقه شام است؛ از جمله آن ها:

۴-۲-۱. الغیبه موجود، شامل احادیث شامی نیز می شود

حتی اگر هسته اصلی کتاب الغیبه در شام شکل نگرفته باشد؛ با توجه به برخی از احادیث موجود در کتاب کنونی الغیبه، می توان نتیجه گرفت که حداقل بخشی از احادیث تکمیلی این کتاب، که شامل احادیث شامی می شوند و اکنون در نسخه کهن موجودند؛ در منطقه شام، توسط کاتبان الغیبه یا حتی مصنف، به کتاب الغیبه ملحق شده اند؛ همانند چند حدیث محمد بن عثمان که در «فصل فی ما روی أن الأئمة اثنا عشر من طریق العامة» نقل شده اند: «وَمِنْ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَانَ بْنِ عَلَانَ الدُّهَيْئِيُّ الْبُعْدَادِيُّ بِدِمَشْقَ قَالَ حَدَّثَنَا ...» (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۲)؛ یا احادیثی که از طبرانی در باب دوم نقل شده اند: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعَمَّرِ الطَّبْرَانِيُّ بِطَبْرِيَّةَ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ...» (همان: ص ۳۹).



۲-۲-۴. احادیث کتاب سلیم و شام

طبق شواهد متعددی، خاستگاه و انتشار کتاب‌های کنونی سلیم بن قیس، منطقه شام و غلات نصیریّه در این منطقه می‌باشد (ر.ک: استادی، ۱۴۰۰: ژ، سراسرمتن). از سوی دیگر، طبق قرائنی، احادیث سلیم بن قیس به نقل از معمر بن راشد در کتاب الغیبه منسوب به نعمانی، به نسخه الغیبه اضافه شده‌اند (ر.ک: استادی، ۱۴۰۰: ج، سراسرمتن). همچنین با توجه به اندک بودن تعداد نسخه‌های خطی کتاب الغیبه در حوزه حدیثی ایران و متأخر بودن تاریخ کتابت آن‌ها (ر.ک: درایتی، ۱۳۹۱: ج ۲۳، ص ۴۷۷)؛ در مجموع می‌توان شامی بودن نسخه خطی کهن الغیبه را محتمل دانست.

۳-۲-۴. نسخه کهن، انهاء شامی دارد

اشاره شد که، یکی از عالمانی که بر نسخه خطی کهن، به تاریخ ۷۲۰ هجری، آنها نوشته است، الحافظ ابوعلی الحسن بن ابی‌الحسن است. با توجه به اطلاعات کتاب ذیل تاریخ بغداد، این خانواده، بردانی هستند (ر.ک: ابن‌نجار، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۹). مناطق مختلفی به این نام خوانده می‌شود؛ که مهم‌ترین آن‌ها، منطقه‌ای است در مرعش، نزدیک حلب در شام (ر.ک: حموی، ۱۹۹۵: ج ۱، ص ۳۷۵)؛ و عالمان بسیاری به این منطقه تعلق دارند (به عنوان نمونه، ر.ک: ابن‌نجار، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۰۹). بنابراین، این انتساب ابوعلی الحسن، آنها نویسنده نسخه کهن، به منطقه بردان شام، می‌تواند فرض ما را در شامی بودن نسخه کهن، تقویت کند.

۴-۲-۴. واقف نسخه، شامی است

همان‌طور که بیان شد، واقف نسخه الغیبه به کتابخانه آستان قدس رضوی، اسدالله بن محمد مؤمن، ابن‌خاتون است. آل‌خاتون، خاندانی از عالمان شیعی جبل‌عامل لبنان هستند که بیت بورینی، بیت ابوشامه و بیت شامی نیز خوانده شده‌اند (ر.ک: امین‌عاملی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۵۸۴). خاندان ابن‌خاتون، کتابخانه مفصلی نیز در آن منطقه داشته‌اند؛ که توسط دشمنان از بین رفته است (ر.ک: مهدی‌پور، ۱۳۸۳: ص ۲۴).

در سده‌های دهم و یازدهم، بر اثر سختگیری‌های حکومت عثمانی بر مناطق شیعه‌نشین



قلمرو خود، به ویژه جبل عامل، و نیز دعوت حکومت شیعی صفوی از عالمان جبل عامل، تعدادی از افراد این خاندان، همانند شماری دیگر از عالمان جبل عامل، به ایران مهاجرت کردند (مهاجر، ۲۰۰۵: ج ۱، ص ۱۶۹). از معروف ترین آن ها خانواده ابن خاتون اسدالله بن مؤمن است. در این میان، خانواده اسدالله بن مؤمن، وقتی به ایران آمدند در مشهد الرضا علیه السلام سکونت کردند؛ و نسخ خطی فراوان کتابخانه ابن خاتون، همان طور که اشاره شد، بر کتابخانه رضوی وقف شده؛ که نسخه کهن الغیبه از آن جمله است.

۴-۳. اختلاف نسخه‌ای

جدا از اختلافات جزئی (شامل تفاوت برخی کلمات و افتادگی یا اضافات برخی واژه‌ها و حروف) که در تمامی تحریرهای نسخه‌های خطی از یک کتاب وجود دارد و تا حدودی قابل قبول است؛ بعضی اختلافات کلی نیز میان نسخه کهن و نسخه‌های خطی دیگر الغیبه وجود دارند که برخی از آن ها در عنوان فهرست و مطالب نسخه کهن ذکر شدند.

در این میان، آنچه گفتنی است؛ تفاوت‌های متوسط، شامل کمبود و اضافات برخی از احادیث در میان نسخه کهن و نسخه‌های خطی دیگر کتاب الغیبه می باشد؛ که به بیش از بیست مورد می‌رسند. به عنوان نمونه، قبل از باب «ما جاء فی أن من عرف إمامه لم یضره هذا الأمر أو تأخر» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۳۲۹)؛ حدیث باب قبل به این حدیث خاتمه یافته است: «و الله لیظهرن علیکم صاحبکم و لیس فی عنقه لأحد بیعة و قال فلا یظهر صاحبکم حتی یشک فیہ أهل البقین؛ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ»؛ اما در برخی نسخه‌های متأخر، حدیث ذیل، اضافه بر نسخه کهن آمده است: «حَدَّثَنَا أَبُو سُلَيْمَانَ أَحْمَدُ بْنُ هُوْدَةَ الْبَاهِلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: سَأَلَ مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ وَ أَبُو أَيُّوبَ الْحَزَّازُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ مَعَهُمَا فَقَالَا جَعَلَنَا اللَّهُ فِدَاكَ إِنَّ الْأَنْفُسَ يُغْدَى عَلَيْهَا وَ يِرَاحُ مَنْ لَنَا بَعْدَكَ فَقَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَهَذَا فَصَرَبَ يَدَهُ إِلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى عليه السلام وَ هُوَ غَلَامٌ حُمَاسِي بَنُوَيْبِنِ أَبِيصَيْنٍ وَ قَالَ هَذَا وَ كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ حَاضِرًا يَوْمَئِذٍ الْبَيْتِ» (همان).

نمونه دیگر: قبل از باب «ما روی فیمن ادعی الإمامة و من زعم أنه إمام و لیس یامام و أن کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت» (همان: ص ۱۱۱)؛ حدیث باب قبل در نسخه کهن، به



این حدیث خاتمه یافته است: «... و إِلَيْهِمْ رَادِينَ و مِنْهُمْ مُسْتَنْبِطِينَ و عَنْهُمْ أَخَذِينَ و مَعَهُمْ مَحْشُورِينَ و فِي مَدَاخِلِهِمْ مَدْخِلِينَ إِنَّهُ جَوَادٌ كَرِيمٌ» (برگ ۶۰، ص ۱۲۷ عکس نسخه)؛ ولی در برخی نسخه‌ها و نیز چاپ غفاری، دو حدیث دیگر، پس از آن و منقول از «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ» آمده‌اند (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۰).

نتیجه‌گیری

۱. کاتب نسخه کهن، نامشخص است؛ ولی از صحت کتابت نسخه بر می‌آید خطاط نسخه، فرد باسوادی بوده؛ و یا این که نسخه اصل در اختیار وی، بسیار خوانا و بی‌غلط بوده است. ظاهراً تاریخ کتابت نسخه ۵۷۷ هجری است؛ ولی اگر این تاریخ مورد مناقشه قرار گیرد، می‌توان گفت که بر اساس شواهدی، همین تاریخ ۵۷۷ هجری صحیح است، و یا حداقل، این که نسخه در همان حوالی قرن ششم و هفتم، کتابت شده است. همچنین، چند برگ نونویس کراسه هشتم، نوشته‌ای قدیمی، حدود قرن نهم هجری است.

۲. نسخه در موارد اندکی حاشیه نویسی دارد. برخی از این حاشیه نویسی‌ها توسط خود خطاط اصلی صورت گرفته و برخی دیگر، ظاهراً توسط ابوعلی بغدادی انجام شده‌اند. برخی نیز متفرقه هستند.

افتادگی‌های فیزیکی اصلی متن داخلی نسخه، دو نوع هستند: الف) افتادگی نونویس شده در کراسه ثامن؛ ب) افتادگی نامشخص و اصلاح نشده در نسخه (همانند کراسه بیستم) که از دید شخص ترمیم کننده نسخه، دور مانده است. در مجموع، از بیست و یک کراسه بیست صفحه‌ای نسخه اصلی، دو کراسه افتادگی در میان متن وجود دارد. جدای از آن، دو برگ از کراسه اول و شش برگ از کراسه ۲۱، در برگ‌های نسخه اصلی وجود ندارند.

با توجه به وضعیت نسخه و تفاوت‌های بخش‌های ترمیمی، به نظر می‌رسد که دو یا سه ترمیم بر روی نسخه انجام شده است؛ البته حداقل دو ترمیم آن، قدیمی هستند. وضعیت ترمیم را در چند دسته می‌توان وصف کرد: الف) ترمیم فیزیکی کاغذ صفحات؛ ب) ترمیم خطوط محو شده؛ ج) ترمیم افتادگی و نونویس‌ها.

۳. نسخه دارای دو انهما می‌باشد: الف) انهای عتیقه بدون تاریخ از الفضل الحسین بن علی بن



یحیی بن محمد؛ ب) انهای با تاریخ ۷۲۰ هجری از الحافظ ابوعلی الحسن بن ابی الحسن. واقف نسخه به کتابخانه آستان قدس رضوی، «اسدالله بن محمد ابن خاتون عاملی» است؛ که کتاب الغیبه را در یک مجموعه چهارصد نسخه‌ای، به تاریخ ۱۰۶۷ هجری در کتابخانه وقف نموده است.

در صفحه عنوان، پر است از یادداشت‌های کارگزاران و دست‌اندرکاران آستان قدس و دستنویس‌هایی از دارندگان و ملاحظه‌کنندگان نسخه. همچنین، در برخی صفحات نسخه، یادداشت‌هایی تنها یا همراه مهر وجود دارند.

فهرست مطالب و عناوین نسخه کهن را از چند منظر می‌توان توجه کرد که برخی از آنها عبارتند از: الف) فهرست یک صفحه‌ای اول نسخه؛ ب) فهرست خود مؤلف در معرفی ابواب کتاب. ج) فهرست ابواب بر اساس تیرهای موجود داخل نسخه. با تطبیق فهرست‌ها و ملاحظه متن نسخه کهن و نیز چاپ غفاری، حداقل دو تفاوت در تعداد و ترتیب ابواب، قابل مشاهده هستند.

۴. نسخه کهن، سند ابتدایی نسخه ندارد. شواهدی نشان می‌دهند که خاستگاه و تبار این نسخه، احتمالاً منطقه شام می‌باشد. همچنین، جدا از اختلافات جزئی که در تمامی تحریرهای نسخه‌های خطی از یک کتاب به چشم می‌خورند، برخی اختلافات کلی میان نسخه کهن و نسخه‌های خطی دیگر الغیبه وجود دارند.



منابع

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، قم، علامه.
۲. ابن نجار، محمد بن محمود (بی تا). *ذیل تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العربی.
۳. آزادی، پرویز (بهار و تابستان ۱۳۹۰). «بررسی جایگاه، اهمیت و اعتبارسنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲، ص ۱۵۱-۱۷۹.
۴. استادی، کاظم (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). ج، «روایات سلیم بن قیس در الغیبه نعمانی و بررسی وضعیت استثنای آن در میان روایات دیگر»، مخطوط، قم، کتابخانه دارالحدیث.
۵. _____ (مهر ۱۴۰۰). ژ، «بازشناسی مؤلف و قدمت تاریخی کتاب های منسوب به سلیم بن قیس»، مجله بین المللی مطالعات ایرانی - اسلامی، ۱۱۵، ش ۳.
۶. _____ (۱۴۰۱). ث، «تاریخ تألیف کتاب الغیبه منسوب به نعمانی»، مخطوط، قم، کتابخانه دارالحدیث.
۷. _____ (۱۴۰۱). ج، «فهرست نسخه های خطی الغیبه منسوب به نعمانی»، مخطوط، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۸. _____ (۱۴۰۱). ج، «روش های اعتبارسنجی کتاب الغیبه منسوب به نعمانی»، مخطوط، قم، کتابخانه دارالحدیث.
۹. اکبری، عمیدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۸). «تحلیلی از گزارش های تازه یاب شامی در مورد کاتب نعمانی»، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۱، (پیاپی ۲۵).
۱۰. امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف.
۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
۱۲. درایتی مصطفی (۱۳۹۱). *فهرستگان نسخه های خطی ایران*، تهران، کتابخانه ملی.
۱۳. رضی، محمد بن الحسین (بی تا). *نهج البلاغه*، نسخه خطی، کتابخانه آمبروزیانا، شماره اچ ۶۱.
۱۴. شاکری، رمضانعلی (۱۳۶۷). *گنج هزار ساله: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی قبل و بعد از انقلاب*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۵. شبیری زنجانی، محمد جواد (مهر ۱۳۸۱). «معرفی کتاب غیبت نعمانی [۳]»، مجله انتظار موعود، شماره ۵، ص ۳۷۳-۳۹۱.
۱۶. شریعتی، فهیمه (زمستان ۱۳۹۷). «تحلیل تطبیقی تفاوت گزارش غیبت نزد نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی»، پژوهش های مهدوی، زمستان شماره ۲۷، ص ۵-۲۶.



۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۰). *کمال الدین و تمام النعمة*، مترجم: منصور بهلوان، قم، دارالحديث.
۱۸. طبسی، نجم الدین (پاییز ۱۳۸۰). «نگاهی به کتاب غیبت نعمانی»، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱.
۱۹. عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق). *الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم*، مصحح: میخائیل رمضان، نجف، مکتبه الحیدریه.
۲۰. مختاری، علی رضا و قاضی زاده، کاظم (پاییز و زمستان ۱۳۸۶). «تحلیلی درباره احادیث غیبت در کتاب الغیبه نعمانی»، علوم حدیث، شماره ۴۵، ص ۱۹۳ تا ۲۱۹.
۲۱. معرفت، محمد (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی»، مجله شیعه پژوهی، ش ۱۰.
۲۲. مهاجر، جعفر (۲۰۰۵م). *جبل عامل بین الشهدین: الحركة الفکرية فی جبل عامل فی قرنین*، دمشق، المعهد الفرنسی للدراسات العربیة.
۲۳. مهدی پور، علی اکبر (آذر و اسفند ۱۳۸۳). «نقش جبل عامل در گسترش فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)»، آئین پژوهش، دوره ۱۵، ش ۸۹ و ۹۰، ص ۱۶-۳۱.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). *رجال نجاشی*، به کوشش زنجانی، قم، نشر اسلامی.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۱۸ق). *الغیبه*، به کوشش علی نقی گیلانی، تهران، چاپ سنگی.
۲۶. _____ (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۲۷. _____ (۵۷۷ق). *الغیبه*، نسخه خطی، مشهد، کتابخانه آستان قدس، شماره ۱۷۵۴.





کتابخانه آستان قدس
فهرست خطی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين الهادي من يشا الى صراط مستقيم
المسجوق الشكر من عبادوه باخراجه ايامهم من العدم
الى الوجود وتصويين ايامهم في احسن الصود واسبل عليهم
النعم ظاهيرة وباطنة لا تحسبها العدة على طول الامة
كما قال عز وجل وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها وبما
دلهم عليه وارشدهم اليه من العلم برؤسبه والاقوال بوجديته
بالعقول المركبة والليكة الباغية والفتنة الثقتة
والفطرة الصمعي والصيغة الحسنه والابان الباهية والرايين
الظاهيرة وشفعة ذلت بعثه اليهم الحيرة من خلقه
وسلامه طيقين مستقرين ومندبين الذين هما بين مدريت
ومجديت من الخيرة ومودين بالعلم ناطقين بروح القدس
مؤيدون وبالالحج خالين وبالايات لامل الباطل فاهرب
وبالجمرات لعقول ذوي الالباب باهية ابانهم من خلقه
بما اولاهم من حرامته واطاعهم عليه من غيبه ومكتمه فيمن

فمن مع الارواح
وهو على

الارواح

الارواح

نسخه خطی

معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی الغیبه، منسوب به نعمانی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
قال جده علي بن الحسين الكوفي قال

الو عبد الله عليه السلام من دان الكفر سماه رصاصة
وقال من لم يتب من ذنوبه من دون الالاب والعقول
المعتدى لولا ان الائمة عليهم السلام لهذا الفؤاد رسول الله
صلى الله عليه وآله ومن لا يصفوا بالحق وان عبد الله لصار
عليها السلام من شكره ورجوع الائمة اوقات لم لا يكون فيها
انامه ولنسبهم اياه الى الكفر والشوك والقتال وان ان مات
على ذلك مات ميتة جاهلية لغو بامه ضها وتولهم من انكر
واحد ان الاجاب فقد انكر الاموات فليستوا بملوكهم ولا انقره
الا باطلا والبخارون والاباء الهوى عن طريق الحق فان من
مال به الهوى هوى فانكسرت انكسار لا لا انكسار مقه وليعلم من قوله
ربيع ومن يكون سقره ويبلغه ربي خالفه فانه واحد من سواه شياطين
مسائله يدعون يا مولد انكسار من جرح شياطين الانس والجن
يروح بعضهم الا بعض رذوف القول عودا اعارة نانا الله واخروننا
من الوذيع عن الحق والنكوب عن الهدى والافتخام من تجران
الضلالة والهوى جاء ان كان بالمؤمنين رجما بان
فما جان الله عز وجل لا تخلى ارضه من حجر
من ذكركا روى من كلام امير المؤمنين عليه السلام لعبد رزاه النخعي
المشهور حيث قال اخذوا مؤمنين يدي واخرجني الى الحجاب
فما اصغر قلبى الصغرا ثم قال وذكر الكلام بطولته حتى انتهى الى
قوله اللهم فلا تخلوا الارض حتى قائم لله محجة اما ما هو معلوم او

الحمد لله رب العالمين
والصلوة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطيبين الطاهرين
عن عبد الله
عن محمد بن
الكشي عن
عنه عن
عن المغيرة
عن محمد بن
علي بن
الله بن
سماح بن
صارق

القول

رقم مسلسل کتاب ۲۲۸۸
 تاریخ ۱۳۴۲
 شهر رجب
 روز ۲۲

الخلق عن حمزة بن حمران عن عبد الله بن يعقوب عن
 ابي عبد الله عليه السلام قال ان القائم ملك تسع عشرة سنة

وخذت ابناء على العوض الذي قصدنا له وانبتنا الى ما اجدنا
 منه وفيك فانية وبلوغ لمن كان له قلب او عاقل
 السمع وهو شهيد فانما الحمد لله على انعامه علينا
 ونشكره على احسانه الينا بما هو امله من الحمد
 وسبقه من الشكر ونسئله ان يولي على محمد وال محمد
 المنتجبين الاحبار الطاهرين ان يثبتنا بالقول الثابت
 في الحياة الدنيا وفي الآخرة ولا يزيغ قلوبنا بعد اذ
 هدانا وان يهب لنا من لدنه كريم وصائب

بازين شد

بازين شد
 بازيں شد
 بازيں شد

تم الكتاب
 والحمد لله و صلواته على سيدنا
 محمد النبي وآله الطاهرين وسلم



کتابخانه آستان قدس
 وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

بازين شد
 بازيں شد
 بازيں شد

بازين شد
 بازيں شد
 بازيں شد

تذکره

معرفی و بررسی کهن ترین نسخه خطی الغیبه، منسوب به نعمانی

بررسی تحلیلی حوادث معطوف بر ظهور در روایت عبدالاعلی حلی (با تاکید بر سبک ریخت شناسانه پراپ)

محسن خوشفر^۱

زهره مراد نجف آبادی^۲

چکیده

تحقیق حاضر، با هدف تحلیل محتوای روایت عبدالاعلی حلی، به شیوه کیفی و با روش «ریخت شناسی پراپ»، نگاشته شده است. سؤال مورد نظر، آن است که ریخت شناسی روایت عبدالاعلی حلی در حوادث حین ظهور چیست؟ یافته های تحقیق حاضر آن است که الگوهای ریخت شناسی، با روایت حلی قابل انطباق است و استخراج این الگوها به تحلیل جامعه عصر ظهور منجر می شود. در این روایت، خویش کارهای عزیمت بیست و یک، بازشناسی بیست، عمل قهرمان هجده، خبردهی دوازده و شرارت یازده مرتبه آمده است. عزیمت، حکایت از سرعت عمل امام و یاران ایشان در کوچ کردن و داشتن نقشه علیه دشمن دارد. بازشناسی، بیانگر گمراهی مردم عصر ظهور و فراموشی صفات صاحب الامر و یاران است. شرارت، گویای موانع راه و کارشکنی های دشمنان در برابر برپایی حکومت عدل الهی و گسترش آن است. صحنه های آغازین این روایت، اغلب از یک اتفاق خبر می دهد که بیانگر تغییر و تحول در جامعه عصر ظهور است. این عنصر در کنار عزیمت و شرارت، نشان می دهد که این رخدادها اغلب در عزیمت ها و به دلیل دشمنی شخصیت های شریر به وقوع می پیوندد.

واژگان کلیدی: ریخت شناسی، روایت حلی، پراپ، عصر ظهور، مهدویت، عناصر داستان.

مقدمه

یکی از روش‌هایی که می‌تواند در مورد روایات مهدویت مورد استفاده قرار گیرد، تحلیل محتوا بر اساس «روش ریخت‌شناسی» است. بسیاری از روایات مهدویت، به‌ویژه آن دسته از روایاتی که به تشریح وقایع آخرازمان می‌پردازد، حالت داستانی دارد و با الگوهای این روش قابل انطباق است. در این روش، تحلیل عناصر داستان، اطلاعات دقیقی از جامعه عصر ظهور به دست می‌دهد. تحلیل این اطلاعات، علاوه بر این‌که روش جدیدی برای اصلاح روش‌های مرسوم تحلیل روایات ارائه می‌کند؛ سبب ارائه دیدگاه‌های جدید و یا اصلاح دیدگاه‌های سابق می‌گردد. بنابراین، سؤالی که در تحقیق حاضر مطرح می‌شود، آن است که ریخت‌شناسی روایت عبدالاعلی حلبی در حوادث حین ظهور چیست.

نخستین بار، ولادیمیر پراپ^۱، الگویی برای تحلیل ساختار قصه‌ها ارائه کرد که پایه‌ای برای نظریه‌های روایت‌شناسی شد (قنبری عبدالملکی، فیروزیان پور اصفهانی، ۱۳۹۹: ص ۳۰۱-۳۰۲). او از این روش برای تجزیه و تحلیل «صد قصه پریان» استفاده کرد. وی اساس کار خود را بر این تعریف قرار داده است که روایت، متنی است که در آن، تغییر از وضعیتی به وضعیتی تعدیل یافته‌تر بازگو می‌شود (حاجی آقابابایی به نقل از تولان، ۱۳۹۸: ص ۱۷).

«روش ریخت‌شناسی»، از جمله روش‌های جدید تحلیل محتوا است که تنها در مقالات و آثار علمی متأخر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، انتظار استفاده از این روش در آثار اندیشمندان متقدم، انتظاری نادرست است؛ اما در زمینه روایات مهدویت کتاب‌های بسیاری نگاشته شده است که از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های «الغیبه» نعمانی و «الغیبه» طوسی اشاره کرد که روایات مهدویت را گردآوری کرده‌اند. اثر دیگر در زمینه مهدویت، کتاب «تاریخ الحجه»، نوشته علامه مجلسی است. این کتاب بخشی از بحارالانوار است که به گزینش و گزارش روایات مهدویت

۱. ولادیمیر یاکوولویچ پراپ (Vladimir Yakovlevich prop) در سال ۱۸۹۵ میلادی در سن پترزبورگ به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در رشته فقه اللغه اسلاو به پایان رساند. وی استاد زبان و ادبیات روسی مدرسه آننن شوله و سپس استاد زبان آلمانی دانشگاه لنینگراد شد و همزمان در مورد فلکلور نیز تحقیق کرد. برخی از آثار وی عبارتند از: ریشه‌های تاریخی قصه جن و پری (لنینگراد، ۱۹۴۶)، حماسه پهلوانی روسی (مسکو، ۱۹۵۸)، ترانه‌های عامیانه روسی (لنینگراد، ۱۹۶۱) و اعیاد ارضی روسی (لنینگراد، ۱۹۶۳ و پراپ، ۱۳۶۸: ص ۸).

پرداخته است. در کتاب «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام»، نوشته آیت الله صافی گلپایگانی، تمامی روایات مهدویت به همراه سند و منابع آن گردآوری شده‌اند. در زمینه روش ریخت‌شناسی نیز مقالاتی به شرح زیر نگاشته شده‌اند:

۱. رسول بلاوی، علی خضری و علیرضا شیخینانی: ریخت‌شناسی قصه حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ.

نویسندگان در تحقیق خود، با توجه به خویش‌کاری‌های صورت گرفته در داستان حضرت موسی علیه السلام به تبیین محتوای داستان بر اساس نظریه پراپ پرداخته و به برخی همسانی‌های این الگو با داستان مذکور اشاره می‌کنند.

۲. بتول اشرفی، گیتی تاکی و محمد بهنام‌فر: بررسی خویش‌کاری‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن کریم براساس نظر پراپ.

نویسندگان ضمن اشاره به تفاوت‌های کار خود با الگوی پراپ، گفته‌اند: پاره‌ای از خویش‌کاری‌های قرآن کریم از لحاظ تیپ با تقسیم‌بندی پراپ مطابقت کامل ندارد.

با بررسی آثار و منابع موجود، این نتیجه را شاهد هستیم که تحقیقات موجود اگر چه از نظر روش و محتوا به خوبی عمل کرده‌اند؛ روایات مهدویت، به‌ویژه روایاتی که حالت داستانی دارند؛ مانند روایت عبدالاعلی حلی را به روش ریخت‌شناسی مورد بررسی قرار نداده‌اند؛ در حالی که با توجه به ماهیت داستانی این روایات، انطباق این الگوها و تحلیل آن، نتایج بدیعی خواهد داشت. بنابراین، روش تحلیل محتوای روایت عبدالاعلی حلی، روشی نو و بدیع است که می‌تواند به عنوان روش‌شناسی روایات مهدویت (حداقل در مواردی که حالت داستانی و حکایت دارد) مورد استفاده محققان قرارگیرد. بنابراین، تحقیق حاضر از حیث روش و نتایج، دارای نوآوری است.

مفهوم‌شناسی

برای درک بهتر موضوع مورد تحقیق، تبیین معنای واژگان کلیدی ضروری است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱. ریخت‌شناسی

«ریخت‌شناسی» یا «مرفولوژی»، به معنای وصف قصه بر اساس اجزای تشکیل دهنده آن و مناسبات این اجزا با یکدیگر و با مجموع قصه است (پراپ، ۱۳۶۸: ص ۱۱-۴۱). ریخت‌شناسی،



بررسی، تحلیل و دسته بندی ساختار قصه‌ها و حکایت‌ها است. منظور از ساختار، نظامی است که در آن، همه اجزای متن با هم دارای ارتباطی منطقی و تنگاتنگ و پیوسته هستند (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ص ۱۷).

۲. روایت عبدالاعلی حلبی

روایتی است از امام باقر علیه السلام در مورد اقدامات حضرت صاحب الامر از ابتدای ظهور تا زمانی که جهان را از قسط و عدل پُر کند. این روایت در تفسیر عیاشی (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۶)؛ الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۸۲)؛ تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۶۸۶) و بحار الانوار (مجلسی، بی تا: ج ۵۲، ص ۳۴۱) آمده است.

۳. داستان

«داستان» یا قصه از دیدگاه پراپ از یک شر یا کمبود آغاز می‌شود و پس از گذشتن از امور بینابینی که پایان داستان را شکل می‌دهند؛ خاتمه می‌یابد (پراپ، ۱۳۶۸: ص ۱۴۳).

روش تحقیق

روش ریخت‌شناسی، بر قصه یا داستان مبتنی است و الگوهای پراپ، تنها بر متونی که حالت داستانی داشته باشند، قابل تطبیق است. روایت مورد بحث در تحقیق حاضر، از این لحاظ که جنبه داستانی دارد، بر الگوهای پراپ قابل تطبیق و حائز اهمیت است. بنابراین، تبیین عناصر قصه یا داستان ضرورت دارد. پراپ معتقد است، هر داستان از عناصر زیر تشکیل شده است:

۱. عناصر اصلی

عناصر اصلی داستان به شرح زیر است.

۱-۱. خویش‌کاری

«خویش‌کاری» عبارت است از کارهایی که اشخاص قصه انجام می‌دهند. خویش‌کاری‌ها از جمله عناصر بنیادی قصه و شالوده‌هایی است که سیر عمل (آکسیون) قصه بر مبنای آن‌ها ساخته می‌شود (همان، ص ۱۰۹). پراپ با بررسی قصه‌های عامیانه روسی، ۳۱ نقش ویژه یا خویش‌کاری را یافت (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۸: ص ۱۹-۲۰).



۲-۱. حوزه عمل شخصیت‌ها

پراپ حوزه عملیات توزیع شده در خصوص شخصیت‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: الف) حوزه عملکرد هر شخصیت به تناسب خود شخصیت و خواسته او است؛ ب) شخصیت خواسته یا ناخواسته در حوزه عملکرد دیگری نیز شرکت می‌کند؛ ج) چند شخصیت در یک حوزه عملیات فعالیت می‌کنند. این شخصیت‌ها می‌توانند در سیمای انسان حیوان یا دیگر پدیده‌ها ظاهر شوند (پراپ، ۱۳۶۸: ص ۱۲۲ و ۱۲۴ و حاجی‌آقابایی، ۱۳۹۸: ص ۱۸).

۳-۱. حرکت

به عقیده پراپ، بسط و گسترش‌های قصه باعث حرکت قصه می‌شود. این حرکت‌ها گاهی در پی هم می‌آیند؛ گاهی با هم تداخل پیدا می‌کنند و گاهی موقتاً متوقف می‌شوند. از دیدگاه پراپ، شیوه‌هایی مانند بسط موازی یا تکرار برای تشخیص حرکت وجود دارند (پراپ، ۱۳۶۸: ص ۱۴۳).

۲. عناصر فرعی

«عناصر فرعی» یا «عناصر کمکی» داستان، عناصری هستند که هرچند در بسط عمل، تعیین کننده، نیستند؛ وجودشان حائز اهمیت است (همان، ص ۱۰۹).

۱-۲. عناصر کمکی پیوند دهنده کارها

از دیدگاه پراپ، در داستان، سیستم کاملی از خبرگیری‌ها ایجاد می‌شود؛ بدین نحو که یا اشخاص قصه، خود در پی خبرگیری برمی‌آیند، یا این که «دانای کل» هستند و از تمام اخبار آگاهی دارند. پراپ معتقد است بررسی این عناصر از دیدگاه هنری حائز اهمیت است (همان).

۲-۲. عناصر کمکی در سه بار مطرح شدن

به عقیده پراپ، گاهی در طول قصه بعضی کارها سه بار مطرح می‌شوند. این تکرار شدن‌ها به دلیل صفات شخصیت‌های داستان است (همان، ص ۱۱۳).

۳-۲. انگیزه

«انگیزه»، همان دلایل شخصیت‌های داستان برای اجرای خویش‌کاری‌ها است (همان، ص ۱۱۴).



اهمیت روش ریخت‌شناسی

بررسی ساختار قصه در میان دانشمندان فرمالیست (ساختارشناس) از قرن بیستم، به طور جدی دنبال شد. در میان فرمالیست‌ها، نظریات پراپ از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پراپ معتقد است این عناصر با توجه به بسامد یا تکراری که در هر داستان یا حکایت دارند، پیامی القا می‌کنند و ما را با جامعه‌ای که در زمان نگارش داستان وجود داشته‌است، آشنا و به درک شرایط حاکم بر آن یاری می‌کند (پارسا و صلواتی، ۱۳۸۹: ص ۸۹-۵۷).

بررسی روایت عبدالاعلی حلبی با روش ریخت‌شناسی، چند مزیت دارد:

۱. روش ریخت‌شناسی در حدیث، تاکنون از سوی محققان دیگر به کار گرفته نشده است؛
۲. با استفاده از این روش، جامعه مهدوی، اوضاع حاکم بر آن ترسیم می‌شود؛
۳. روشی جدید برای تحلیل محتوای احادیث ارائه می‌شود.

صحت سندی و دلالتی روایت حلبی

سلسله اسناد روایت حلبی در تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ق) حذف شده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۷ و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ص ۴۲۴)؛ اما باید توجه داشت که حذف سند در این روایت هیچ خللی به آن وارد نمی‌کند و این مسئله را می‌توان از چند جنبه مورد تحلیل قرار داد:

اول این‌که تقسیم‌بندی حدیث به حسن، صحیح، موثق، ضعیف، قوی و مقبول از ابداعات فقهای متأخر بوده و در میان قدما مرسوم نبوده است. فقهای متقدم احادیثی را که قرائنی برای اعتماد به آن وجود داشته‌است، صحیح تلقی می‌کرده‌اند (محمدعلی نژاد، اویسی و دهقانی، ۱۴۰۰: ص ۸۸-۹۰). برخی از این قرائن عبارتند از:

۱. وجود احادیث در اصول اربعه‌ا؛
۲. وصول روایات از طرق مختلف و با سند متعدد؛
۳. درج روایات در کتاب‌های عرضه شده به ائمه علیهم‌السلام؛
۴. درج روایت در کتاب‌های مشهور گذشته، صرف نظر از نویسنده آن؛
۵. اعتماد به راویان مشایخ مشایخ، مانند احمد بن محمد بن حسن ولید که از مشایخ شیخ مفید (م ۴۱۳ق) بوده است. با این ملاحظه، قدما به برخی روایات ضعیف هم اعتماد می‌کردند و آن‌ها را در زمره روایات صحیح قرار می‌دادند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۲-۲۵).



دوم از لحاظ خود راوی است. عیاشی (م. ۳۲۰ق)، از جمله مفسران طبقه پنجم (معرفت، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۲۱) و از افراد مورد وثوق شیخ صدوق (م. ۳۸۶ق) (حلی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۵) و هم عصر شیخ کلینی (م. ۳۲۹ق) است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ص ۱۱۸). او از مشایخ فقهای امامیه و استاد کشی (م. قرن ۴ق)، مؤلف کتاب رجال است (رادمنش، ۱۳۷۴: ص ۲۲۱) و نجاشی (م. ۴۵۰ق) و شیخ طوسی (م. ۴۶۰ق) او را اهل علم معرفی کرده‌اند (نجاشی، بی تا: ص ۳۵ و طوسی، ۱۴۲۷: ص ۴۴۰).

علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲ق) نیز در تقریظ خود بر مقدمه تفسیر عیاشی می‌گوید: «به عمرم قسم، این کتاب بهترین اثری است که در زمینه خود، تألیف یافته است و موثق‌ترین چیزی است که ما از پیشینیان خود دریافت کرده‌ایم» (عیاشی، ۱۳۸۰: ص ۳).

سوم از لحاظ اسناد روایت حلی است. برخی معتقدند روایات تفسیری که عیاشی (م. ۳۲۰ق) در تفسیر خود ذکر کرده، با دقت تمام بوده و کل قرآن را با استفاده از همین روایات، تفسیر کرده است (معرفت، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۳۲۱)؛ اما عده‌ای از افراد به بهانه‌های مختلف، اسناد آن را حذف کرده‌اند (علوی مهر به نقل از ایازی، ۱۳۸۴: ص ۱۸۳). روایات تفسیر عیاشی از دیدگاه برخی افراد، از جمله حسکانی (م. ۴۹۰ق) و طبرسی (م. ۵۴۸ق) صحیح و دارای سند بوده است (ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۲۷) و دیگران از روایات تفسیری وی استفاده کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۸۷).

همچنین حساسیت‌هایی که در حوزه سند و دلالت احادیث در گذشته وجود داشته، در تحقیقات اخیر به رویکردی تعدیلی نزدیک شده است و آن را با دو رویکرد «اثباتی» و «ثبوتی» بررسی می‌کنند. در رویکرد اثباتی، سند و دلالت حدیث مورد نظر است؛ اما در رویکرد ثبوتی، واقعیتی که حدیث از آن سخن می‌گوید، حائز اهمیت است (احسانی‌فر، ۱۳۸۴: ص ۱۲۴). فایده رویکرد ثبوتی آن است که احادیث ضعیف، کنار گذاشته نمی‌شوند، بلکه با نگاه ارزشی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ زیرا ممکن است یک حدیث ضعیف، مطلبی داشته باشد که جرقه آغازین پژوهش‌های جدید باشد و حقایق ارزشمندی را آشکار کند (همان، ص ۱۲۵).

بنابراین، تحقیق حاضر، طبق دیدگاه تعدیلی به روایت حلی پرداخته است و واقعیتی که در قالب داستان بیان شده و به کشف حقایق ارزشمند می‌انجامد را مورد بررسی قرار داده است.

فرایند تحقیق

ابتدا روایت حلبی از منابع حدیثی استخراج شد و سپس محتوای آن، بر اساس الگوی پراپ که بر مبنای خویش‌کاری، شخصیت‌ها، صحنه‌های آغازین و انگیزه‌ها بررسی می‌شود؛ در جداولی تجزیه شد و سپس این اجزا مورد تحلیل قرار گرفت. خویش‌کاری، عمل انجام شده شخصیت‌ها است. در تحقیق حاضر تمامی شخصت‌ها انسانی هستند؛ غیر از رعب (ترس) که در این روایت، به آن شخصیت انسانی داده شده است. برای نمونه خویش‌کاری غیبت از سوی صاحب‌الامر که قهرمان روایت (داستان) است، انجام می‌شود و یا خویش‌کاری مقابله آغازین از سوی سفیانی که شخصیت شریر روایت است؛ صورت می‌گیرد.

روایت عبدالاعلی حلبی

متن روایت حلبی در تفسیر عیاشی به شرح زیر آمده است:

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى الْجَبَلِيِّ [الْحَلْبِيِّ] قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُونُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةٌ فِي بَعْضِ هَذِهِ الشَّعَابِ، ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى نَاحِيَةِ ذِي طَوًى...؛ صاحب این امر را در یکی از این دژه‌ها غیبتی خواهد بود. آن‌گاه امام عَلَيْهِ السَّلَامُ با دست به سوی ذی طوی اشاره فرمود... (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۵۶).

حین تبیین خویش‌کاری در روایت، شخصیت‌های داستان نیز تبیین شدند. برای نمونه، شخصت‌هایی مانند قهرمان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، خدمتکار (یاربگر)، شریر (سفیانی، وتر و وتیر) به تناوب معرفی شدند.

بعد از آن که عناصر داستان تبیین شدند، تحلیل آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا ذکر عناصر، بدون تحلیل آن‌ها، اهمیتی ندارد. بنابراین محققان در ادامه به تحلیل این عناصر پرداخته‌اند.



عناصر روایت عبدالاعلی حلبی

جدول شماره ۱. جدول عناصر روایت عبدالاعلی حلبی

تعداد اولیه		تعداد خوردهن تعادل		عناصر روایت عبدالاعلی حلبی					
شماره	داده (روایت)	ثابت		متغیر			کمکی		
		خویش کاری (اصلی)	نمود گار	صحنه آغازین	شخصیت ها	انگیزه			
۱	امام باقر <small>علیه السلام</small> : صاحب این امر را در یکی از این دژه ها غیبتی خواهد بود. آن گاه امام <small>علیه السلام</small> با دست به سوی ذی طوی اشاره فرمود...	غیبت بازشناسی راهنمایی	A B C	معرفی مکان قهرمان	صاحب الامر (قهرمان)	-	-	*	-
۲	تا آن گاه که دو شب به خروج وی مانده بود، خدمتکار مخصوصش [نزد اصحاب] می آید و بعضی از اصحاب آن حضرت را می بیند و می پرسد: شما در این جا چند نفرید؟	خبرگیری	D	معرفی یاریگر قهرمان	خدمتکار (یاریگر قهرمان)	یافتن و معرفی یاران به حضرت	-	-	*
۳	می گویند: حدود چهل مرد	خبردهی	E	-	اصحاب (یاریگر یارگیری)	پاسخ گویی	-	-	-
۴	می گوید: اگر صاحب خویش را ببینید، چگونه خواهید بود؟	خبرگیری	D	-	خدمتکار (یاریگر قهرمان)	آگاهی از میزان آمادگی یاران	-	-	-

-	-	-	تبيين ميزان آمادگی برای باری حضرت	اصحاب (ياربگر ياربگر قهرمان)	-	E	خبردهی	می گویند: به خدا سوگند، اگر فرمان دهد به سوی کوهها روی آوریم [تا آن ها را برکنیم]، در خدمت آن حضرت خواهیم بود	۵
-	-	-	يارگیری برای قهرمان	خدمتکار (ياربگر قهرمان)	خبر از یک اتفاق، معرفی شخصیت های ياربگر	F	تدارک و دریافت عامل کمکی	فردای آن شب به نزدشان می آید و می گوید: از بزرگان و نيکان خود، ده تن را تعيين کنید. آن ها را برمی گزینند	۶
-	-	-	يارگیری برای قهرمان	خدمتکار (ياربگر قهرمان)	تغيير مکان شخصیت های ياربگر	F G H	تدارک و دریافت عامل کمکی عزیمت تعقیب	پس او ایشان را با خود می برد تا این که به خدمت صاحبشان شرفیاب می شوند و برای فردای آن شب، با ایشان وعده می نهد	۷
-	*	-	بازشناساندن صاحب الامر به مردم	صاحب الامر (قهرمان)	معرفی مکان قهرمان و خود قهرمان تغيير مکان قهرمان	B I	بازشناسی عمل قهرمان	آن گاه حضرت ابو جعفر <small>عليه السلام</small> فرمود: [به خدا سوگند] گویا او را می بینم که به حجر تکیه داده است و خداوند را به حق خویش قسم می دهد	۸
-	-	-	بازشناساندن خود به مردم	صاحب الامر (قهرمان)	معرفی قهرمان	I B	عمل قهرمان بازشناسی	سپس می گوید: ای مردم! هرکس درباره خداوند با من محتاجه کند، [بداند که] من از همه [ی مردم] به خداوند سزاوارترم و هرکس درباره آدم با من مراجعه کند، پس من سزاوارترین مردم به آدم ام. ای مردم! هر آن که در مورد نوح با من بحث دارد، [بداند که] من از همه به نوح <small>عليه السلام</small> نزدیک ترم....	۹
			بازشناساندن صاحب الامر به مردم	صاحب الامر (قهرمان)	معرفی مکان خود قهرمان تغيير مکان قهرمان	I B G	عمل قهرمان بازشناسی عزیمت	سپس به مقام تشریف می برد و در آن جا دو رکعت نماز می گزارد و خدا را به حق خویش می خواند	۱۰

		تطبیقات امام باقر بر آیات قرآن	<p>۱. بازشناسان صاحب الامر به مردم</p> <p>۲. بازشناسان یاریگر قهرمان</p> <p>۳. گسترش اسلام</p>	<p>۱. صاحب الامر (قهرمان)</p> <p>۲. یاریگران. الف) جبرئیل (یاریگر قهرمان)</p> <p>ب) ۳۱۳ نفر (یاریگر قهرمان)</p> <p>ج) سایر یاران</p>	<p>۱. معرفی قهرمان</p> <p>۲. معرفی شخصیت یاری گر قهرمان</p> <p>الف) جبرئیل و مکان او</p> <p>ب) ۳۱۳ نفر</p> <p>ج) سایر یاران</p>	B	بازشناسی	<p>آن‌گاه امام باقر <small>علیه السلام</small> فرمود: اوست - به خدا سوگند - همان مضطرّی که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: «یا کیست آن که به مضطرّ پاسخ دهد و بدی را از میان بردارد و شما را جانشینان روی زمین قرار دهد؟» در آن حال، جبرئیل به صورت پرنده سپیدی بر ناودان [نشسته] است. پس نخستین خلق خدا که با او بیعت خواهد کرد، جبرئیل است و آن ۳۱۳ مرد با او بیعت می‌کنند</p>	۱۱
			<p>۱. گسترش اسلام</p> <p>۲. بازشناسان یاریگر قهرمان</p>	<p>اصحاب (یاریگران قهرمان)</p>	<p>تغییر مکان شخصیت‌های یاریگر</p> <p>خبر از یک اتفاق</p>	G B	عزیمت بازشناسی	<p>حضرت ابو جعفر باقر <small>علیه السلام</small> فرمود: پس هر آن که پیش از آن هنگام بیرون از خانه بوده است، در آن ساعت به آن حضرت خواهد رسید و هر آن که در سفر نبوده است، از بسترش ناپدید می‌شود. سپس فرمود: این است - به خدا سوگند - [معنای] فرموده علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>: ناپدیدشدگان از روی بسترهایشان و این است [معنای] قول خداوند: پس، به کارهای نیک سبقت و پیشی گیرید. هرکجا باشید، خداوند همه شما را خواهد آورد. اصحاب حضرت قائم <small>عجل الله تعالی فرجه</small> مراد هستند و آن‌ها ۳۱۰ و چند مرد. [پس از آن] فرمود: آن‌ها - به خدا سوگند - آن امت معدوده‌ای که خداوند در کتابش فرموده است: و اگر عذاب را از آنان تا هنگام معینی [و پدید آمدن شمار معدودی] به تعویق اندازیم. [سپس] فرمود: در يك ساعت جمع خواهند شد؛ هم چون قطعه‌های ابر پاییزی</p>	۱۲

-	-	-	۱. بازشناساندن تکالیف به مردم و ۲. جمع کردن حداکثری یاران و ۳. گسترش اسلام	صاحب الامر (قهرمان)	معرفی مکان و معرفی قهرمان تغییر مکان قهرمان	B G	بازشناسی عزیمت	پس آن جناب در مکه صبح خواهد کرد. مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبرش دعوت می فرماید که افراد کمی دعوتش را اجابت می کنند و بر مکه کسی را می گمارد. سپس از آن جا کوچ می کند.	۱۳
*	-	-	دشمنی با صاحب الامر	۱. عامل (یاربگر قهرمان) ۲. قاتل (شریر)	خبر از یک اتفاق	J K	مقابله آغازین شرارت	به او گزارش می رسد که کارگزارش را به قتل رسانیده اند.	۱۴
-	*	-	از بین بردن دشمن	صاحب الامر (قهرمان)	خبر از یک اتفاق تغییر مکان قهرمان	I L H M G N	عمل قهرمان کشمکش تعقیب بازگشت عزیمت پیروزی	به سوی آنان بازمی گردد و کشتارکنندگان را می کشد و بر کشتن چیزی نمی افزاید.	۱۵
-	-	-	۱. بازشناسان وظایف مردم ۲. گسترش اسلام	صاحب الامر (قهرمان)	معرفی برخی اشخاص مثل حضرت علی معرفی مکان تغییر مکان قهرمان	I G M B	عمل قهرمان عزیمت بازگشت بازشناسی	آن گاه رهسپار شده مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر ﷺ و ولایت علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> و بیزاری از دشمنش دعوت می کند؛ ولی کسی را نام نمی برد تا این که به بیداء برسد.	۱۶
*	-	-	دشمنی با صاحب الامر	سفیانی (شریر)	خبر از یک اتفاق	J K	مقابله آغازین شرارت	ارتش سفیانی به مقابله با آن حضرت بیرون می آید.	۱۷

-	-	تطبیقات امام	از بین بردن دشمنان	خداوند (یاربگر قهرمان)	خبر از یک اتفاق	O H	مجازات تعقیب	پس خداوند به زمین امر می فرماید که آن ها را از زیر پاهایشان فرو گیرد و این است [معنای] قول خداوند: و اگر کافران را ببینی - هنگامی که هراسان اند - پس هیچ از عذابشان فوت و زایل نشود و از جایگاه نزدیکی گرفته شوند و گویند: به او ایمان آوردیم؛ یعنی به قائم آل محمد ﷺ ... تا آخر سوره.	۱۸
-	*	-	۱. شناساندن دشمنان و	۱. خداوند (یاربگر قهرمان) ۲. وتر و تیر (یاربگران شریر)	خبر از یک اتفاق، معرفی شخصیت های شریر تغییر مکان شخصیت های شریر	E P B Q R	خبردهی رسوایی بازشناسی رهایی تغییر شکل	پس کسی از آن ها باقی نمی ماند مگر دو مرد که به آن ها وتر و وتیر گفته می شود، از قبیله مراد. صورت هایشان به پشت است که به عقب راه می روند. آن ها به مردم خبر می دهند که چه بر سر همراهانشان آمد.	۱۹
-	-	-	۱. نابودی دشمن ۲. دشمنی با حضرت ۳. گسترش اسلام	۱. صاحب الامر (قهرمان) ۲. قریش و سپاهیانسان (شریر)	خبر از یک اتفاق تغییر مکان شخصیت های شریر	G P H	عزیمت رسوایی تعقیب	سپس آن حضرت به مدینه داخل می شود که در آن هنگام، قریش از سپاهیان امام ﷺ می گریزند و پنهان می گردند. و این است معنای قول حضرت علی بن ابی طالب ﷺ که فرمود: به خدا سوگند، [آن روز] قریشیان آرزو خواهند کرد که تمام اموال و دارایی هایشان و همه آن چه را خورشید بر آن می تابد بدهند و مخفیگاهی بگیرند که به قدر سر بریدن شتر در آن پنهان شوند.	۲۰
*	-	-	۱. نابودی دشمن ۲. دشمنی با حضرت	صاحب الامر (قهرمان) ۲. قریش و سپاهیانسان (شریر)	خبر از یک اتفاق و قصد رخ دادن یک شرارت	K J N L S	شرارت مقابله آغازین پیروزی کشمکش شکست	سپس آن حضرت حادثه ای پدید می آورد. در این وقت، قریش گویند: بیایید تا بر این سرکش خروج کنیم که به خدا سوگند، اگر این از اولاد حضرت محمد ﷺ بود، این کار را نمی کرد و اگر فرزندان علی ﷺ بود، این کار را نمی کرد و اگر از اولاد فاطمه ﷺ بود، چنین عملی انجام نمی داد. آن گاه با آن حضرت می جنگند.	۲۱

۲۲	که خداوند او را بر آن ها پیروز می گرداند. او جنگجویانشان را می کشد و ذریه شان را به اسارت درمی آورد	پیروزی رسوایی مجازات عمل قهرمان	N P O I	خبر از یک اتفاق	صاحب الامر (قهرمان)	نابودی دشمن	-	*	-
۲۳	بعد، از آن جا بیرون می رود تا این که در شقره فرود می آید. در آن جا خبر می رسد که آنان مأمور آن حضرت را در مدینه به قتل رسانده اند.	عزیمت خبردهی شرارت	G E K	معرفی مکان قهرمان داستان تغییر مکان قهرمان	۱. صاحب الامر (قهرمان) ۲. قاتل عامل امام (شریر)	۱. نابودی دشمن ۲. دشمنی با صاحب الامر	-	-	*
۲۴	برمی گردد و نسبت به آنان چنان کشتاری می کند که واقعه حژه در برابر آن ناچیز می نماید.	عزیمت تعقیب بازگشت کشمکش شکست پیروزی	G H M L S N	خبر از یک اتفاق تغییر مکان قهرمان	۱. صاحب الامر (قهرمان)	۱. گسترش اسلام ۲. نابودی دشمنان	-	-	-
۲۵	سپس درحالی که مردم را به کتاب خدا و سنت پیغمبر او و ولایت علی بن ابی طالب و بیزاری از دشمنش فرامی خواند، از آن جا بیرون می رود تا به ثعلبیه می رسد.	عمل قهرمان عزیمت	I G	خواست و هدف قهرمان تغییر مکان قهرمان	صاحب الامر (قهرمان)	۱. دعوت مردم به تکالیف و وظایف ۲. گسترش اسلام	-	*	-
۲۶	در آن جا مردی از بستگان نزدیک او- که از صلب پدرش است و به استثنای صاحب این امر، از همه مردمان نیرومندتر و با جرأت تر است- به پا می خیزد و به آن حضرت عرضه می دارد: ای مرد! چه می کنی؟	بازشناسی شرارت خبرگیری	B K D	۱. معرفی یکی از شخصیت های بستگان امام ۲. خبر از یک شرارت	شخصی از بستگان صاحب الامر (شریر)	۱. شناساندن دشمن ۲. مخالفت با امام ۳. گسترش اسلام	-	-	*

-	-	-	مخالفت با حضرت	شخصی از بستگان صاحب الامر (شریر)	خبر از یک شرارت	K E T	شرارت خبردهی نهی	تو داری مردم را فراری می دهی! آیا این کارها به فرمان [و عهدنامه ای از رسول خدا ﷺ است یا دلیل دیگری داری؟	۲۷
-	-	-	۱. شناساندن یاریگر ۲. از بین بردن دشمن	خدمتکار (یاریگر قهرمان)	خبر از یک قصد	B L J	بازشناسی کشمکش مقابله آغازین	خدمت کاری که متصدی امر بیعت است بر او بانگ می زند که بر جای بنشین وگرنه سر از بدنت جدا می کنم.	۲۸
-	-	-	هدایت فرد گمراه شده	۱. صاحب الامر (قهرمان) ۲. خدمتکار (یاریگر قهرمان)	۱. خواست و هدف قهرمان ۲. مالکیت	T U c v	نهی قبول نهی راهنمایی حل مسئله	ولی حضرت قائم <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> به او می فرماید: فلانی، ساکت باش. آری، به خدا سوگند، عهدنامه ای از رسول خدا ﷺ همراه من است. فلانی، آن خرجین و بسته و جامه دان را برابیم بیاور. آن را می آورد و عهدنامه ای را به نظر آن شخص می رساند	۲۹
-	*	-	۱. هدایت فرد گمراه شده ۲. شناساندن فرد گمراه که هدایت شده ۳. تجدید بیعت	۱. صاحب الامر (قهرمان) ۲. شخصی از بستگان امام (یاریگر قهرمان)	خبر از یک اتفاق	R B I	تغییر شکل (باطنی) بازشناسی عمل قهرمان	در این موقع، آن مرد عرض می کند: خداوند مرا فدای شما گرداند! اجازه دهید بر سر مبارکتان بوسه زنم. آن حضرت اجازه می فرماید و آن مرد پیشانی حضرتش را می بوسد. سپس می گوید: خداوند مرا فدای شما سازد! بار دیگر از ما بیعت بگیرید و آن حضرت بیعت خود را تجدید می کند.	۳۰
-	-	-	۱. یاری امام ۲. گسترش اسلام	۱. صاحب الامر (قهرمان) ۲. یاران اصحاب (یاریگر قهرمان)	۱. خبر از یک اتفاق ۲. معرفی مکان ۳. معرفی اشخاص یاریگر	B G	بازشناسی عزیمت	حضرت ابو جعفر، باقر <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> فرمود: گویی آنان را می نگرم که بر فراز نجف کوفه بالا می آیند. ۳۱۰ و چند مرد. انگار دل هایشان پاره های آهن است.	۳۱

					۴. تغییر مکان شخصیت های یاریگر				
	-	-	۱. یاری امام ۲. گسترش اسلام	۱. جبرئیل ۲. میکائیل ۳. رعب ۴. ۵ هزار فرشته (یاریگران قهرمان)	۱. معرفی شخصیت های یاریگر ۲. معرفی مکان ۳. تغییر مکان قهرمان	B G	بازشناسی عزیمت	جبرئیل از سوی راست، میکائیل از سمت چپ و رعب [در دل دشمنان] به مسافت یک ماه پیش رو و یک ماه پشت سر آن حضرت حرکت می کنند. خداوند او را به وسیله ۵ هزار فرشته نشان دار مدد می دهد تا وقتی که آن حضرت به نجف می رسد.	۳۲
	-	-	۱. یاری امام ۲. گسترش اسلام	۱. اصحاب امام (یاریگر) ۲. امام (قهرمان)	۱. خبر از یک اتفاق ۲. معرفی شخصیت های یاریگر ۳. معرفی مکان تغییر مکان قهرمان	c I G E B	راهنمایی عمل قهرمان عزیمت خبردهی بازشناسی	به اصحابش می فرماید: امشب را به عبادت بگذرانید. پس ایشان آن شب را با رکوع و سجود و تضرع به درگاه خداوند به صبح می آورند. صبحگاهان حضرتش دستور می دهد که راه نخيله را با ما پیش گیرید؛ درحالی که در کوفه ارتشی مجهز هست	۳۳
	-	-	۱. یاری امام ۲. گسترش اسلام	ارتش (یاریگرامام)	۱. معرفی یک مکان ۲. تغییر مکان قهرمان	D E G	خبرگیری خبردهی عزیمت	راوی پرسید: ارتشی مجهز؟! فرمود: «آری، به خدا سوگند. از آن حضرت به سوی نخيله روی می آورد.	۳۴
	-	-	۱. کسب آمادگی ۲. گسترش اسلام	امام (قهرمان)	۱. معرفی یک مکان ۲. تغییر مکان قهرمان	I G	عمل قهرمان عزیمت	در نخيله به مسجد ابراهیم <small>عليه السلام</small> می رسد. آن جا دو رکعت نماز می گزارد.	۳۵
*	-	-	۱. گسترش	سفیانی	۱. معرفی مکان	G	عزیمت	در آن هنگام، سپاهیان سفیانی از مرجئه و غیر آن ها از	۳۶

			اسلام ۲. شورش علیه امام ۳. بازشناساندن دشمن به مردم	مرجئه	شخصیت شریر ۲. معرفی ۳. شخصیت های شریر ۴. خبر از یک شرارت	E B K	خبردهی بازشناسی شرارت	کوفه خروج می کنند.	
-	-	-	از بین بردن دشمنان	قهرمان شریر	خبر از یک اتفاق	I H E N S	عمل قهرمان تعقیب خبردهی پیروزی شکست	آن حضرت به اصحاب خود فرمان می دهد: بر آن ها حمله کنید. سپس فرماید: با آن ها بجنگید. به خدا سوگند که احدی از آنان از خندق نمی گذرد که خبر ببرد.	۳۷
-	*	-	۱. گسترش اسلام ۲. یاری امام	قهرمان مؤمنان (یاربگران)	۱. خبر از یک اتفاق ۲. تغییر مکان قهرمان	G B E	عزیمت بازشناسی خبردهی	سپس آن حضرت داخل کوفه می شود. پس هیچ مؤمنی باقی نمی ماند، مگر این که در آن جا باشد یا شوق آن را در سر داشته باشد و این قول امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> است.	۳۸
*	-	-	۳. از بین بردن دشمن ۴. شناساندن دشمن	قهرمان اصحاب (یاربگر) طاغوت (سفیانی) (شریر)	۱. خبر از یک اتفاق ۲. معرفی شخصیت شریر ۳. خبر از یک شرارت	c H B K I	راهنمایی تعقیب بازشناسی شرارت عمل قهرمان	سپس به اصحاب خویش فرماید: برای نابودی این طاغوت [مراد سفیانی است] بسیج شوید و او را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می کند.	۳۹
-	-	-	دشمنی با امام	سفیانی (شریر) قبیله کلب (شریر)	۱. معرفی شخصیت های شریر ۲. خبر از یک اتفاق ۳. خبر از یک شرارت	K E D B	شرارت خبردهی خبرگیری بازشناسی	سفیانی ابتدا به تسلیم و صلح قول می دهد؛ ولی قبیله کلب - که دایی های اویند - به او می گویند: این چه کاری بود؟ به خدا قسم که ما هرگز بر این کار با تو بیعت نکنیم. می گوید: [پس] چه کنیم؟ گویند: با او [یعنی با امام	۴۰

						c	راهنمایی	قائم <small>رضی الله عنه</small> [جنگ کن. پس او برای جنگیدن با آن حضرت می‌رود. امام <small>رضی الله عنه</small> او را نصیحت می‌کند و می‌فرماید:]از عاقبت کار خویش [بترس! من آن چه را شرط بلاغ بود به تو گفتم و]اگر نپذیری [با تو می‌جنگم.
-	*	-	۱.دشمنی با امام ۲.نابودی دشمن	سفیانی (شریر) امام (قهرمان)	۱.خبر از یک اتفاق ۲.خبر از یک شرارت ۳.خواست و هدف قهرمان	J L N I O	مقابله آغازین کشمکش پیروزی عمل قهرمان مجازات	۴۱ فردای آن روز، امام <small>رضی الله عنه</small> با آنان جنگ می‌کند و خداوند عالم او را بر آنان غالب می‌گرداند. سفیانی اسیر می‌شود و آن حضرت به دست خود سر از پیکر وی جدا می‌کند.
-	-	-	۱.گسترش اسلام ۲.دشمنی با امام ۳.نابودی دشمن	بنی امیه (یاربگر شریر سپاهیان امام (یاربگر قهرمان)	۱.خواست و هدف قهرمان ۲.معرفی مکان ۳.معرفی شخصیت‌های شریر و یاربگر تغییر مکان شخصیت‌ها	G H K E	عزیمت تعقیب شرارت خبردهی	۴۲ پس از آن، قسمتی از سپاهیان سواره خود را به روم می‌فرستد که بازماندگان از بنی امیه را بجویند. چون ایشان به روم رسند، به اهل آن جا می‌گویند: هم‌کیشان ما را- که نزد شمایند- بیاورید؛ ولی آن‌ها از این کار خودداری می‌ورزند و می‌گویند: به خدا چنین کاری نمی‌کنیم. سپاهیان گویند: به خدا، اگر فرمان بگیریم، با شما می‌جنگیم.
*	-	-	۱.گسترش اسلام ۲.نابودی دشمن	بنی امیه (یاربگر شریر سپاهیان امام (یاربگر قهرمان) بزرگ رومیان (یاربگر یاربگر)	۱.خواست و هدف قهرمان ۲.معرفی مکان ۳.معرفی شخصیت‌های شریر ۴.تغییر مکان	G M H E I O	عزیمت بازگشت تعقیب خبردهی عمل قهرمان مجازات	۴۳ آن‌گاه به نزد صاحبشان بازمی‌گردند و داستان را به عرض می‌رسانند. آن حضرت فرماید: بروید و با ایشان بجنگید تا بنی امیه را از ایشان بگیرید. بزرگ رومیان گوید: بروید بنی امیه را به دست ایشان بسپارید که با قدرت تمام آمده‌اند و این است [معنای] قول خداوند: پس چون عذاب ما را احساس نمودند، از آن گریزان گشتند. نگریزید و به آن چه

				قهرمان)	شخصیت‌های یاریگر	J L	مقابله آغازین کشمکش	از خوش‌گذرانی‌ها و لذت‌ها و مساکن بوده‌اید بازگردید. امام <small>علیه السلام</small> توضیح فرمودند: یعنی گنجینه‌هایی که انباشته می‌کردید [در آن هنگام ستم‌کاران] گفتند: ای وای بر ما که سخت ظالم و ستم‌کار بودیم! پس همواره این سخن بر زبانشان بود تا این‌که همچون کشتزار دروشده‌ای آنان را خاموش کردیم [و به کام مرگ فرو بردیم] که هیچ خیردهنده‌ای از آنان باقی نماند.	
	*	-	۱. گسترش اسلام ۲. شناساندن یاران امام	قهرمان اصحاب (یاریگران قهرمان)	۱. معرفی شخصیت‌های یاریگر ۲. تغییر مکان شخصیت‌های یاریگر	G M I B	عزیمت بازگشت عمل قهرمان بازشناسی	سپس آن حضرت به کوفه بازمی‌گردد و آن ۳۱۰ و چند نفر را به تمامی جاها می‌فرستد. میان شانه‌ها و بر روی سینه‌های ایشان دست می‌کشد؛ چنان‌که در هیچ حکمی درمانده و عاجز نمی‌شوند. هیچ آبادی بی برپه‌نه زمین نماند مگر این‌که در آن بانگ شهادت به لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> بلند باشد و این است معنای قول خداوند: و هر آن‌که در آسمان‌ها و زمین است - خواه و ناخواه - مطیع فرمان خداست و همه به سوی او بازگردانده خواهند شد.	۴۴
	*	-	۱. گسترش قسط و عدل در سراسر جهان ۲. گسترش اسلام	قهرمان خروج‌کنندگان بر امام (شریر)	۱. خبر از یک اتفاق ۲. معرفی شخصیت مردم عامی ۳. تغییر مکان یاران امام	J N I K G	مقابله آغازین پیروزی عمل قهرمان شرارت عزیمت	امام ابو جعفر باقر <small>علیه السلام</small> فرمود: به خدا سوگند، جنگ خواهند کرد تا این‌که یکتاپرستی برقرار شود و هیچ‌گونه به او شریک نوزند، تا آن‌جا که حتی پیرزن ضعیف از مشرق به سوی مغرب سفر کند و کسی از او جلوگیری نمی‌کند و خداوند [در آن روزگار، تمامی] بذرهای زمین را می‌رویاند و باران آسمان را [به‌طور کامل] فرو می‌ریزد و مردم خراجشان را بر دوش نهاده و به پیشگاه حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> می‌برند و خداوند بر	۴۵

								شیعیانمان وسعت می دهد؛ [به طوری که] اگر سعادت و نیک بختی آنان را درنیابد، طغیان می کنند.	
-	-	-	۱. دشمنی با امام ۲. نابودی دشمن	قهرمان گروه خارجی (شریر) اصحاب (یاربگران قهرمان)	۱. خبر از یک شرارت ۲. معرفی شخصیت های شریر ۳. معرفی مکان	I H K J P O	عمل قهرمان تعقیب شرارت مقابله آغازین رسوایی پیروزی	پس در همان حال که صاحب این امر بعضی از احکام را صادر فرماید و برخی از سنت ها را بازگوید، گروهی از مسجد بیرون روند و در پی خروج و سرکشی بر آن حضرت برآیند که حضرتش به اصحاب خود امر فرماید تا به مقابله آنان بروند. در [منطقه] خرمافروشان، به آنان می رسند؛ اسیرشان می کنند و به خدمت آن حضرت می برند.	۴۶
-	*	-	نابودی دشمن	آخرین گروه طاغی (شریر) سپاهیان امام (یاربگر قهرمان)	خبر از یک اتفاق	I O N	عمل قهرمان مجازات پیروزی	دستور می دهد آن ها را می کشند و این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد ﷺ خروج می کند.	۴۷
تعداد کل حرکت های داستان: یازده داستان یک حرکتی (براساس شمارش تعادل اولیه)									۴۸

خویش‌کاری‌ها و صحنه‌های آغازین روایت عبدالاعلی حلی

جدول شماره ۲. بسامد عناصر روایت عبدالاعلی حلی

شماره	خویش‌کاری	بسامد نمودگار	صحنه آغازین	بسامد
۱	عزیمت	G21	خبر از یک اتفاق	۲۰
۲	بازشناسی	B20	تغییر مکان قهرمان	۱۲
۳	عمل قهرمان	I18	معرفی مکان	۸
۴	خبردهی	E12	معرفی شخصیت‌های یاریگر قهرمان	۸
۵	شرارت	K11	خبر از رخداد یک شرارت	۷
۶	تعقیب	H10	معرفی شخصیت‌های شریر	۶
۷	مقابله آغازین	J8	تغییر مکان شخصیت‌های یاریگر	۶
۸	کشمکش	L6	معرفی قهرمان	۴
۹	راهنمایی	C6	معرفی مکان قهرمان	۳
۱۰	مجازات	O6	تغییر مکان شخصیت‌های شریر	۳
۱۱	بازگشت	M5	خواست و هدف قهرمان	۳
۱۲	پیروزی	N5	معرفی برخی اشخاص مثل حضرت علی و بستگان امام	۲
۱۳	خبرگیری	D5	-	-
۱۴	رسوایی	P4	-	-
۱۵	تغییر شکل	R2	-	-
۱۶	شکست	S2	-	-
۱۷	تدارک و دریافت عامل کمکی	F2	-	-
۱۸	نهی	T2	-	-
۱۹	غیبت	A	-	-
۲۰	رهایی	Q	-	-
۲۱	قبول نهی	U	-	-
۲۲	حل مسئله	V	-	-



شخصیت‌های روایت عبدالاعلی حلی

جدول شماره ۳. شخصیت‌ها

شماره	شخصیت‌ها (قهرمان و یاریگران)	شخصیت‌ها (شریر)
۱	صاحب الامر (قهرمان)	قاتل عامل امام
۲	خدمتکار	سفیانی (طاغوت)
۳	اصحاب معرفی شده از سوی خدمتکار	مرجئه
۴	جبرئیل	وتر و وتیر
۵	۳۱۳ نفر	قریش و سپاهیانشان
۶	سایر یاران	بنی امیه
۷	عامل امام در مکه	خروج کنندگان بر صاحب الامر
۸	خداوند	-
۹	شخصی از بستگان صاحب الامر	-
۱۰	میکائیل	-
۱۱	رعب	-
۱۲	۵ هزار فرشته	-
۱۳	ارتش صاحب الامر	-
۱۴	مؤمنان	-
۱۵	بزرگ رومیان	-



انگیزه‌ها در روایت عبدالاعلی حلی

جدول شماره ۴. بسامد انگیزه‌ها

شماره	انگیزه	بسامد
۱	گسترش اسلام	۱۹
۲	از بین بردن دشمن	۱۵
۳	دشمنی با صاحب الامر	۹
۴	یاری کردن صاحب الامر	۵
۵	شناساندن دشمن	۵
۶	بازشناساندن صاحب الامر به مردم	۳
۷	بازشناساندن یاریگران قهرمان	۳
۸	هدایت فرد گمراه شده	۳
۹	یارگیری برای قهرمان	۲
۱۰	بازشناساندن تکالیف به مردم	۲
۱۱	مخالفت با امام	۲
۱۲	یافتن و معرفی یاران به حضرت	۱
۱۳	پاسخ‌گویی	۱
۱۴	آگاهی از میزان آمادگی یاران	۱
۱۵	تبیین میزان آمادگی برای یاری حضرت	۱
۱۶	بازشناساندن خود به مردم	۱
۱۷	جمع کردن حداکثری یاران	۱
۱۸	دعوت مردم به تکالیف و وظایف	۱
۱۹	کسب آمادگی	۱
۲۰	تجدید بیعت	۱
۲۱	شورش علیه امام	۱
۲۲	گسترش قسط و عدل در سراسر جهان	۱

تحلیل عناصر روایت عبدالاعلی حلی

در روایت حلی، عزیمت با بسامد ۲۱ مرتبه، مطرح شده است. عزیمت‌ها به قصد هجرت از یک شهر به شهر دیگر و با انگیزه گسترش اسلام و نابود کردن دشمن اتفاق افتاده است. در هیچ



یک از این عزیمت‌ها، نشانه‌هایی از درنگ یا تعلل از سوی حضرت یا سپاه ایشان یافت نمی‌شود و عزیمت‌های متعدد و پی‌درپی، بسیار سریع و به آسانی انجام می‌شود. همین نکته به خوبی نشان می‌دهد که آن‌ها برای عزیمت‌های پی‌درپی و پیش‌بینی نشده آمادگی کامل دارند و بدون هیچ‌گونه کسب اجازه از خویشان و اقوام خود، اوامر امام خود را اجابت می‌کنند (نجفی، بی‌تا: ص ۱۴۰). آن‌ها حتی از برداشتن آذوقه نهی شده‌اند؛ زیرا کرامات صاحب الامر در طول عزیمت، آنان را از آذوقه بی‌نیاز خواهد کرد (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۳۱). بدیهی است در صورت درنگ و تعلل هر یک از یاران، عزیمت‌ها تا چه اندازه به کندی صورت می‌گرفت.

همچنین نشان می‌دهد که یاران حضرت در راه اهداف عالی اسلام، هیچ قسمی از روابط، نظیر روابط خانوادگی، دلبستگی به خویشان و یا دلبستگی به شهر و دیار خود را بر امر عزیمت، ترجیح نمی‌دهند. آن‌ها مصداق آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ...» (احزاب: ۳۶) هستند که در برابر اوامر صاحب امر خود هیچ اختیاری از خود نشان نمی‌دهند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ص ۳۲۲) و با دستور عزیمت، سریعاً برای آن آماده می‌شوند. در بیش‌تر عزیمت‌ها حضرت صاحب الامر حضور دارند و در پایان تمامی عزیمت‌ها نیز پیروزی، نصیب سپاه صاحب الامر و شکست، نصیب دشمنان آن حضرت می‌گردد. این نکته به انضمام تحلیل قبلی نشان می‌دهد که هرچند عزیمت‌های حضرت صاحب الامر برق‌آسا اتفاق می‌افتد؛ تمامی آن‌ها حساب شده و همراه با طرح و نقشه قبلی است. گواه این مدعا پیروزی‌های متعدد امام و سپاهیان، در پایان همه عزیمت‌ها است. بدیهی است که پیروزی در شهرها و کشورهای مختلف، بدون داشتن برنامه دقیق امری محال است.

خویش‌کاری دیگر در این روایت، خویش‌کاری بازشناسی با بسامد بیست مرتبه است. بازشناسی، اغلب یا به منظور شناساندن صاحب الامر، یا شناساندن یاریگران ایشان و یا شناساندن دشمنان صاحب الامر است. با توجه به جدول شماره (۴)، شناساندن صاحب الامر و یارانشان در مجموع هفت مرتبه و شناساندن دشمنان پنج مرتبه آمده است. سایر بازشناسی‌ها نیز برای شناساندن مکان شخصیت‌های مختلف داستان انجام شده است. این بازشناسی‌های مکرر نشان می‌دهد که در جامعه عصر ظهور تشخیص دوست از دشمن بسیار دشوار است (محدث عاملی، ۱۳۸۰: ص ۴۶۶)؛ به‌گونه‌ای که امام باقر علیه السلام در این روایت، تلاش می‌کند

نشانه‌های صاحب الامر و یاران ایشان و نیز دشمنانشان را تبیین کنند؛ همان‌طور که روایات دیگر نیز چنین روندی دارند (ر. ک: اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۷۸).

همچنین نشان می‌دهد که جامعه عصر ظهور، جامعه‌ای است که مردم، بسیاری از امور اصلی دین اعم از تکالیف و وظایف خود، امام‌شناسی و ولایت‌پذیری، کتاب خدا، ویژگی‌ها و صفات منجی آخرالزمان را به فراموشی سپرده و در گمراهی به سر می‌برند (نجفی، بی‌تا: ص ۱۵۵). بدیهی است که وقتی افراد جامعه‌ای صفات منجی آخرالزمان را فراموش کرده باشند، بازشناسی و معرفی خود به افراد آن جامعه تا چه اندازه دشوار خواهد بود. به همین دلیل روایت امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد که حضرت صاحب الامر در هر شهر و دیاری که وارد می‌شوند، ابتدا امور اصلی دین را به مردم یادآور می‌شوند و سپس با بازشناساندن خود به مردم، آن‌ها را به همراهی دعوت می‌کنند و هر چند افراد فراوانی ایشان را یاری نمی‌کنند؛ امام عنه السلام، تمام تلاش خود را برای جذب حداکثری افراد به کار می‌گیرد.

عمل قهرمان، با بسامد هجده مرتبه نیز نشان می‌دهد که حضرت صاحب الامر برای پیشبرد مقاصد خود، فعالیت‌های گوناگونی انجام می‌دهد: گاهی خود را به مردم معرفی می‌کند؛ گاهی با دشمنان می‌جنگد و آنان را از صفحه روزگار محو می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۶۳). گاهی مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر و ولایت حضرت علی علیه السلام دعوت می‌کند و گاهی بدون جنگ و خونریزی به هدایت افراد همت می‌گمارد. پس این عنصر نشان می‌دهد که بیش‌ترین اقدامات، به خود صاحب‌الامر مربوط است؛ یعنی فعالیت‌های اصلی در جهت ساخت جامعه از سوی ایشان انجام می‌گیرد؛ هرچند دستیاران و اعوان ایشان در این امر خطیر یاریگر حضرتش هستند.

خبردهی با بسامد دوازده مرتبه، به‌ویژه در ابتدای داستان کاملاً واضح است. این امر در جریان معرفی و بردن اصحاب نزد امام عنه السلام از سوی خدمتکار ایشان به خوبی به چشم می‌خورد؛ زیرا تمام مراحل انتخاب اصحاب اولیه امام با جزئیات دقیق مطرح شده است. این نکته نشان می‌دهد که امام در ابتدای ظهور خود، قدرت چندانی ندارد و بیم به خطر افتادن جان حضرت وجود دارد. بنابراین، یاران اولیه امام باید با احتیاط کامل و از میان افراد خاص، گزینش شوند و نیز آن حضرت باید یارانی داشته باشد که تا پای جان برای او خدمت کنند. سایر خبردهی‌های روایت نیز حاکی از مواقع عزیمت و حمله به سوی دشمن است و دستور عزیمت، در قالب اخبار انتشار می‌یابد.



خویش کاری شرارت با بسامد یازده مرتبه، نشان از شرارت‌ها و کارشکنی‌های دشمنان امام دارد. این خویش کاری در کنار تعقیب با بسامد ده مرتبه و مقابله آغازین با بسامد هشت مرتبه، نشان می‌دهد که این شرارت‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند و امام و سپاهیان‌ش در تعقیب دشمنان برآمده و تا نابودی کامل آنان پیش می‌روند و عزیمت‌های متعدد انجام می‌دهند (ساعدی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۳۵۹).

شخصیت‌های یاریگر قهرمان؛ مانند خدا، جبرئیل، میکائیل، خدمتکار، اصحاب معرفی شده از سوی خدمتکار، ۳۱۳ نفر و سایر مؤمنان، ۵ هزار فرشته نشانه‌دار و سپاهیان نشان می‌دهد که امام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، از قدرتمندترین یاریگران مادی و معنوی برخوردار است (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۷۲) و مأموریتی پرمخاطره در پیش رو دارد؛ زیرا ظلم و فساد فراگیر شده و برای گستراندن قسط و عدل در سرتاسر زمین نیازمند چنین قوای نیرومندی است. بنابراین، یاریگران قهرمان، وارد میدان می‌شوند تا کار بر وی آسان گردد.

شخصیت‌های شریر مانند قاتل کارگزار امام، سفیانی و سپاهیان‌ش، وتر و وتیر و بنی امیه، دشمنان امام در راه گسترش عدالت هستند و این تجمیع نشان می‌دهد که این، مأموریت آسانی نیست و افراد بسیاری مانع خواهند شد.

بیش‌ترین صحنه‌های آغازین با خبر از یک اتفاق و تغییر مکان قهرمان داستان آغاز می‌شود. این صحنه‌ها، گویای رخداد‌های مهم و پی‌درپی در جامعه عصر ظهور است. تمامی این رخدادها با عزیمت‌های پی‌درپی امام و تغییر مکان ایشان در ارتباط است؛ زیرا جامعه عصر ظهور، به تغییر و تحول بنیادین نیازمند است و امام باید جامعه خراب را ویران کند و از نو جامعه‌ای آباد بسازد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۳۱).

انگیزه‌های شخصیت‌ها نیز دوگونه است: یا برای امداد به جبهه حق است و یا برای کمک به جبهه باطل؛ اما آنچه روایت بدان اشاره دارد، آن است که انگیزه‌های جبهه حق، یعنی گسترش اسلام با بسامد نوزده و نابودی دشمن با بسامد پانزده از بیش‌ترین بسامد برخوردار است و گویای انگیزه‌های متعالی جبهه حق است؛ اما انگیزه‌های دشمنان صرفاً دشمنی با صاحب الامر یا مخالفت یا شورش است که در مجموع، بسامد یازده را نشان می‌دهد.

کل روایت یازده داستان توأمان دارد و تعادل‌های اولیه آن، به سرعت به هم می‌خورد و به تناوب تکرار می‌شود. روایت، ثبات چندانی ندارد و این نکته گویای تزلزل و عدم ثبات در جامعه

عصر ظهور از زمان خروج امام تا زمان برپایی کامل قسط و عدل است.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از تحقیق حاضر ملاحظه می‌شوند به شرح زیر هستند:

۱. در روش ریخت‌شناسی پراپ، الگوهای ارائه شده که با روایت عبدالاعلی حلبی قابل انطباق است. الگوهای وی در این روایت عبارت است از: خویش‌کاری اصلی و فرعی، شخصیت‌های داستان، تعادل‌ها، انگیزه و صحنه‌های آغازین. بسامد خویش‌کاری‌ها نیز عبارت است از: خویش‌کاری‌های عزیمت با بسامد بیست و یک مرتبه، بازشناسی بیست مرتبه، عمل قهرمان هجده مرتبه، خبردهی دوازده مرتبه و شرارت یازده مرتبه.

۲. تحلیل این الگوها به قرار زیر است:

الف) خویش‌کاری عزیمت، عزیمت‌های متعدد و پی‌درپی، بسیار سریع و آسان را نشان می‌دهد. بازشناسی‌های مکرر گویای دشواری تشخیص دوست از دشمن است و عمل قهرمان نشان دهنده فعالیت‌های اصلی صاحب‌الامر برای ساخت جامعه است.

ب) شخصیت‌های یاریگر قهرمان؛ خدا، جبرئیل، میکائیل، خدمتکار، ۳۱۳ نفر و سایر مؤمنان، ۵ هزار فرشته نشانه‌دار، گویای حمایت‌های مادی و معنوی آنان از صاحب‌الامر است و شخصیت‌های ضد قهرمان، مانند سفیانی، وتر و وتیر، قاتل کارگزار امام، بنی‌امیه و دشمنان نشان‌دهنده دشواری‌های عدالت‌گستری در جامعه عصر ظهور است.

ج) تعادل‌های اولیه روایت، به سرعت به هم می‌خورد و به تناوب تکرار می‌شود و گویای تزلزل و عدم ثبات در جامعه عصر ظهور است.

د) تنوع انگیزه‌های سپاه صاحب‌الامر بیش‌تر است که نشان‌دهنده انگیزه‌های متعالی است.

ه) صحنه‌های آغازین داستان نیز گویای تغییر و تحولات سریع جامعه عصر ظهور است.

۳. الگوهای پراپ برای تحلیل محتوای هر روایتی که جنبه داستانی و روایت‌گری داشته باشد، قابل استفاده است و نتایجی نو و بدیع را نشان می‌دهد. بنابراین، این روش، می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های تحلیل محتوای احادیث، مورد استفاده قرار گیرد.



منابع

قرآن کریم

۱. احسانی فر لنگرودی، محمد (پاییز و زمستان ۱۳۸۴). «دورویکرد ثبوتی و اثباتی در نقد حدیث»، فصلنامه علوم حدیث، سال دهم، ش ۳۷ و ۳۸، ص ۱۲۳-۱۴۶.
۲. اشرفی، بتول؛ تاکی، گیتی و بهنام فر، محمد (زمستان ۱۳۹۴). «خویش‌کاری‌های موجود در داستان‌های قرآن برمبنای دیدگاه پراپ»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۳، ش ۴، ص ۲۶-۵۵.
۳. _____ (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «بررسی خویشکاری‌ها و شخصیت‌پردازی در داستان حضرت سلیمان علیه السلام در قرآن کریم براساس نظر پراپ»، فصلنامه زبان و ادب فارسی (دانشگاه تبریز)، سال ۶۷، شماره ۲۳۰، ص ۲۵-۴۷.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
۵. بلاوی، رسول؛ خضری، علی و شیخیانی، علیرضا (زمستان ۱۳۹۵). «ریخت شناسی قصه حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم براساس نظریه ولادیمیر پراپ»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۷، ش ۲۷، ص ۱۶۱-۱۷۷.
۶. بی آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۷۷). *قرآن ناطق*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. پارسا، سید احمد و صلواتی، لاله (زمستان ۱۳۸۹). «ریخت شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال دوم، ش ۴، ص ۴۷-۷۷.
۸. پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸). *ریخت شناسی قصه*، مترجم: م. کاشیگر، بی جا، نشر روز.
۹. حاجی آقا بابایی، محمدرضا (۱۳۹۸). *روایت شناسی نظریه و کاربرد*، تهران، انتشارات اندیشه.
۱۰. حسکانی عبید الله بن احمد (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۱. حلّی، حسن بن علی (۱۳۸۳ق). *رجال ابن داود*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. حیدری، مرتضی (پاییز ۱۳۹۴). «تحلیل ریختاری قصه حضرت هود علیه السلام در ترجمه تفسیر طبری»، متن شناسی ادب فارسی سال پنجاه و یکم، دوره جدید، شماره ۳، پیاپی ۲۷، ص ۸۵-۱۰۰.
۱۳. رادمنش، محمد (۱۳۷۴). *آشنایی با علوم قرآنی*، تهران، علوم نوین/جامی.
۱۴. ساعدی محمدباقر (۱۳۷۴). *فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت*، قم، انتشارات فیروزآبادی.
۱۵. شیخ صدوق (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*، تهران، اسلامیة.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، مرتضی.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *رجال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. علوی مهر، حسین (۱۳۸۴). *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر (تفسیر العیاشی)*، تهران، چاپخانه علمیه.
۲۳. قنبری عبدالمملکی، رضا و فیروزیان پوراصفهان، آیلین (بهار و تابستان ۱۳۹۹). «*بررسی تطبیقی آرای پراپ با گرماس و برمون در باب روایت از منظر ساخت‌گرایی*»، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۱، شماره ۱۱، ص ۳۰۱-۳۳۲.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامیة.
۲۵. محدث اربلی (۱۳۸۱). *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی.
۲۶. محدث، عاملی (۱۳۸۰). *الجواهر السنیه- کلیات حدیث قدسی*، محقق: زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، انتشارات دهقان.
۲۷. محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله؛ اویسی، کامران و دهقانی، فرزاد (تیر ۱۴۰۰). «*ابتکار شیعه در تقسیمات چهارگانه حدیث «نقد انگاره اقتباس از اهل سنت»*»، فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، ص ۷۳-۱۰۴.
۲۸. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، مشهد، الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۲۹. نجاشی، أحمد بن علی (بی‌تا). *رجال النجاشی*، محقق: السید موسی الشبیری الزنجانی، قم، موسسه نشر اسلامی.
۳۰. نجفی، محمد جواد (بی‌تا). *فتنه و آشوب های آخر الزمان*، تهران، اسلامیة.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، تهران، نشر صدوق.

بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون^۱

مجید حیدری فر^۲

حسن رضایی مهر^۳

چکیده

در طول تاریخ، مدعیان مهدویت، برای اثبات حقانیت خود، به متون دینی استناد کرده و با تطبیق نادرست آیات و روایات به نفع خود، برای انحراف افکار متدینان جامعه بهره جسته‌اند. هدف این پژوهش، پاسخگویی به پرسش پیش روست: «تطبیقات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون چیست و نقدهای وارد بر آن کدام است؟» در بیان ضرورت تحقیق، همین بس که جریان‌های انحرافی در تطبیقات قرآنی، بیش از این که دغدغه فهم مدالیل و مراد جدی آیات را داشته باشند؛ آن‌ها را وسیله‌ای برای تأیید عقیده خود قرار داده‌اند. بی‌توجهی به سیاق آیات و دقت نکردن در چگونگی استنباط و برداشت نادرست از روایات تفسیری سبب شده است که جریان احمد اسماعیل بصری، از برخی آیات درباره مهدیون، فهم غلط داشته باشند. همچنین تفسیر به رأی و بدون پشتوانه نقلی و عقلی مقبول، به تطبیق باطل آیات قرآن بر شخص خاص انجامیده است. روش تحقیق در این نوشتار، نقلی - وحیانی (تحلیل متنی و بینامتنی آیات و روایات) و گردآوری دادها با شیوه کتابخانه‌ای و استناد به اسناد نوشتاری و روش داده‌پردازی تحلیلی و انتقادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تطبیقات قرآنی وی در مورد مهدیون با معیارهای درست تطبیق سازگار نیست.

واژگان کلیدی: احمد اسماعیل بصری، تطبیقات قرآنی، حجج‌الاهی، مهدیون، دابة الأرض.

۱. این مقاله مستخرج از رساله سطح چهار حوزه با عنوان «نقد تطبیقات قرآنی احمد اسماعیل بصری درباره حجج‌الاهی» است.

1370mhf@gmail.com

۲. استاد حوزه و دانشگاه.

rezaei59@gmail.com

۳. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم. (نویسنده مسئول)

بیان مسئله

اندیشه مهدویت یا منجی موعود موجود، اندیشه‌ای فراقومی و فرادینی است؛ زیرا به وسیله منجی موعود، پلیدی‌های انسان خودمحور و ستمگر بر پهنه هستی پایان خواهد یافت و جهان با چراغ عدالت روشن خواهد شد و دیو ستم جایش را به فرشته دادگر خواهد داد.

یکی از اصلی‌ترین آسیب‌ها در باب مهدویت، مدعیان جهل گسترند که از شوق دلدادگان و منتظران، مشعل بدلی می‌افروزند و در غیبت صاحب اصلی جاه، جامه دروغین می‌دوزند و چون تشنگی بشر را حس می‌کنند، سراب آراسته را جای آب خواسته به گزاف عرضه می‌دارند؛ هر چند سنت قطعی خدا، رسوایی این قوم فتنه‌آفرین است؛ چون خدا نگاهبان دین است و اینان دشمنان ناکام: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف: ۸).

در روزگار ما، احمد اسماعیل بصری از زمره این مدعیان پر آوازه و جریان ساز است که بخشی از بازار گرم مدعیان را اداره می‌کند. آنچه می‌تواند میان اهالی دانش قابل جست و جو و گفت و گو باشد، پرسش از درستی یا نادرستی تأویلاتی است که وی بر مدار آن، ادعاهایش را بنا نهاده و در پی اثبات خویش است. این پژوهش، در مقام نقد تأویلات قرآنی احمد اسماعیل بصری در مورد مهدی نخست از مهدیون دوازده‌گانه است.

در نقد جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری، کتاب‌ها و مقالاتی متعدد انتشار یافته است. در این پژوهش، با نگاهی همه جانبه، تطبیقات قرآنی جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون، در چارچوبی منطقی و استدلالی نقد شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، این است که یکی از روش‌های احمد بصری در تطبیقات قرآنی در موضوع مهدیون، بهره‌مندی از روایات در این حوزه است. لذا در تحقیق پیش‌رو، روایات مورد استناد جریان بصری بررسی شده‌اند.

مفهوم شناسی

در ذیل گزارش کوتاهی از معانی لغوی و اصطلاحی واژگان تحقیق ارائه می‌شود:



۱. حَجَّت

«حجج» بر وزن عُرِف جمع «حجَّت» از ریشه «حجج» به معنای دلیل و برهان است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۳۴۱). حج، به معنای قصد است. از این رو، آهنگ خانه خدا برای انجام دادن مناسک را حج می‌گویند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۲۹) و ارجاع واژه حجَّت به حج ممکن و محتمل است؛ زیرا خودِ حجت مقصود است یا به وسیله آن، حَقِّ مطلوب قصد می‌شود (همان، ص ۳۰). بنابراین، «حجج الله» همان برهان‌ها و دلایل منصوب از ناحیه خدایند.

گاه باطل نیز جامه حق بر تن می‌کند و عنوان حجَّت می‌گیرد. قرآن مجید چنین حجتی را «داحض = شکست خورده» می‌خواند: «وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (شوری: ۱۶). به بیان امام علی علیه السلام اگر چیزی به گمان منحرفان، حجَّت قلمداد شد، بطلان آن در صحنه نمایش حقیقت آشکار می‌گردد: «فکم حجّة یوم ذاک داحضة؛ دلیل‌های بسیاری در آن روز، باطل می‌گردند» (نهج البلاغه: خ ۲۲۳).

«حجَّت» در اصطلاح منطق، به معنای آن است هر يك از دو طرف دعوا، برای اثبات مدّعی خویش دلیلی می‌آورد و براساس آن، بر خصمش احتجاج می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۰). این معنا می‌تواند با همان معنای لغوی، یعنی برهان همسو باشد (ازهری، ۲۰۰۱: ج ۶، ص ۱۵۸). در تعریف نهایی آن می‌توان گفت: حجَّت همان عامل ایمنی از مؤاخذه و تعقیب در ارتکاب یا ترك فعل است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۱۲۷).

۲. تَأْوِيل

واژه «تأویل» در دانش تفسیر، کلام، اصول، فقه، فلسفه و عرفان کاربرد و جایگاه ویژه‌ای دارد. تأویل در لغت از ریشه «أول»، به معنای رجوع است (ازهری، ۲۰۰۱: ج ۱۵، ص ۳۱۴). «أول الحکم إلی أهله»؛ یعنی حکم را به اهلش برگرداند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۵۸). تأویل به معنای تفسیر و سرانجام و عاقبت شیئی نیز آمده است (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۱۶۲۷). مراد از تأویل برگرداندن ظاهر لفظ از معنای اصلی است، به معنایی که دلیلی بر آن قائم است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۸۰).



۳. جری و تطبیق

«جری» در لغت، به معنای عبور سریع است و در اصل وضع شده است برای بیان حرکت آب و آنچه با آب جریان می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۱۹۴). واژه مذکور در قرآن کریم، معنای روان و جاری شدن را می‌رساند (غاشیه: ۱۲؛ الرحمن: ۵۰ و روم: ۴۶). همچنین گاه واژه جری با سیاق اسم فاعل درباره کشتی (حاقه: ۱۱؛ ذاریات: ۳ و شوری: ۳۲)، و ستاره (تکویر: ۱۶) به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۲۶۵). «تطبیق» در لغت به معنای چیزی است که چیز دیگری را بپوشاند. «طَبَّقَ السَّحَابُ الْجَوَّ»؛ یعنی ابر، آسمان را پوشانید (همان، ج ۸، ص ۱۲۰). جری و تطبیق در اصطلاح تفسیر، به انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی گفته می‌شود که در مورد غیر از آن‌ها نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۶۷).

۴. مهدیون

«مهدی» اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه «هَدَى»، به معنای «هدایت‌گر» و «هدایت شده» است. مهدی یعنی کسی که خدا به راستی، او را به راه حق برده است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۴، ص ۲۴۴).

یکی از موضوعات مطرح در روایات آخرالزمانی، وجود دوازده مهدی بعد از رحلت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. احمد بصری و پیروانش در موارد متعددی، پاره‌ای از آیات قرآن را بر مهدیون تطبیق کرده و احمد بصری را به عنوان اول مهدی، یا یکی از مهدیون معرفی کرده و در این امر، روش‌های تفسیر روایی و تفسیر به رأی را بکار برده‌اند.

پژوهشی در مورد روایات مهدیون

احمد بصری و پیروانش در مورد روایات دوازده مهدی، رویکرد انتفاعی دارند، نه اعتقادی. پس شایسته است در ادامه این نوشتار به بررسی روایات مهدیون پرداخته شود تا کژاندیشی و انحراف این جریان برای حقیقت جوین آشکار شود. در مورد مهدیون دو دسته روایات وجود دارند:

یک: روایاتی که مهدیون را همان ائمه معصوم معرفی می‌کنند:

قَالَ الْإِمَامُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِثْنَا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْفَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يَخِي اللَّهَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛ خاندان ما دوازده مهدی دارد که نخستین آنان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب و آخرینشان نهمین فرزند من است که او امام قائم به حق می‌باشد و خدای متعال زمین را به واسطه او پس از موت زمین، زنده می‌کند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۷).

دو: روایاتی که صراحت دارند یا از فحوای آن‌ها فهمیده می‌شود که مهدیون غیر از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا أَبَا حَمَزَةَ إِنَّ مِثْنَا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ ای اباحمزه! پس از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ، یازده مهدی از ما و نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهند آمد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۷۸ و حلی، ۱۴۲۱: ص ۱۶۶).

جریان احمد بصری با تمسک به گروه دوم از روایات مهدیون، معتقد است که دوازده مهدی پس از وفات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ با وصف امام، حکومت و رهبری جامعه را بر عهده می‌گیرند.

چگونگی جمع میان روایات مهدیون

یکی از عوامل برداشت نادرست از روایات، نبود منظومه موضوعی و خانواده حدیثی و استناد به برخی روایات و غفلت از روایات همگون است. پیش از بررسی کلان و جمع‌بندی روایات و برای دستیابی به نتیجه‌گیری صحیح به چند نکته باید توجه کرد:

۱. محصور بودن امامان در عدد دوازده

در روایات فراوانی، تعداد ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در دوازده نفر از اوصیای پیامبر گرامی از امام نخست امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ تا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ محصور شده است: «فقال له أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ اثْنِي عَشْرَ إِمَامًا مَهْدِيٍّ مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّهَا وَ هُمْ مَعِي» (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۲۹).

۱-۱. مهدیون عام

در برخی روایات، به وجود دوازده مهدی پس از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره شده است؛ اما با این خصوصیت که آن‌ها امام نیستند؛ بلکه شیعیانی هستند که مردم را به ولایت و معرفت اهل



بیت علیه السلام دعوت می‌کنند:

عن أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَمَا يُقَالُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لِكَمْتُهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا؛ پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود، امام صادق علیه السلام فرمود: دوازده مهدی گفته است نه دوازده امام آنها قومی از شیعیان ما هستند که مردم را به موالات و معرفت حق ما می‌خوانند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۵۸).

۲-۱. مهدیون خاص

در روایات گوناگونی از امامان معصوم علیهم السلام، به مهدیون یاد شده است؛ همانند روایتی که ذکر شد (همان: ج ۱، ص ۳۱۷) و روایتی از سلمان فارسی:

قُلْنَا يَوْمًا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنِ الْخُلَيْفَةُ بَعْدَكَ حَتَّى نَعْلَمَهُ قَالَ: ... إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيٌّ وَ وَارِثٌ قَائِدُ الْعُرَى الْمُحْجَلِينَ وَ الْحَامِلُ غَدَا لِيَوَاءَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ هُوَ وَ وَلَدَاهُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ مِنْ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ ابْنِي أُمَّتِي تَسَعَةَ هُدَاةٍ مَهْدِيُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ روزی به پیامبر گفتیم یا رسول الله خلیفه بعد از شما کیست تا او را بشناسیم ... همانا علی ابن ابیطالب علیه السلام وصی و وارث من و پیشوای شهرت یافتگان و حامل لوای پروردگار عالم است او و دو فرزندش بعد از او، سپس از نسل فرزندان حسین علیهم السلام نه امام بعنوان مهدی تا روز قیامت هستند (ابن طاووس، ۱۴۱۳: ص ۴۸۷).

۳-۱. خالی نشدن زمین از حجت

از مباحث کلیدی در اندیشه امامیه، خالی نشدن زمین از حجت است. در برخی کتاب‌های حدیثی، بابی با نام «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّتِهِ» گشوده شده است: «عن الحسين بن أبي العلاء قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَكُونُ الْأَرْضُ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: يَكُونُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ؛ به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ فرمود: نه، گفتم: دو امام در یک زمان وجود دارد؟ فرمود: نه، مگر این‌که یکی از آنها ساکت باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۷۸).



۲. رجعت امامان علیهم السلام

یکی از موضوعات مباحث آخر الزمان، «رجعت» است. در برخی روایات آمده است که پس از شهادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به دنیا باز می‌گردند و هدایت و رهبری جامعه را برعهده می‌گیرند: «عن علی بن الحسین علیه السلام فی قوله: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَى مَعَادٍ»؛ قَالَ: يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام؛ امام سجاد علیه السلام ذیل آیه ۸۵ سوره قصص فرمودند: پیامبر شما و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام همگی رجعت می‌کنند» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۴۷).

۳. جمع بندی روایات دوازده مهدی

۱-۳. تعداد ائمه دوازده نفر است، نه سیزده نفر و در برخی روایات به نام همه آنان اشاره شده است؛ اما بر پایه ادعای احمد بصری که مهدی نخست را جزء ائمه می‌شمارد، تعداد ائمه سیزده نفر می‌شود و در هیچ روایتی، نامی از مهدی نخست با صفت امام ملاحظه نمی‌شود.

۲-۳. در برخی روایات، از امامان دوازده‌گانه به «مهدیون» یاد شده است و با توجه به روایات رجعت، می‌توان گفت منظور از دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان ائمه اطهار علیهم السلام هستند که به دنیا باز می‌گردند.

۳-۳. اگر مراد از دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کسانی غیر از پیشوایان دوازده‌گانه باشند، دو احتمال متصور است:

۱-۳-۳. مهدیون با وصف امام، حکومت و هدایت جامعه را پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برعهده می‌گیرند. در این صورت دو اشکال وجود دارد:

۱-۳-۳. تعداد ائمه بیست و چهار نفر خواهد بود؛ با آن که دوازده نفر بودن امامان و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله از مسلمات اسلام است.

۲-۱-۳-۳. این سخن با دیگر روایات متعارض است؛ زیرا امام صادق علیه السلام امامت را از مهدیون نفی و آنان را با این صفت معرفی می‌کند: «شیعیان و دعوت کنندگان به موالات و معرفت اهل بیت علیهم السلام».

۲-۳-۳. مهدیون فقط مردم را به موالات و معرفت اهل بیت فرا می‌خوانند و پس از امام



زمان عَلَيْهِ السَّلَام، نقش امامت و حکومت ندارند. در این صورت، با روایات خالی نشدن زمین از امام ناسازگار است.

با توجه به مباحث پیش گفته، مهدیون دو گروه هستند: مهدیون خاص که همان امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که هنگام رجعت پس از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام حکومت خواهند کرد و مهدیون عام که پس از شهادت آن حضرت و در دوران رجعت امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام مردم را به موالات و معرفت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام دعوت می کنند.

بررسی اشتباهات تفسیری احمد اسماعیل بصری در تطبیق آیات قرآن بر مهدیون

احمد اسماعیل بصری و پیروان او در آثار مختلف، به تفسیر و تاویل و تطبیق آیات قرآن بر مهدیون پرداخته اند که مهم ترین آن ها، کتاب «المتشابهات» است و احمد را به عنوان اول مهدی معرفی کرده اند. این پژوهش به دنبال اثبات این نکته است که تطبیق های قرآنی احمد اسماعیل بصری و پیروان او در مورد مهدیون، با دلایل عقلی و نقلی در تعارض هستند و لذا آن چه در این مقاله بررسی می شود، پنج مورد از تطبیق هایی است که مخالفت آن ها با دلایل عقلی و نقلی آشکار است:

۱. اشاره «وَالزَّيْتُونِ» به مهدی نخست

احمد اسماعیل بصری در تفسیر آیه «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ»؛ قسم به انجیر و زیتون [یا قسم به سرزمین شام و بیت المقدس] و سوگند به «طور سینین» و قسم به این شهر امن [=مکه] (تین: ۱-۳)؛ می گوید:

«وَالَّتَيْنِ» حضرت فاطمه و «الزَّيْتُونِ» حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و «طُورِ سِينِينَ» وادی السلام در نجف است؛ چون فرشتگان طور سینا را به این مکان انتقال داده اند و «هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. انجیر و زیتون در زمان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، مصادیق دیگری دارند و شهر امن، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.
«زیتون» به یک شخص اشاره دارد که همان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است. او از زمره مهدیون است و گاه جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به شمار می رود (البصری، بی تا: ج ۴، ص ۶۶ - ۶۹).

بر اساس این؛ وی خود را «زیتون» سوره تین می داند. در ادامه با استناد به روایات



معصومان علیهم السلام که دوازده امام را از فرزندان حضرت علی و حضرت فاطمه علیها السلام می دانند؛ مهدی یکم را جزء ائمه به شمار می آورد. برخی روایات مورد استناد احمد بصری از این قرار است:

یک.

زُرَّارَةَ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ هُمَا الْوَالِدَانِ؛ شنیدم ابو جعفر علیه السلام می فرمود: دوازده امام از آل محمد صلی الله علیه و آله همگی مُحَدَّث هستند [=فرشتگان با آنها سخن می گویند]. آنها همگی از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و از فرزندان علی علیه السلام هستند و رسول الله و علی علیه السلام پدران آنها هستند» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۱).

دو.

جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ علیها السلام وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ عجل الله فرجه ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند: در حالی محضر فاطمه علیها السلام وارد شدم که در دستانش لوحی بود و در آن، نام های اوصیا از فرزندانش. آنها را شمردم؛ دوازده نفر بودند. آخرین آنها قائم عجل الله فرجه و سه نفرشان محمد و سه نفرشان علی نام داشتند (همان، ص ۵۳۲ و البصری، بی تا: ج ۴، ص ۶۶-۶۹).

۱-۱. نقد و بررسی

ادعای احمد اسماعیل بصری دو چیز است: تطبیق زیتون بر مهدی نخست و احتساب او از ائمه.

۱-۱-۱. بیان اجمالی آیه

مراد از کلمه «تین» و «زیتون» دو میوه معروف است که خدای متعال به آنها سوگند یاد کرده است؛ به سبب این که این دو میوه فواید بسیاری دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ص ۷۷۵). برخی دیگر گفته اند منظور از تین، کوهستانی است که دمشق بر بلندی آن واقع شده و منظور از زیتون، کوهستانی است که بیت المقدس بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده و اطلاق نام دو میوه انجیر و زیتون بر این دو کوه، شاید به این دلیل باشد که در این دو منطقه می رویند و سوگند خوردن به



این دو منطقه نیز شاید از آن روست که انبیای بسیاری در این دو منطقه مبعوث شده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳۰، ص ۱۷۳).

مراد از طُورِ سِینین، کوهی است که در آن، خدای والا با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ سخن گفت و طور سینا نیز نامیده می‌شود و مراد از «هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» مکه است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۳۱۹).

۱-۲. عدم تطبیق زیتون بر مهدیون دوازده‌گانه در روایات

براساس بررسی روایات تفسیری، هیچ روایتی در اثبات ادعای احمد بصری مبنی بر تطبیق زیتون بر مهدیون دوازده‌گانه وجود ندارد. برای نمونه، محدث قمی چنین نقل می‌کند: «مراد از تین، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مراد از زیتون، امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و مراد از طور سینین، حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۴۳۰).

فرات کوفی نیز تین را بر امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و زیتون را بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و طور سینا را بر امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و بلد امین را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تطبیق کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۷۸). فیض کاشانی به نقل از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ مراد از تین را مدینه، منظور از زیتون را بیت المقدس، مقصود از طور سینین را کوفه و بلد امین را بر مکه منطبق دانسته است. گاه نیز - مانند آنچه پیش‌تر گذشت - آن را بر اسامی افراد یاد شده تطبیق کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۳۴۶).

۱-۲. بررسی احتساب مهدی نخست از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

احمد بصری در مورد مهدی نخست می‌گوید: او از زمره مهدیون است و گاه جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به شمار می‌رود. وی مدعی است که برخی روایات، دوازده امام را از فرزندان امام علی و حضرت فاطمه خوانده و مهدی نخست را نیز جزء ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به شمار آورده‌اند (البصری، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۱۰). در بررسی و نقد این ادعای احمد اسماعیل بصری، به نکاتی اشاره می‌شود:

۱-۲-۱. حصر امامان در دوازده نفر

روایات فراوانی در این باب وجود دارند که امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را در عدد دوازده منحصر می‌دانند. بنابراین، ادعای الحاق مهدی نخست به ایشان، سخنی است گزاف و ناسازگار با متون



روایی. شیخ صدوق به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیه «اولی الامر» به اسم تمام این دوازده تن تصریح و در پایان، بهره‌مندی مردم را از حجت غایب، به بهره‌مندی از خورشید در روز ابری تشبیه کرده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۳). در برخی روایات ضمن اشاره به دوازده تن بودن حجت‌های الهی، به نام نخستین و آخرین ایشان اشاره شده است (همان، ص ۲۵۴).

۳-۱. بررسی روایات سیزده امام

احمد بصری در مورد مهدیون می‌گوید: در برخی روایات، دوازده امام از فرزندان حضرت علی و حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خوانده شده‌اند. پس معلوم می‌شود مهدی نخست از دوازده مهدی نیز جزء ائمه است تا روایات دوازده امام از فرزندان ایشان روشن گردد. اکنون روایات مورد ادعای وی بررسی می‌شود:

۱-۳-۱

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که در حالی محضر فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ وارد شدم که در دستانش لوحی بود و در آن، نام‌های اوصیا از فرزندان ایشان دیده می‌شد. آن‌ها را شمردم دوازده نفر بودند؛ آخرین آن‌ها قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ و سه نفر محمد و سه نفر علی بود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۳۲).

در این روایت، «من ولدها» آمده؛ پس ممکن است گفته شود دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از فرزندان حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ هستند؛ در حالی که حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزند ایشان نیست، پس مهدی نخست، به عنوان نفر دوازدهم در این روایت است.

احمد بصری نیز تنها از عبارت «من ولدها» به چنین تطبیقی رسیده است؛ اما این تطبیق درست نیست؛ زیرا در بیان مقصود از «من ولدها» چند احتمال وجود دارد:

۱-۳-۱. از باب تغلیب باشد؛ یعنی چون یازده نفرشان از اولاد حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ هستند، در عرف گفته می‌شود همه از اولاد اویند و این نوع کاربرد، مرسوم و صحیح است.

۲-۳-۱. احتمال تصحیف و زیادی «من ولدها» در عبارت وجود دارد؛ زیرا این روایت را شیخ



صدوق در کتاب کمال الدین بدون عبارت «من ولدها» نقل کرده است: «جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ عَليَّ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ مَكْتُوبٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ أَزْبَعَةُ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛ بر فاطمه عَليَّ وارد شدم و لوحی در بین دستان ایشان بود که در آن اسمای اوصیا نوشته بود که تعدادشان ۱۲ نفر بود و آخرین ایشان قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ سه نام محمد و چهار نام علی در بین ایشان بود» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۱).

۱-۳-۲. در مورد این موضوع، علاوه بر حدیث مذکور، بلکه حدیث دیگری هست که راه هر گونه احتمال و برداشت نادرستی را می بندد؛ چون در آن حدیث حضرت علی عَليَّ را نخستین وصی پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ معرفی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۲۷).

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَليَّ يَقُولُ الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَليَّ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ هُمَا الْوَالِدَانِ فَقَالَ عَلِيٌّ بِنُ رَاشِدٍ كَانَ أَخَا عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ لِأُمِّهِ وَ أَنْكَرَ ذَلِكَ فَصَرَّرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَليَّ وَ قَالَ أَمَا إِنَّ ابْنَ أُمِّكَ كَانَ أَحَدَهُمْ؛ از امام باقر عَليَّ شنیدم می فرمود: ما دوازده امام از آل محمد هستیم که همگی محدث‌اند از نسل و از فرزندان علی عَليَّ؛ و رسول خدا و علی عَليَّ پدران آن‌ها هستند؛ بعد: علی ابن راشد برادر مادری علی بن حسین چیزی گفت و منکر این کلام شد، امام باقر عَليَّ فریاد سختی زد و فرمود: همانا پسر مادر خودت هم یکی از آنها است (مقصود امام سجاد عَليَّ است) (همان، ص ۵۳۱).

در این روایت، چون من «ولد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ولد علی بن ابی طالب عَليَّ» آمده است؛ می‌توان گفت که بر امامت مهدی نخست دلالت دارد. در جواب باید گفت:

۱-۳-۲-۱. چنین تعبیراتی از باب تغلیب است.

۱-۳-۲-۲. در نقل تفاوت وجود دارد. شیخ صدوق همین روایت را چنین آورده است: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنٍ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَليَّ يَقُولُ نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ مُحَدَّثُونَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْهُمْ» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۶).

۱-۳-۲-۳. در روایت دیگری آمده است که دوازده امام، علی و یازده فرزندش هستند. بنابراین، جای این شبهه باقی نمی‌ماند که چون امام علی فرزند حضرت فاطمه نیست؛ پس یکی از مهدیون دوازده‌گانه (مانند احمد بصری) یکی از دوازده امام خواهد بود:



عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ إِثْنَا عَشَرَ الْأَيَّامَةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؛ زرارۀ می گوید: شنیدم امام باقر عليه السلام فرمود: دوازده امام از آل محمد، همه آن ها کسانی هستند که فرشتگان با ایشان حدیث کنند و آنان علی بن ابی طالب و یازده فرزندان اویند و رسول خدا صلى الله عليه وآله و [امام] علی، دو پدر هستند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۴۷).

۲. نزول فرشتگان در شب قدر بر مهدیون

پیروان احمد بصری در تفسیر آیه «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»؛ فرشتگان و روح در آن شب، به اذن آفریدگار و پروردگارشان برای تقدیر هر کاری نازل می شوند» (قدر: ۴)؛ به روایتی از امیرمؤمنان عليه السلام استناد کرده و آورده اند:

و أما قوله [تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ] فإنه لما بعث الله محمد صلى الله عليه وآله و معه تابوت من دُرٍّ أبيض له اثنا عشر باباً، فيه رق أبيض فيه أسامي الاثني عشر، فعرضه على رسول الله صلى الله عليه وآله و أمره عن ربه أن الحق لهم و هم أنوار. قال: و من هم يا أمير المؤمنين؟ قال: أنا و أولادى الحسن و الحسين و على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و على بن موسى و محمد بن على و على بن محمد و الحسن بن على و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليهم أجمعين، و بعدهم أتباعنا و شيعتنا المقرون بولايتنا المنكرون لولاية أعدائنا؛ امام علی عليه السلام نزول فرشتگان در شب قدر را، پس از امامان عليه السلام، بر افرادی دیگر جز آنان روا می داند و بر هیچ کس پوشیده نیست که فرشتگان در شب قدر فقط بر خلیفه خدا و حجت بر مردم نازل می شوند. امیرمؤمنان عليه السلام از این افراد با عنوان شیعیان و معترفان به ولایت اهل بیت نام می برد. در حدیثی دیگر کاملاً روشن می گردد که افراد مورد نظر، مهدیون هستند (www.almahdyoon.com).

أبابصير از امام صادق عليه السلام پرسید:

يا ابنِ رَسُولِ اللَّهِ إني سَمِعْتُ مِنْ أَبِيكَ أَنَّهُ قَالَ يَكُونُ بَعْدَ الْقَائِمِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لِكِتْمَانِهِمْ قَوْمٌ مِنْ شِيعَتِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مَوْلَانَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا؛ از امام باقر عليه السلام شنیدم که پس از حضرت حجت، دوازده مهدی خواهد آمد؟ حضرت در پاسخ وی فرمود: «دوازده مهدی، نه دوازده امام، آن دوازده مهدی جمعی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستداری و شناخت ما دعوت می کنند



(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸۵).

بدین سان فرشتگان در شب قدر بر دوازده امام عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ و پس از آن‌ها، بر دوازده مهدی نازل می‌شوند. پس مهدیون از خلفای خدای بزرگ هستند (www.almahdyoon.com).

نقد و بررسی

۱-۲. بیان اجمالی آیه

سوره قدر بیانگر نزول قرآن در شب قدر است که آن را از هزار ماه بالاتر می‌داند؛ چون در آن شب ملائک و روح نازل می‌شوند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: در خواب به من نشان دادند که بنی امیه از منبرم بالا می‌روند و این معنا بر من سخت گران آمد و خدای متعالی به این مناسبت، سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را نازل کرد (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۶، ص ۳۷۱). بنابراین، شب قدر به مسئله مهدیون دوازده‌گانه هیچ ارتباطی ندارد و فقط به نزول قرآن و روح و ملائک در آن اشاره می‌کند.

۲-۲. نبود منبع برای مدعی پیروان احمد اسماعیل بصری

تنها گزارشگر روایت یاد شده «و أما قوله [تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ] فإنه لما بعث الله محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و معه تابوت من دُر أبيض له اثنا عشر باباً...»؛ یزدی حائری در کتاب الزام الناصب است. وی می‌نویسد: «لم أجد في المصادر المتوفرة لدينا ولا في الأنوار النعمانية للجزائري» (یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۰۹).

۳-۲. ناسازگاری دلیل با مدعا

لازمه ادعای پیروان احمد بصری آن است که مهدیون، خلفای خدا هستند؛ چون فرشتگان در شب قدر بر دوازده امام و پس از آن‌ها بر دوازده مهدی نازل می‌شوند؛ با آن که در روایت نخست، از آن‌ها به شیعیان و معترفان به ولایت اهل بیت یاد شده است و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: آن‌ها دوازده مهدی هستند، نه دوازده امام. پس دلیل آنان با مدعایشان ناسازگار است.



۲-۴. نزول ملائک بر شیعیان پس از رحلت امام زمان

بر فرض پذیرش روایت، ادعای پیروان احمد بصری در مورد نزول ملائک بر پیروان و شیعیان معترف به ولایت اهل بیت و منکران ولایت دشمنان ایشان (که امام هم نیستند)؛ به بعد از رحلت امام زمان مربوط است؛ درحالی که امام زمان در حال حاضر، ظهور نکرده و در قید حیات است.

۲-۵. نزول ملائک در شب قدر بر علی علیه السلام و یازده امام از نسل او

بر پایه روایات، پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزول ملائک در شب قدر، فقط بر امیرمؤمنان و یازده فرزند ایشان جریان دارد:

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ مِنَ السَّنَةِ وَمَا قُضِيَ فِيهَا وَلِذَلِكَ الْأَمْرِ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ أَنَا وَ أَحَدٌ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أُمَّتُهُ مُحَدَّثُونَ؛ امیرمؤمنان علیه السلام به ابن عباس فرمود: همه ساله شب قدر هست و در آن شب، کار یک سال و تقدیرات آن سال نازل می شود و برای این کار، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرماندارانی هست. ابن عباس عرض کرد: یا امیرمؤمنان! آنان کیانند؟ حضرت فرمود: من و یازده نفر از نسلم؛ امامانی که فرشتگان با آنان سخن می گویند (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۶۰).

نکته قابل توجه این که در روایات متعدد به اسامی یازده امام از صلب امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح شده است؛ درحالی که نامی از احمد بصری در آن روایات نیست.

۳. خلافت مهدیون پس از امامان علیهم السلام

یکی از تطبیقات پیروان احمد بصری در خلافت دوازده مهدی پس از دوازده امام، این آیه است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ خدا به ایمان آورندگان و دارندگان عمل صالح وعده داده است که آن ها را حتماً در زمین خلیفه کند؛ همان گونه که پیشینیان شما را خلیفه کرده است و دینشان را که برایشان



پسندیده، تمکین بخشد و ترس آنان را به امنیت بدل کند تا مرا بپرستند و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند و هر کس پس از آن کفر ورزد، بی شک فاسق است (نور: ۵۵).

وی در این تطبیق، به روایتی از کعب الاحبار استشهد کرده و قبل از نقل روایت می‌نویسد: در روایتی از کعب الاحبار که با توجه به متن آن، نمی‌تواند از خود او و تفاسیر شخصی‌اش باشد؛ (بلکه باید این حدیث از رسول الله ﷺ به وی رسیده باشد) چنین آمده است:

عن کعب الأحبار قال: هم اثنا عشر فاذا كان عند انقضائهم فيجعل مكان اثنا عشر، اثنا عشر مثلهم، و كذلك وعد الله هذه الامة فقراً: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ».

یاران احمد بصری پس از نقل روایت آورده‌اند: خلفایی که خدا خلافت آن‌ها را وعده داده است، همان دوازده مهدی هستند که در آخر الزمان جایگزین دوازده امام می‌شوند و تا روز قیامت حکومت می‌کنند و دولت آن‌ها را «دولت عدل الاهی» نامیده‌اند (www.almahdyoon.com).

بررسی و نقد

۳-۱. بیان اجمالی آیه

این آیه خطاب به همه مسلمانان، اعم از مؤمن و منافق و صالح و طالح است؛ اما وعده جمیل آن، به مؤمنانی اختصاص دارد که اعمال صالح انجام می‌دهند. براساس این آیه، به‌زودی خداوند جامعه صالحی مخصوص نیکوکاران در زمین برقرار و امنیت را جایگزین ترس و وحشت می‌کند و آن‌ها را وارث و مسلط بر زمین قرار می‌دهد؛ همان‌گونه که سنت جاری الاهی در مورد گذشتگان چنین بود و بر اثر آن امنیت و سلطه، شایستگان می‌توانند بدون هیچ مانع و خوفی از جانب کافران و منافقان؛ خدا را عبادت کنند و چیز بی‌شریک او قرار ندهند و امر او را سبک نشمرده و به او کفر نوزند و هیچ‌گونه شرک جلی یا خفی در عبادت او نداشته باشند و هر کس پس از تحقق این وعده، کفر ورزد، قطعاً فاسق و از روش بندگی و عبودیت خارج خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۲۳۹).



۳-۲. به کارگیری روایات اهل سنت به نام روایات شیعی

از رویکردهای نادرست جریان احمد اسماعیل بصری، بهره‌گیری از منابع روایی اهل سنت و جلوه دادن در قالب روایات شیعی است. جریان بصری، روایت منقول از کعب الاحبار را به دو منبع شیعی (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۴۷۴ و همان، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۱)؛ ارجاع داده‌اند؛ در حالی که در روایتی که در کتاب خصال و عیون اخبار الرضا آمده، از جانشینی دوازده مهدی پس از دوازده امام مطلبی نیامده است:

«عَنْ كَعْبِ الْأَخْبَارِ قَالَ فِي الْخُلَفَاءِ هُمْ اثْنَا عَشَرَ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ انْقِضَائِهِمْ وَآتَى طَبَقَةَ صَالِحَةٍ مَدَّ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْعُمُرِ كَذَلِكَ وَعَدَّ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ ثُمَّ قَرَأَ: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» قَالَ وَكَذَلِكَ فَعَلَ اللَّهُ بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ وَ لَيْسَتْ بِعَزِيزٍ أَنْ تَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ يَوْمًا أَوْ نِصْفَ يَوْمٍ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ عمرو بكائی از کعب الاحبار نقل می‌کند که در باره خلفا گفت: آنان دوازده نفرند که وقتی به پایان رسیدند و طبقه شایسته‌ای سر کار آمدند، خدا عمرشان را طولانی می‌کند. خدا به این امت چنین وعده داده است. سپس این آیه را خواند: خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده که آنان را جانشینان زمین کند؛ همان‌گونه که پیشینان آنان را جانشینان کرده بود. او گفت: خدا با بنی اسرائیل نیز چنین کرد و دشوار نیست که این امت را یک روز یا یک نصف روز يك جا جمع کند و يك روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است، از آنچه می‌شمرند» (همان).

تنها کتابی که روایت کعب الاحبار را آورده، تفسیر القرآن العظیم ابن ابی حاتم (ابی حاتم، ۱۴۱۹: ج ۸، ص ۲۶-۲۸)، از تفاسیر روایی اهل سنت است.

۳-۳. تعارض با مبانی شریعت

اگر تطبیق و تأویل با اصول و مبانی شریعت مخالف باشد، ناپذیرفتنی است؛ یعنی شرط صحت تطبیق و تأویل، سازگاری با مبانی شریعت است؛ درحالی‌که لازمه اعتقاد به روایت کعب الاحبار، این است که تعداد ائمه ۲۴ تن باشند؛ چون در روایت آمده است: «هم اثنا عشر، فإذا كان عند انقضاءهم فيجعل مكان اثني عشر اثنا عشر مثلهم.» از عبارت «مثلهم» به دست می‌آید که دوازده تن بعدی از هر جهت مانند دوازده نفر نخست هستند و این در تعارض است با مسلمات



شیعه که تعداد ائمه را دوازده تن می‌داند.

۴. تطبیق «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» بر فرزندان امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

پیروان احمد اسماعیل بصری در تطبیق آیات «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس: ۱-۳)؛ از این روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ مدد جسته‌اند:

«وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا»، یَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا»، یَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، یَعْنِي الْأَئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلِكُونَهَا عَدْلًا وَقِسْطًا الْمُعِينُ هُمْ كَمُعِينِ مُوسَى عَلَى فِرْعَوْنَ وَ الْمُعِينُ عَلَيْهِمْ كَمُعِينِ فِرْعَوْنَ عَلَى مُوسَى؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «قسم به خورشید و تابندگی اش»، یعنی رسول الله؛ «و ماه در آن هنگام که پس از او در آید»، یعنی امیرمؤمنان علی بن ابی طالب؛ «و روز در آن زمان که روشنش سازد»، یعنی امامان از ما اهل بیت که در آخر الزمان مالک زمین خواهند شد و زمین را از داد پر خواهند کرد. یاری کننده آن‌ها مانند کسی است که حضرت موسی را در برابر فرعون یاری کرده و یاری کننده دشمنان آنان، مانند کسی است که فرعون را در برابر حضرت موسی یاری کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۶۳).

ایشان در ادامه آورده است: «و روز آن زمان که روشنش کند»، اشاره به افرادی دارد که در آخر الزمان مالک زمین می‌شوند و آن را از عدل و داد پر می‌کنند. نکته قابل توجه این است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ این افراد را با صیغه جمع، «الْأَئِمَّةَ أَهْلَ الْبَيْتِ» معرفی می‌فرماید. اگر حضرت می‌فرمود: «امامی از ما اهل بیت»؛ به یک شخص یعنی قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ مربوط بود؛ اما زمانی که می‌فرماید: «امامانی از ما اهل بیت»، بدان معناست که آن‌ها چندین نفرند.

بر این اساس، این آیه به امامانی مربوط است که در آخر الزمان دنیا را از عدل پر می‌کنند که آن‌ها امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و امامان (مهدیون) از فرزندان ایشان هستند» (www.almahdyoon.com).

بررسی و نقد

۴-۱. بیان اجمالی آیه

سوره شمس پس از قسم‌های هفتگانه، روشن می‌کند، انسانی که با الهام خدایی، تقوا را از گناه و کار نیک را از کار زشت تشخیص می‌دهد؛ اگر بخواهد سعادت‌مند شود، باید باطنش را تزکیه کند



و آن را با عمل صالح بیوراند و با تقوا بیاراید و از زشتی‌ها پاك کند؛ و گرنه از سعادت محروم می‌ماند. هر قدر بیش تر آلوده‌اش کند و کم‌تر بیاراید، محرومیتش بیش تر می‌شود. آن‌گاه برای استشهاده، داستان ثمود را بیان می‌کند که به جرم تکذیب حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ ناقه اعجازی وی را کشتند و به عذاب نابودی گرفتار شدند و با بیان این داستان اهل مکه را سرزنش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲۰، ص ۲۹۶).

۲-۴. ناآگاهی از قواعد ادبیات عرب

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه **﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾** می‌فرماید: «يَعْنِي الْأُمَّتَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَيَمْلِكُونَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا» انصار احمد بصری می‌گویند: امام در تفسیر آیه از صیغه جمع استفاده کرده است. پس آیه به یک شخص (= قائم) مربوط نیست و قابل تطبیق بر مهدیون است؛ در حالی که در موارد متعدد ملاحظه می‌شود که آیه به صورت صیغه جمع آمده؛ اما مصداقش فقط یک فرد است:

۱-۲-۴. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ»؛ اینان کسانی بودند که برخی به آنان گفتند: مردم [= لشکر دشمن] برای حمله به شما اجتماع کرده‌اند، از آن‌ها بترسید (آل عمران: ۱۷۳). منظور از «النَّاسُ» طبق تصریح مفسران «نعیم بن مسعود» است که از «أبوسفیان» اموالی گرفته بود تا مسلمانان را از قدرت مشرکان بترساند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۳۳۱).

۲-۲-۴. «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ»؛ خدا شنید سخن آن‌ها را که گفتند خدا فقیر است و ما بی‌نیازیم (آل عمران: ۱۸۱). به گفته مفسران، مراد از «الَّذِينَ» در آیه، «حُیَیِّ بن أخطب» یا «فحاص بن عازوراء» است (طبری، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۲۹ و ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۵۵).

۳-۲-۴. «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ»؛ ابراهیم به تنهایی امتی بود مطیع فرمان خدا (نحل: ۱۲۰). در این آیه نیز کلمه «أُمَّت» بر یک فرد اطلاق شده است.

۳-۴. تطبیق آیه بر ائمه و قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

از ضوابط تطبیق صحیح که از تحمیل عقیده و رأی نادرست بر آیات قرآن و به تبع از تفسیر به



رأى مذموم در فهم آیات و مفاهیم قرآن جلوگیری می‌کند؛ عدم تناقض تطبیق با سنت معتبر است. پیروان احمد بصری آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» را بر مهدیون تطبیق کرده‌اند؛ در حالی که این آیه در روایات بر ائمه و قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است:

۱-۳-۴.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، قَالَ: [هُوَ] رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، قَالَ: [هُوَ] عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام؛ «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، قَالَ: الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَام؛ «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»، قَالَ: بَنُو أُمِّيَّةَ (حسکانی، ۱۴۱: ج ۲، ص ۴۳۲ و ۴۳۳).

۲-۳-۴.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: قَالَ الْحَارِثُ [بْنُ عَبْدِ اللَّهِ] الْأَعْوَرُ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَخْبَرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ: «وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا»، قَالَ وَيَحْتَكَ يَا حَارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُهُ: «وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»، قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام يَثْلُو مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قُلْتُ: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»، قَالَ ذَلِكَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۶۳).

با عنایت به روایات تفسیری، تطبیق آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» به امامانی که در آخر الزمان دنیا را از عدل و داد پر می‌کنند و سرایت آن بر امامانی از فرزندان امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام؛ ادعایی بدون دلیل و تفسیر به رأی است.

۵. احمد بصری مصداق «دَابَّةٌ مِّنَ الْأَرْضِ»

در روایات به پاره‌ای از نشانه‌های پیش از رستاخیز اشاره شده که یکی از آن‌ها «خروج دابَّةِ الأرض» است: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ»؛ و هنگامی که فرمان عذاب آن‌ها رسد و در آستانه رستاخیز قرار گیرند، جنبنده‌ای را از زمین برای آن‌ها خارج می‌کنیم که با آنان سخن می‌گوید که چرا مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند» (نمل: ۸۲). احمد اسماعیل بصری می‌گوید، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه فرمود: مقصود از دابَّةِ الأرض، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۳۰).

وی می‌افزاید: جنبنده در این آیه انسان است و روایاتی وجود دارند که آن را علی بن



ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام می خواند و این امر در رجعت صورت می گیرد؛ ولی جنبنده زمینی نیز وجود دارد که در آخرالزمان خارج می شود و با مردم سخن می گوید و آن ها را بر تکذیب آیات الاهی نکوهش و برای جداکردن مؤمن از کافر نشان دارشان می کند. بسی روشن است که این رخداد، هنگام ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَاءَ الْقُرْآنُ است نه رجعت؛ و جنبنده در این جا یمانی و مهدی نخست است که پیش از قائم عَلَيْهِ السَّلَام قیام می کند و با مردم سخن می گوید و آن ها را توبیخ می کند و کفر آن ها به آیات ملکوتی خدا و تمایلشان به ماده و شهوات و روی گردانی آن ها را از ملکوت آسمان ها برایشان آشکار می کند (البصری، بی تا: ج ۴، ص ۵۱).

نقد و بررسی

۱-۵. بیان اجمالی آیه

«دابة»، یعنی جنبنده و «ارض» به معنای زمین است و بر خلاف پندار برخی، «دابة» فقط به جنبندگان غیر انسانی گفته نمی شود؛ بلکه مفهوم گسترده ای دارد که انسان ها را نیز در بر می گیرد: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر این که روزی او بر خداست» (هود: ۶). در مورد مصداق این کلمه، قرآن مجید، سر بسته از آن گذشته، گویا بنا بر اجمال و ابهام بوده و تنها به سخن گفتن آن با مردم بسنده و افراد بی ایمان را به اجمال مشخص می کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث های فراوانی در این زمینه دیده می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۵، ص ۵۵۱).

۲-۵. تطبیق دابة الأرض بر حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام

در روایات، چنین آمده است:

۱-۲-۵. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام: «أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ؛ مَنْم دَابَّةُ الْأَرْضِ» (حلی، ۱۴۲۱: ص ۴۸۳).

۲-۲-۵.

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام وَهُوَ يَأْكُلُ خُبْرًا وَخَلًّا وَزَيْتًا فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ» فَمَا هَذِهِ الدَّابَّةُ قَالَ هِيَ دَابَّةٌ تَأْكُلُ خُبْرًا وَخَلًّا وَزَيْتًا؛ در حالی که محضر



امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدم که نان و سرکه و زیتون می‌خورد. گفتم: ای امیرمؤمنان! مراد از «دابة» در این سخن خدای بزرگ: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...» چیست؟ حضرت فرمود: «آن که نان و سرکه و زیتون می‌خورد!» (همان، ص ۴۸۶).

۳-۵. تناقض سخن احمد بصری در مصادیق دابة الأرض

احمد بصری در نوشتار خود آورده است: «برخی روایات، گویای انطباق دابة الأرض بر علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ است که در رجعت صورت می‌گیرد.» در ادامه می‌گوید: «بی شک این رخداد هنگام رجعت نیست؛ بلکه زمان ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ است و مراد از جنبنده، یمانی و مهدی نخست است.» بدیهی است که در این دو گفته تناقضی آشکار وجود دارد.

۴-۵. تناقض سخن احمد بصری در زمان خروج دابة الأرض

احمد بصری می‌گوید: «جنبنده، مهدی نخست است که پیش از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ قیام می‌کند و با مردم سخن می‌گوید و آن‌ها را سرزنش می‌کند؛ لیکن با توجه به روایات، مهدیون پس از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهند آمد. پس این سخن که جنبنده، مهدی آغازین و پیش از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ است، با روایات یادشده سازگاری ندارد.

۵-۵. نبود اشاره به دابة الارض بودن مهدی نخست

بنابر اذعان احمد بصری، روایات، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را جنبنده بر روی زمین می‌شمارند که مهدی نخست در این لقب با او شریک است. البته احمد بصری برای ادعای اشتراک، دلیلی نیاورده است.

نتیجه‌گیری

مواردی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شد، صرفاً بخشی از اشتباهات احمد بصری در مقوله تطبیق آیات قرآن در موضوع مهدیون است. با بررسی و نقد مستندات قرآنی احمد اسماعیل بصری در موضوع مهدیون، نتایج زیر ملاحظه می‌شوند:

۱. احمد بصری و پیروان او، مکرر از ضوابط تطبیق صحیح که از تحمیل عقیده و رأی نادرست بر آیات قرآن و به تبع از تفسیر به رأی مذموم در فهم آیات و مفاهیم قرآن جلوگیری می‌کند؛



فاصله گرفته و در تطبیقات مرتکب، تناقض با سنت معتبر شده‌اند.

۲. پیروان جریان بصری، برای اثبات ادعای خود در برخی مواقع، روایاتی را از منابع اهل سنت نقل کرده و آدرس جعلی از منابع شیعی داده‌اند؛ در حالی که در مصادر شیعی چنین روایاتی وجود ندارند.

۳. در دایة الأرض بودن احمد اسماعیل بصری به عنوان مهدی نخست، اشکالات و تناقضات متعدد وجود دارد.

نکته قابل توجه آن است که با توجه به دیدگاهی که پیروان احمد بصری به وی، به عنوان «مهدی اول» دارند؛ اگر در میان ده‌ها اشکال موجود، صرفاً یکی از آن‌ها اثبات شود، بنیان این دیدگاه ویران خواهد شد.



منابع

قرآن كريم

١. آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، محقق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٢. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (١٣٦٧). *النهاية فی غریب الحدیث والأثر*، مصحح: محمود محمد طنحاحی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
٣. ابن بابویه، علی بن حسین (١٤٠٤ق). *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام ورجاء الشرف.
٤. ابن طاووس، علی بن موسی (١٤١٣ق). *اليعقین باختصاص مولانا علی عليه السلام بإمرة المؤمنین*، قم، دارالکتب.
٥. ابن فارس، أحمد بن فارس (١٤٠٤ق). *معجم مقاييس اللغة*، قم، مكتب الاعلام الاسلامی.
٦. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق). *لسان العرب*، مصحح: جمال الدين مير دامادی، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٧. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩ق). *تفسير القرآن العظیم*، مصحح: اسعد محمد طیب، ریاض، مكتبة نزار مصطفى الباز.
٨. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩ق). *تفسير القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٩. البصری، احمد اسماعیل (بی تا). *المتشابهات*، بی جا، بی نا.
١٠. _____ (بی تا). *نصيحة الى طلبة الحوزات العلمية*، بی جا، بی نا.
١١. ازهری، محمد بن احمد (٢٠٠١م). *تهذيب اللغة*، محقق: محمد عوض مرعب، بیروت، دار احیاء التراث.
١٢. جوادی آملی، عبدالله (١٣٩٥). *ادب فنای مقربان*، قم، نشر اسراء.
١٣. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤١٥ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین.
١٤. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (١٤١١ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
١٥. حلّی، حسن بن سلیمان (١٤٢١ق). *مختصر البصائر*، ایران، قم، جامعه مدرسین حوزة علمیه قم.
١٦. خزاز رازی، علی بن محمد (١٤٠١ق). *کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: عبد اللطیف حسینی کوه کمري، قم، بیدار.
١٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة.



١٨. زمخشري، محمود بن عمر (١٤٠٧ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل**، بيروت، دار الكتاب العربي.
١٩. سيدرضي، محمد بن الحسين (١٣٩٨). **نهج البلاغه**، مترجم: ناصر مكارم، قم، انتشارات اميرالمؤمنين عليه السلام.
٢٥. سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر (١٤٠٤ق). **الدر المنثور في التفسير بالماثور**، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي.
٢١. شيخ حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٢٥ق). **إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات**، بيروت، اعلمي.
٢٢. صدوق، محمد بن علي (١٣٧٨ق). **عيون أخبار الرضا عليه السلام**، مصحح: مهدي لاجوردی، تهران، نشر جهان.
٢٣. _____ (١٣٩٥ق). **كمال الدين و تمام النعمة**، مترجم: علي اكبر غفاري، تهران، اسلاميه.
٢٤. _____ (١٤١٣ق). **من لا يحضره الفقيه**، مترجم: علي اكبر غفاري، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٥. _____ (١٣٦٢). **الخصال**، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٦. طباطبائي، محمد حسين (١٣٩٥ق). **الميزان في تفسير القرآن**، بيروت، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٢٧. طبرسي، فضل بن حسن (١٣٧٢). **مجمع البيان لعلوم القرآن**، تهران، ناصر خسرو.
٢٨. طبري، محمد بن جرير (١٤١٢ق). **جامع البيان عن تأويل آيات القرآن**، بيروت، دار المعرفة.
٢٩. طوسي، محمد بن الحسن (١٤١١ق). **الغيبه**، قم، دار المعارف الإسلامية.
٣٥. عده ای از علماء (١٣٦٣). **الأصول الستة عشر**، قم، دار الشبستري للمطبوعات.
٣١. عياشي، محمد بن مسعود (١٣٨٥ق). **التفسير**، مترجم: هاشم رسولي محلاتي، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية.
٣٢. فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٥ق). **التفسير الكبير**، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٣٣. فراهيدي، خليل بن أحمد (١٤٠٩ق). **كتاب العين**، قم، نشر هجرت.
٣٤. فيض كاشاني، محمد (محسن) (١٤١٥ق). **تفسير الصافي**، مصحح: اعلمي حسين، تهران، مكتبة الصدر.
٣٥. قمي، علي بن ابراهيم (١٣٦٣). **تفسير القمي**، مصحح: طيب موسوي جزايري، قم، دار الكتاب.
٣٦. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق). **الكافي**، مترجم: علي اكبر غفاري و محمد آخوندی، تهران، دار الكتب الإسلامية.



۳۷. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و النشر.
۳۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، مصحح: جمعی از محققان، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۹. _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، مصحح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۸). *پیام قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۲. _____ (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۴۴. یزدی حائری، علی (۱۴۲۲ق). *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام*، مصحح: علی عاشور، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

45. <https://www.almahdyoon.com>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الانتظار الموعود مجلة فصلية علمية -
تحقيقية

انتظار الموعود

تم وحسب الرسالة المرقمة ٦٠٦٤ والصادرة بتاريخ ١٨ / ٧ / ١٣٩٥ من قبل شوراى وهىئة إصدار التراخيص العلمية التابعة للحوزة العلمية ترقية مجلة الإنتظار الموعود وجعلها فى مصاف المجلات العلمية - التحقيقية

هئية التحرير (حسب تسلسل الحروف):

بهرزوى لك، غلام رضا
(أستاذ فى جامعة باقر العلوم عليه السلام)
جبارى، محمد رضا
(معيد فى مؤسسه الإمام الخمينى عليه السلام التعليمية والتحقيقية)
خسروپناه، عبدالحسين
(أستاذ فى مركز الدراسات الثقافية والفكر الإسلامى)
رضانجاد، عزالدین
(أستاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
رضائى الاصفهانى، محمدعلى
(أستاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
زارعى متین، حسن
(أستاذ فى جامعة طهران)
شاکرى الزواردهى، روح الله
(معيد فى جامعة طهران)
صفرى الفروشانى، نعمه الله
(أستاذ فى جامعة المصطفى عليه السلام العالمية)
کلباسى، مجتبى
(أستاذ فى الحوزة العلمية)
محمد الرضائى، محمد
(أستاذ فى جامعة طهران)

صاحب الامتياز:

مركز المهديه التخصصى الحوزة العلمية قم المقدسه

المدير المسئول:

حجة الإسلام والمسلمين الشيخ محسن القرائتى

رئيس التقرير:

حجة الإسلام الدكتور روح الله الشاکرى الزواردهى

المدير الداخلى و سكرتير التحرير:

محسن رحيمى الجعفرى

المحرر:

ابوالفضل عليدوست

التنفيذ والإخراج:

مسعود سليمانى

مصمم الغلاف:

عباس فريدى

المترجم الإنجليزى:

زينب فرجام فرد

المترجم العربى:

ضياء الزهاوى

المواقع المعتمدة فى نشر المجلة:

www.entizar.ir

موقع مجله الانتظار الموعود

www.isc.gov.ir (ISC)

موقع علوم العالم الإسلامى

www.magiran.com

بنك المعلومات للصحف والمجلات

www.noormags.com

موقع نور للمجلات التخصصىة



العنوان: قم المقدسه شارع الشهداء (صفائىة) زقاق آمار، مركز المهديه
التخصصى

الهاتف: ٢٥٣٧٨٤١٦٦٦ - رقم الفاكس: ٢٥٣٧٧٣٧١٦٠

موقع المجلة: www.entizar.ir

البريد الإلكتروني: Entizarmagg@gmail.com

قيمت: ١,٣٠٠,٠٠٠ ريال

تحليل المجالات التعليمية لوثيقة التحول الأساسي لنظام التعليم والتربية بالتركيز على المكونات التعليمية الممهدة للظهور

هادى كريمى عقدا^١

محمد مهدى دهقانى الأشكذرى^٢

تم كتابة المقالة هذه بهدف تحليل ودراسة مكانة الاهتمام بمكونات التربية الممهدة والموطأ لأرضية الظهور في المجالات التربوية للأسس النظرية لوثيقة التحول الأساسي في نظام التعليم والتربية في الدولة من خلال الإستفادة من الجدول المدون، وطريقة البحث المتبع في هذه الدراسة هو أسلوب توصيفي ومن نوع تحليل المحتوى والمنهجية الحاكمة على ذلك الأساس والأصل، وتظهر النتائج المستخلصة إنه ومع وجود الحاكمة والهيمنة لمكونات التربية الممهدة للظهور في المجالات التربوية للوثيقة المذكورة يبدو إن الإهتمام الأكثر بالمكونات التربية الممهدة لأرضية الظهور في مجالات التربية البيولوجية والبدنية والجمالية والفنية هو امر ضرورى للغاية وكذلك فإنه ونظرًا لأهمية الموضوعات المتعلقة بالمعرفة النفسية في العملية التعليمية والموضوعات المتعلقة بالحفاظ على البيئة، فمن المتوقع يتم التوجه والعناية أكثر بالمكونات المتعلقة بعلاقة الفرد مع نفسه وعلاقة الفرد بالحلقة في قسم فلسفة التربية الرسمية العامة بالوثيقة والسند المذكور.

المصطلحات المحورية: الاسس النظرية لوثيقة وسند التحول الأساسي، المجالات التربوية، التربية الممهدة لأرضية الظهور، المهدوية.



١. أستاذ مساعد في قسم علوم التربية كلية المعلمين (الكاتب المسؤول).

٢. أستاذ مساعد في قسم المعارف والتربية الإسلامية كلية المعلمين.

دراسة وتحليل تاريخ الروايات المهدوية لدى المحققين الغربيين (من خلال

محورية الروايات التي تحكى عن إسم ونسب الإمام المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف .

زهير دهقاني الآراني^١

في المائة عام الماضية، غطت جهود المستشرقين في تحديد زمن إنشاء الروايات الإسلامية ونشرها الموضوعي في مجالات مختلفة. وفي سياق هذا الأمر فقد أستفاد عدد من المحققين الغربيين ومن خلال التمرکز ومحورية الأحاديث المهدوية من المثل والقنوات المختلفة لكتابة التاريخ لذلك. ولعل عملية دراسة وتحليل والنقد هي من أهم الاعمال والإنجازات التي قام بها المستشرقون في مجال كتابة تاريخ الأحاديث التي تتعلق بالإسم والنسب الطاهر للإمام المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف. وقد تم في موضوع كتابة هذه الدراسة وفي هذا المجال الى وصف وتحليل خاص الى ثلاثة من الدراسات التحقيقية الشاخصة من مادلونك وكوركه وايلاد، وتعين وتشخيص الجوانب الإيجابية والسلبية لها وطبقاً للنتائج الحاصلة لهذه الدراسة فإنه وعلى الرغم من وجود الفائدة والمنفعة من وجود استخدام الأنماط والأساليب لتاريخ الروايات فقد حامت الشكوك حول نتائج هذه الأساليب لأسباب مثل وجود افتراض على الصنع وعدم صحة الأحاديث، وعدم اكتمال التحقيق والاستقصاء في الأحاديث، فضلاً عن عدم الأخذ بعين الاعتبار أو وجود الإنتخاب الانتقائي ولاسيما في مسألة خصائص الرواة.

المصطلحات المحورية: كتابة تاريخ الأحاديث المهدوية، المستشرقون، روايات إسم ونسب الإمام

المهدي عجل الله تعال فرجه الشريف، مادلونك، كوركه، ايلاد.



١. أستاذ مساعد في قسم المعارف والعلوم الإسلامية، برديس فارابي - جامعة طهران .

نموذج الالتزام التنظيمي لدى أصحاب وأعاون الإمام المهدي عليه السلام

رضا ابروش^١

مما لا شك فيه فإن الثقافة والحضارة المهدوية، التي تقوم على تحقيق المنظومة الموجهة نحو إقامة العدالة وتستند إلى الأفكار والرؤى المهدوية، ومن الضروري بمكان فإنها بحاجة إلى وجود التنظيمات والتشكيلات الفعالة في هذا الصدد. ومن الطبيعي فإن هذه التشكيلات والتنظيمات المهدوية والتي تشكل العمود الفقري في إقامة نظام محوريته العدالة والتي تستند قوامها على الرؤى والأفكار المهدوية تسعى إلى إيجاد أعضاء من ذوى الإلتزام التنظيمي العالى، ولاشك فإن الإلتزام التنظيمي يزيد مستوى معيار وميزان حالة الإشتياق لدى هؤلاء للخدمة في تنظيم يخطو في طريق إعلاء الحضارة والثقافة المهدوية. والمسألة التي تطرح هي كيف يكون المثل والإنموذج للتعهد الإلتزامي في أوساط أعضاء التنظيمات التي تسير في هذا الإتجاه والمحور. إن الهدف من وراء كتابة البحث الذي بين أيدينا هو تقديم وعرض الإنموذج للتعهد الإلتزامي لدى أصحاب وأعاون المهدوية وذلك طبقاً للرؤى والأفكار التي تلتزم بها النظرية المهدوية وتأخذ هذه الدراسة على عاتقها بحث التعاليم ذات الصلة بالرؤية المهدوية، وجمع المعلومات المطلوبة بطريقة البيانات الأساسية والإنموذج التعهد التنظيمي في الرؤية المهدوية وهذا الإنموذج يحمل مكونات خمسة ويشمل عوامل وهي: التعهد والإلتزام التنظيمي، مجالات وأسس الإلتزام التنظيمي، طبيعة وماهية الإلتزام التنظيمي، عقبات الإلتزام التنظيمي ونتائجه وآثار ذلك. المصطلحات المحورية: الإلتزام التنظيمي، الرؤية المهدوية، أصحاب المهدوي، البيانات الأساسية، شعور التعلق.



١. أستاذ مساعد في قسم الإدارة الثقافية جامعة المعارف والعلوم الإسلامية قم، ايران .

التعريف ومراجعة أقدم مخطوطة الغيبة المنسوبة إلى النعماني

كاظم الأستاذي^١

لقد أولى الشيعة إهتماماً واسعاً وكبيراً بكتاب الغيبة والمنسوب الى محمد بن إبراهيم النعماني على الرغم من وجود كتب عديدة قام بتأليفها هذا العالم الجليل. وجرى تأليف هذا الكتاب في بداية الغيبة الكبرى وطوال غيبة الإمام صاحب العصر والزمان عَلَيْهِ السَّلَام وفي قمة التزلزل والتفاقم الفكري والعقدى في أوساط الشيعة، وطبقاً للتقرير الحاصلة من مفهرسى المخطوطات الإيرانية وقائمة مخطوطات كتاب الغيبة فإن أقدم نسخة موجودة لهذا الكتاب هي تلك النسخة التي تتواجد في مكتبة العتبة الرضوية المقدسة، وهذه النسخة القديمة أقدم بأربعة قرون من الإصدارات الحالية الأخرى من كتاب الغيبة ولهذا فمن الضروري بمكان تقديم دراسات وطرح أسئلة في هذا الخصوص منها: ما هي الخصائص الببليوغرافية الرئيسية والثانوية لمعرفة النسخة القديمة؟ وكيف هي فهارس المواضيع والأبواب التي تضمنتها النسخة القديمة وهل هناك إختلاف بين النسخ الأخرى والنسخة المطبوعة له؟ وإلى أي منطقة جغرافياً تنتمي النسخة القديمة؟ وهل يوجد إختلاف كبير بين النسخة القديمة والنسخة الخطية المتأخرة للغيبة؟ وأظهرت المقالة الحالية بالإضافة إلى الوصف الببليوغرافي المفصل للنسخه، مسألة تحديد في وجود إختلافات صغيرة وكبيرة في أبواب الكتاب بين النسخة القديمة والنسخة التي تم طباعتها متأخراً.

المصطلحات المحورية: الغيبة الكبرى، النسخ الخطية، المهديّة، الإمام صاحب العصر

والزمان عَلَيْهِ السَّلَام، ابن خاتون.



۱. ماجستير في دراسة القرآن والحديث جامعة القرآن والحديث قم.

دراسة تحليلية للحوادث المعطوفة على الظهور فى رواية الواردة عن عبد الأعلى الحلبي (من خلال التأكيد على أسلوب المورفولوجيا بـيراب).

محسن خوشفر^١

زهرة مراد نجف الآبدي^٢

إن الغرض والهدف من وراء التحقيق هذا هو تحليل المضمون والمحتوى الذى تشكلت منه عناصر الرواية الواردة عن عبد الأعلى الحلبي، وقد تم كتابته بالطريقة النوعية وأسلوب «مورفولوجيا بيراب» والسؤال الذى يطرح نفسه هنا ماهى النظرة التشكيلية للرواية التى أوردها عبد الأعلى الحلبي والتى تخص الحوادث التى تقع حين عملية الظهور؟ وقد ظهرت النتائج التى حصل عليها هذا التحقيق هو تطابق الأنماط المورفولوجية مع الرواية الواردة عن الحلبي، وتؤدى هذه الأنماط والتداعيات بشكل أو بآخر إلى تحليل المجتمع الذى يعيش عصر الظهور، ففي هذه الرواية جاء العمل الذاتى للإرادة احدى وعشرين مرة، والإقرار عشرين مرة، والعمل البطولى ثمانية عشر مرة والإخبار اثنا عشر مرة والشرارة احدى عشر مرة. وتنم وجود الإرادة والعزيمة على سرعة عمل الإمام عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى وأصحابه وأعوانه فى التحرك وإملاك الخطة الواضحة والدقيقة ضد العدو، واما الإقرار والعودة فهى دليل على ضلالة الأمة فى عصر الظهور ونسيان الصفات التى يمتلكها الإمام صاحب الأمر وأعوانه. والشرارة تبيين العقبات والموانع التى أوجدها الأعداء فى مقابل إقامة حكومة العدل الإلهى وإنتشارها فى اصقاع المعمورة، ولعل الشواهد التى تبدأ بها هذه الرواية تحكى فى أغلبها عن الإخبار عن وقوع خبر وحدث ما يظهر وجود عملية للتغيير والتحول فى مجتمع عصر الظهور. وهذا العنصر والى جانب العزيمة والإرادة والشرارة يبين بأن هذه الحوادث والوقائع إنما تقع فى الاغلب الاعم فى منظومة العزائم وذلك نتيجة عداء الشخصيات الشرورة.

المصطلحات المحورية: المورفولوجيا، رواية الحلبي، بيراب، عصر الظهور، المهدوية، عناصر القصة.



١. دكتوراه فى التفسير المقارن، قسم الحديث فى جامعة المصطفى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى العالمية .

٢. السطح الرابع (بحث الخارج) فى الحوزة العلمية، معهد فاطمة الزهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى للتعليم العالى اصفهان (الكاتب المسؤول) .

دراسة ونقد المستندات والأدلة القرآنية التي أوردها أحمد إسماعيل البصرى فى موضوع المهدويين^١

مجيد حيدرى فر^٢
حسن رضائى مهر^٣

لقد قام من إدعى المهدوية وعبر الدهور والعصور المتمادية بالإعتماد على النصوص الدينية وذلك لأجل إثبات مدعائه وبالتالي الإستفادة غير الصحيحة من الآيات والروايات لصالحه وذلك لإيجاد الإنحراف فى أفكار ومعتقدات المتدينين من مختلف شرائح المجتمع والهدف الذى تبتغيه هذه الدراسة والبحث هو الإجابة على السؤال التالى: ماهى التطبيقات القرآنية التى تبناها أحمد إسماعيل البصرى فى موضوع المهدويين وماهو النقد الوارد على كل واحد منها؟ ويكفى للتعبير عن ضرورة البحث، حيث جعل التيارات المنحرفة فى التطبيقات القرآنية، وسيلة لتأكيد عقيدته والعمل على إمضاءها بدلاً من الاهتمام بفهم الأسباب والمعنى الجدى والحقيقى للآيات. ومن الواضح فإن عملية عدم الإكتراث الى سياقات الآيات وعدم إعمال الدقة اللازمة فى كيفية الإستنباط غير الصحيح من الروايات التفسيرية كان السبب فى إيجاد الفهم الخاطئ لبعض الآيات التى تتحدث عن المهدوية لدى تيار وحركة أحمد إسماعيل البصرى. وكذلك فقد أدت عملية التفسير بالرأى بعيداً عن الدعم النقلى والعقلى المقبول الى التطبيق الباطل للآيات القرآنية على شخص معين والأسلوب الذى تم إتباعه فى هذه الدراسة هو الأسلوب النقلى - الوحيانى (التحليل النصى والبيانى للآيات والروايات) وجمع المعطيات بالأسلوب المكتبى والإعتماد على المستندات والوثائق المكتوبة وطريقة معالجة البيانات التحليلية والإنتقادية. وتظهر النتائج التى إستخلصها البحث بأن اقتباساته القرآنية وتطبيقاته فى حالة المهدويين لا تتوافق وتتقاطع مع المعايير الصحيحة.

المصطلحات المحورية: أحمد إسماعيل البصرى، التطبيقات القرآنية، الحجج الإلهية، المهديون، دابة الأرض.

١. هذه المقالة مستخرجة من رسالة السطح الرابع للحوزة العلمية تحت عنوان " نقد التطبيقات القرآنية لأحمد إسماعيل

البصرى حول الحجج الإلهية "

٢. استاذ فى الحوزة العلمية وفى الجامعة.

٣. طالب فى السطح الرابع (البحث الخارج) فى الحوزة العلمية فى قم . (الكاتب المسؤول)

A Review and Critique on the Quranic Documents of Ahmad Ismaeel Basri on the Subject of Mahdiyoun¹

Majeed Heidari Far²

Hasan Rezaee Mehr³

Throughout history, the claimants of Mahdism have referred to the religious texts to prove their legitimacy and have benefited from the misapplication of verses and narrations for their favor to mislead the thoughts of the religious of the society. The purpose of this paper is to answer the following question: “what are the Quranic adaptations of Ahmad Ismaeel Basri on the topic of Mahdiyoun and how it has been criticized?”. To explain the necessity of the research, it is enough to say that the deviant movements in the Quranic adaptations have mostly made use of them as an instrument to prove their belief, more that being concerned with the understanding of the reasons and serious intention of the verses. Ignoring the contexts of the verses and not paying attention to the howness of mis-inference and misinterpretation of the interpretive narrations had led Ahmad Ismaeel Basri’s movement to have a wrong perception of some verses on the topic of Mahdiyoun. Moreover, interpretation based on one’s opinion and without acceptable narrative and rational support has led to invalid comparison of Quranic verses against a particular person. The research method used in this paper is narration-revelation-based (textual and intertextual analysis of verses and narration) and data has been collected in accordance with the library method and with reference to written documents and critical data processing method. The results indicate that his Quranic comparisons on the issue of Mahdiyoun are not compatible with correct criteria of comparison.

Keywords: Ahmad Ismaeel Basri, Quranic adaptations, divine proofs, Mahdiyoun, Dabat Al-Arze.

1. This paper is extracted from the thesis for the level 4 at Seminary entitled “Criticism on Ahmad Ismaeel Basri’s Quranic Adaptations on the Issue of Divine Proofs”.

2. Professor of Seminary and University.

3. Graduate Student of Level 4 of Qom Seminary. (Corresponding Author)

Analytical Investigation of Events with the Focus on the Appearance in the Narration of Abdul Ali Halabi (with Emphasis on Prop's Morphology)

Mohsen Khoshfar¹

Zohreh Morad Najaf Abadi²

The present research has been carried out with the aim of analyzing the content of Abdul Ali Halabi's narration qualitatively following Prop's morphology. The question is what the morphology of Abdul Ali Halabi's narration is? The findings of the present research show that the morphological models can be compared and adopted to Halabi's narration and the extraction of these models leads to the fine analysis of the society at the time of appearance. In this narration, the expressions of acts of departure 21 times, recognition 20 times, the act of heroism 18 times, reports 12 times, and acts of evil 11 times have been mentioned. Departure refers to Imam's and his followers' quickness in action in migrating and having plans against the enemy. Recognition demonstrates the misguidance of the people of the age of appearance and the forgetfulness of the attributes of Imam of the time and his companions. The act of evil is indicative of the obstacles on the path and the stonewalling of the enemies against the establishment and spread of the rule of Divine justice. The opening scene of this narration reports an event that expresses a change and transformation in the society of age of appearance. This element along with departure and evil act demonstrate that these events occur as the result of the departures and enmity of evil characters.

Keywords: morphology, Halabi's narration, Prop, the age of appearance, Mahdism, the element of story

1. Ph.D in Comparative Interpretatio, Hadith Department of Al-Mustafa International University of Qom.

2. Student of Level 4, Fatima Al-Zahra Institute of Higher Education, Isfahan. (Corresponding Author)

Introduction and Review of the Oldest Hand-written Manuscript of Al-Ghaiba, Ascribed to Nomani

Kazem Ostadi¹

Among the Imamate Shiites, in spite of the fact that Muhammad ibn Ibrahim Nomani had several books, the book of Al-Ghaibah, attributed to him, has been noticed above all his other books. This book has been written at the beginning of the major occultation and following the extended absence of Imam of the Time (a.s), and the rise in intellectual confusion and shakiness of beliefs among the Shiites. According to the catalogers of Iranian manuscripts and also the list of manuscripts of Al-Ghaiba, the oldest available version of Al-Ghaiba by Nomani is the copy in the Astan Quds Razavi library. This old version of Al-Ghaiba is four centuries older than the other available versions. Therefore, it deems necessary to raise research and questions about it, such as: 1. What are the main and secondary bibliographic characteristics of the old version? 2. What are the table of contents and chapters of the old version and whether there are differences between this version with other printed versions of Al-Ghaiba? 3. To what region and geography does this ancient version belong? 4. Is there a great difference between the ancient version and the latest manuscripts of Al-Ghaiba? In the present paper, in addition to the detailed bibliographic description of the version, we have found that there are minor and major differences and discrepancies in the chapters of the book and between the ancient version and latest manuscripts and printed versions of Al-Ghaiba.

Keywords: major occultation, manuscript versions, Mahdism, Imam of the Time (a.s), Ibn Khatun.

1. MA of Quran and Hadith, University of Quran and Hadith of Qom.

A Model of Organizational Commitment among the Companions of Imam Mahdi (a.s)

Reza Abravesh¹

Mahdavi culture and civilization which is the pioneer of military realization based on justice and Mahdavi thoughts is in need of organizing the active organizations in this field. The Mahdavi organizations and gatherings which put their endeavor in the formation of justice-oriented military based on the Mahdavi thoughts require the members with high organizational commitment. The organizational commitment increases their level of enthusiasm to serve the organization which puts their effort for the excellence of Mahdavi civilization and culture. The question is what the model of organizational commitment among the members of the organization which moves in this direction is. The purpose of this paper is to provide a model for organizational commitment in the Mahdavi companions based on Mahdavi thoughts. The present paper collects the required data by investigating the Mahdavi-thought related teachings and explains the organizational commitment model in Mahdavi thought using the data-based method. This model includes five components which the factors of organizational commitment, organizational commitment foundations, the nature of such commitment, and its obstacles and consequences are among them.

Keywords: organizational commitment, Mahdavi thought, Mahdavi companions, data-based, sense of belonging.



1. Assistant Professor, Cultural Management Faculty, University of Islamic Teachings, Qom, Iran .

Investigating and Analyzing the Dating of Mahdavi Narrations in the Viewpoint of Western Scholars (Focusing on the Narrations Indicating the Name and Lineage of Imam Mahdi (a.s))

Zoheir Dehghani Arani¹

In the recent century, the efforts of Orientalists in determining the time of expression and spread of Islamic narrations have covered various subject fields. In the meantime, a number of Western scholars have benefited from multiple models to date them with the focus on the Mahdavi narrations. The subject of the present paper is the analytical and critical investigation of the most significant works of Orientalists in the field of dating narrations related to the name and lineage of Imam Mahdi (a.s). In this regard, the three prominent research works of Madelong, Gorke and Ilad have been described and analyzed and their positive and negative aspects have been specified. According to the findings of the current research, despite the effectiveness of utilizing the conventional methods of dating narrations, the results of these methods are questionable and distorted due to reasons such as the existence of presumption on the fabrication of narrations and their unauthenticity, incomplete investigation of narrations, as well as not considering or selectively paying attention to the characteristics of the narrators.

Keywords: dating Mahdavi narrations, Orientalists, narrations on the name and lineage of Imam Mahdi (a.s), Madelog, Gorke, Ilad.



1. Assistant Professor of Instructing Islamic Teachings- Farabi Campus- Tehran University.

Analyzing the Educational Areas of the Fundamental Transformation Document of the Education System, with Emphasis on the Educational Components Paving the Ground for the Appearance

*Hadi Karimi Aaghda*¹

*Muhammad Mahdi Dehghani Ashkezari*²

The present paper has been carried out with the aim of analyzing and examining the position of paying attention to the components of education paving the ground for the appearance in educational areas of theoretical principles of fundamental transformation document in the educational system of the country with the use of checklist. The results of the research show that in spite of the rule of the educational components paving the ground for the appearance in the educational areas of the mentioned document, giving much close and thoughtful attention to the educational components grounding the areas of biological, physical, aesthetic, and artistic education deems to be necessary. Moreover, considering the importance of discussions related to self-recognition in the process of training and ones related to the environmental protection, it is expected that components related to the relationship of individuals with themselves and individuals with the creation are paid more attention in the mentioned document in the section of public formal educational philosophy.

Keywords: the theoretical principles of the fundamental transformation document, educational areas, education grounding the appearance, Mahdism..



1. Assistant Professor at the Group of Education Sciences, Farhangiyah University. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor at the Group of Islamic Knowledge and Training, Farhangiyah University.

According to the letter No.6064 of the council for granting licences and scientific privileges to the seminaries dated 18.7.1395, the journal of "Awaiting the Expected" was promoted to the rank of scientific-research.

IN THE NAME OF ALLAH

فصلنامه علمی - پژوهشی

انتظار مود

Entizar-e-Moud (aj)

Editorial Board: (In Alphabetical Order)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir -al- Ulum University)

Jabbari, Muhammadreza (Associate Professor at Imam Khomeini Educational and Research Institution)

Khosro Panah, Abdol Husseyn (Professor at center of Islamic Culture and Thought)

Rezanezhad, Ezzodeen

(Professor at AL -Mustafa International University)

Rezaee Isfahani, Muhammad Ali (Professor at AL -Mustafa International University)

Zare'ee Matin, Hasan

(Professor at University of Tehran)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Associate Professor at University of Tehran)

Safari Foroushani, Ne'matollah (Professor at AL -Mustafa International University)

Mojtaba Kalbasi

(Professor at Qom Seminary)

Muhammadreza'ee, Muhammad (Professor at University of Tehran)

Owner:

Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Managing Director:

Hojjat al-Islam Mohsen Ghara'ati

Editor in Chief:

Dr. Rouhollah Shakeri Zavardehi

Internal Manager and Editorial Secretary:

Mohsen Rahimi Jafari

Editor:

Abolfazl Alidoust

Layout Specialist:

Masoud Soleimany

Cover Designer:

Abbas Faridi

English Translator:

Zeynab Farjamfard

Arabic Translator:

Ze'ya az-Zahavi

Full text in:

www.entizar.ir
www.isc.gov.ir (ISC)
www.magiran.com
www.noormags.com

Address: The Office of Entezar-e-Mo'oud Journal, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada Street (Safa'eeyeh), qom.

Tel: +982537841661

Fax: +982537737160

Journal site: www.entizar.ir

Email: entizarmagg@gmail.com

Price: 1.300.000 Rials



هزینه اشتراک

نوع درخواستی	پست عادی (ریال)
تک شماره	۱۳۰۰۰۰۰۰ + ۲۰۰۰۰۰
دوره یک ساله	۵۲۰۰۰۰۰۰ + ۸۰۰۰۰۰

نحوه پرداخت:

وجه اشتراک را به حساب سیبا (۰۱۰۹۵۷۶۶۳۶۰۰۷) و یا شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۳۲۰۷۵ بانک ملی شعبه حجتیه قم، کد ۲۷۱۱ به نام انتشارات مرکز تخصصی مهدویت و اریز و اصل فیش بانکی را همراه این فرم به نشانی ذیل ارسال یا فاکس کنید:

قم، فیابان شهدا (صفائیه)، کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان،

مرکز تخصصی مهدویت (مندوق پستی ۳۷۱۳۵/۱۱۹) - فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ - تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۱۶۶



یادآوری:



از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید.
در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید.
تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

فرم اشتراک فصلنامه علمی - پژوهشی انتظار موعود

نام خانوادگی میزان تحصیلات

شغل نشانی

کد پستی تلفن

تعداد درخواستی شروع اشتراک از شماره

مبلغ پرداختی

تک شماره های
نوع درخواست حواله

کد اشتراک نوع درخواست: پست سفارشی - پیشتاز

محل امضا